هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
سه‌شنبه | ۲۰ شهریور ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۸۶۱
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

شب تقدیر از استاد

چرا وزیر رفاه برای تجلیل از این استاد بازنشسته، مراسمی به این مهمی برگزار کرد؟

این احتمالا برای اولین‌بار بود که یک رئیس‌جمهور دعوت شرکت در مراسم تجلیل از پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی را می‌پذیرفت. دیروز مسعود پزشکیان بعد از دیداری که با کارمندان وزارت اطلاعات داشت، به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رفت. اینجا احمد میدری، در مراسمی که برای تجلیل از مهم‌ترین ... صفحه ۰۳ را بخوانید

مهمانی از خاور دور

نسل نو «هوندا سیویک Type R» به زودی روانه خیابان‌های کشورمان خواهد شد؛ آیا این محصول ژاپنی در ایران موفق می‌شود؟ صفحه ۰۵

برق شمشیر شوگان و غرش خرس

نگاهی به جوایز هنرهای خلاقه امی ۲۰۲۴ صفحه ۱۴

پناه بر خدا از دست شوک درمانی!

دعوا بر سر قیمت بنزین تمامی ندارد و همه از پاسخ به یک سوال مهم طفره می‌روند صفحه ۰۳

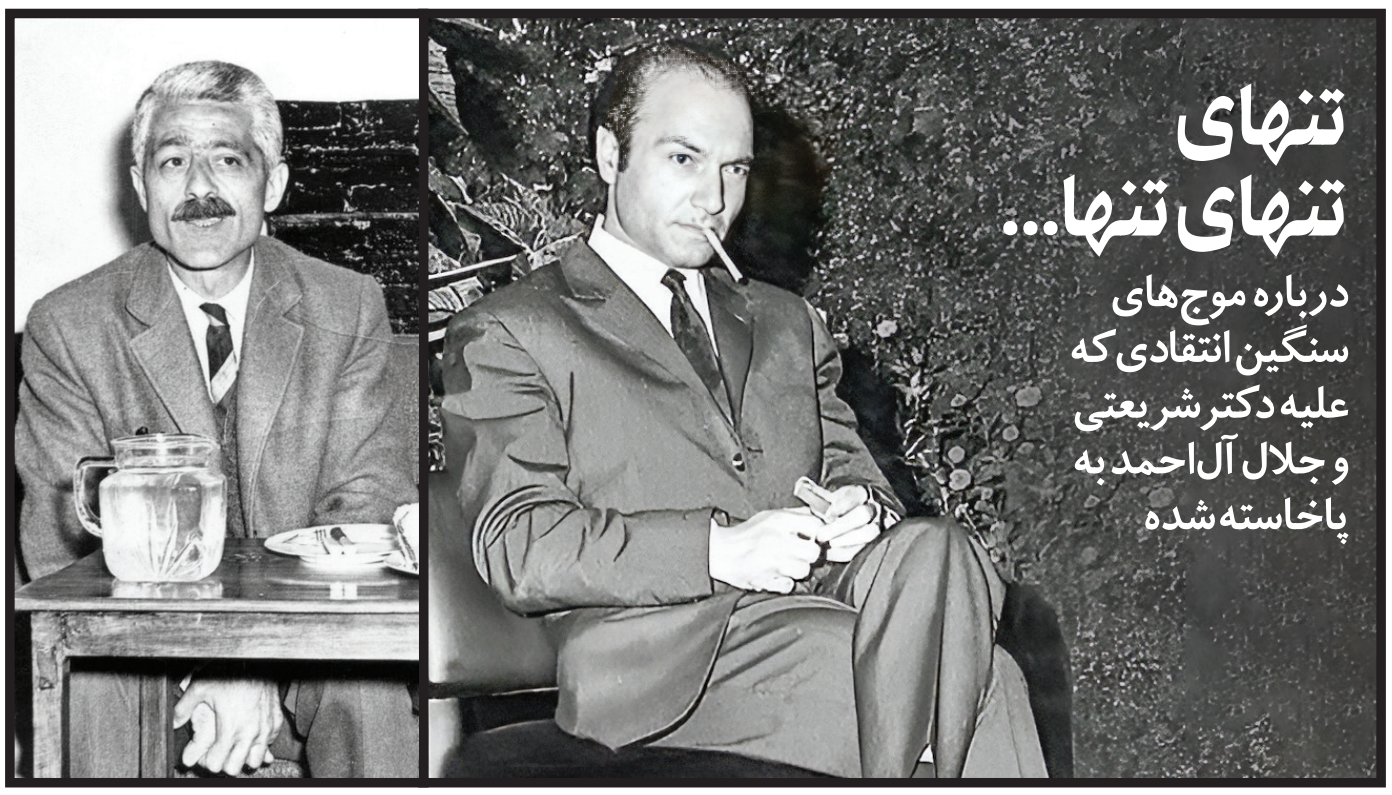

تنهای تنهای تنها...

درباره موج‌های سنگین انتقادی که علیه دکتر شریعتی و جلال آل‌احمد به پاخاسته شده

این روزها جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی از سوی جناح‌های مختلف سیاسی و اقتصادی مورد حملات شدید قرار گرفته‌اند. دو روشنفکر مرجع در دهه چهل و پنجاه که به رغم کنش‌های شخصی چالش برانگیزشان، در سال‌های پس از انقلاب مورد تحسین حاکمیت قرار گرفتند و نامشان بر دو خیابان مهم تهران نقش بسته است و جوایز و یادبودهایی به نام آنها ثبت شده و اهدا می‌شود. این حملات و انتقادها در سال اخیر به اوج خود رسیده است. ماجرا چیست؟

به نظر می‌رسد بخشی از طرفداران ایده‌های لیبرال اقتصادی و گروهی از تجدیدنظر طلبان، علی شریعتی و جلال آل احمد را به عنوان متهمان اصلی خیزش علیه غرب که موتور محرکه انقلاب ۵۷ بود به دادگاه افکار عمومی کشانده‌اند. این نگاه یک ویترین بیرونی و رسمی دارد و یک ویترین مخفی پنهان. ویترین بیرونی حاوی اتهام چپگرایی است. چپگرایی اتهامی است که از همان دوره ملی شدن صنایع خصوصی پربازده در سال ۵۸ بر گرده اقتصاد ایران سنگینی می‌کند و سیاست‌های متناوب و هدایت شده خصوصی‌سازی در این سال‌ها کمکی به حل مشکلات نکرده است. جالب‌ترین نکته در مورد دکتر شریعتی اینجاست که همزمان با انتقاد تندروترین بخش اصولگرایان از او و لعن کردن و مرتد خواندن او رسانه‌هایی وابسته به طرفداران اقتصاد آزاد نیز به شکستن شمایل مقدس شریعتی مشغول شده‌اند. در مورد آل احمد هم رسانه‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب به شکل زنجیره‌ای شروع به انتشار ادبیات انتقادی و تهاجمی علیه او کرده‌اند. اما چرا؟

شریعتی و آل احمد در دهه چهل پرچم ضدغربزدگی را برافراشتند. خاستگاه‌های سنتی هردو نفر (پدر آل احمد روحانی و از عموزاده‌های آیت‌الله طالقانی بوده و پدر دکتر شریعتی هم یکی از متفکرین خوشنام حرکت‌های اسلامی در خراسان) موجب شد که در دهه چهل و در اوج گیری گفتمان چپ مارکسیستی علیه حضور آمریکا و دنیای سرمایه‌داری و بروز خشونت بار و خشن آن در قالب حرکت‌های افراطی چریکی، شریعتی و آل احمد بتوانند این گفتمان را با آرایه‌های مذهبی و سنتی ترکیب کنند و به یک معجون مرد افکن برسند که عمومـا از تیررس ساواک و دستگاه‌های امنیتی دورمانده بود اما قدرتشان را در همراه ساختن طبقه تحصیلکرده و دانشجو در انقلاب ۵۷ نشان دادند. هردو نفر مرگ‌های ناگهانی داشتند که در هردو مورد شایعه دخالت ساواک بسیار پرطرفدار شده بود. آل احمد در سال ۱۳۴۸ و در سن ۴۷ سالگی در ویلای شخصی‌اش در ماسال و ساعاتی پس از میزبانی از کاظم ودیعی که بعدها وزیر کار و امور اجتماعی در دولت آموزگار شد، سکته قلبی کرد که سیمین دانشور دلیل آن را افراط در نوشیدن قزوینیکا و ترکیب آن با سیگارهای سنگین ایرانی می‌دانست. در واقع در روایت مشهور منتسب به خانم دانشور آل احمد مثل غلامحسین ساعدی وخلیل ملکی و یکی دو نفر دیگر جزو قربانیان زیاده‌روی در مصرف الکل شناخته شده‌اند (که در مقابل قربانیان مصرف مواد مخدر یک شاخه بسیار جمع و جورتر محسوب می‌شوند). با این حال سبک زندگی ویرانگرانه آل احمد موجب نشده بود که او علاوه بر نشستن در جایگاهی خدایگونه در عرصه نقد و جهت دهی جریان‌های هنری، نگاه نافذ و هوشمندانه‌ای هم به رسوخ جریان‌های فکری غربی در زندگی ایران معاصر از مشروطیت به بعد نداشته باشد. او با ذهن قدرتمند مخالف خوانش، شمشیر علیه جریان‌های فرهنگی غربی کشید و در سرخوردگی دوران جوانی‌اش از حزب توده و جریان‌های کمونیستی و ناامیدی‌اش از محفل خلیل ملکی، به آغوش جریان‌های اسلامی و روحانیت سنتی و انقلابی پناه برد و راهی حج هم شد. در واقع آل احمد تنها روشنفکر ایرانی بود که در دوران سرکوب روحانیت توسط پهلوی دوم، پتانسیل شگفت انگیز آتشفشان خاموش مذهب در ایران را درک کرده بود. همین خوی مهاجم آل احمد بود که موجب شده بود با جریان چپ ادبیات و فضای روشنفکرانه نیمه توده‌ای ایرانی راحت‌تر کنار بیاید تا جناح راست اشرافی وابسته به دستگاه ابراهیم گلستان.

علی شریعتی هم هشت سال پس از آل احمد و در سن ۴۴سالگی با سکته قلبی در ساوتهمپتون انگلیس درگذشت. چند ماهی پس از تحمل حبس و خروج از زندان و مهاجرت به انگلیس با تنی بیمار و رنجور. به شکلی شگفت انگیز این مرگ ناخواسته چند ماه بعد با درگذشت پسر ارشد آیت‌الله خمینی در نجف (آن هم در سن ۴۶ سالگی) تکمیل شد و فتیله انفجار دی ماه ۵۶ را مهیا ساخت. شریعتی اهل الکل نبود. روایت‌هایی هم در دست است که در مورد رعایت احکام هم خیلی مقید نبوده. کما این که همسرش نیز حجاب را رعایت نمی‌کرد. او بسیار سیگار می‌کشید (هاشم صباغیان می‌گوید: دکتر شریعتی ویژگی‌های خاصی داشت که برخی از آنها بارز و مشهود بود. مثلا سیگار کشیدن ایشان کاملا چشمگیر بود. هنوز سیگار تمام نشده، سیگار دوم را روشن می‌کرد.) از همان جوانی گرایش به شاخه نهضت آزادی پیدا کرد و شهادت برادر همسرش در ماجرای ۱۶ آذر ۱۳۳۲ این نزدیکی را بیشتر هم کرد. یادمان باشد که خود نهضت آزادی‌ها قرابت‌های مشخصی به جریان سوسیالیست‌های خداپرست داشتند و برای عقب نماندن از گفتمان تند چپگراها و کمونیست‌ها در محافل تحصیلکرده آن دوران؛ دیدگاه‌های خود را با آرایه‌های ملایم چپ در اروپا همنشین کرده بودند. و خب به شکلی نامبارک یکی از شاخه‌های برآمده از این نوع نگاه، شاخه نظامی مجاهدین خلق بود که همچون یک پیچک بر تن جوانان ایرانی پیچید و از خون و ذهن آنان تغذیه کرد. شریعتی به عنوان کسی که از یک خانواده مذهبی مبارز بلند شده بود به شکلی نامعلوم در دوره‌ای طولانی از حیات کوتاه خود، سخنرانی‌هایی علیه جایگاه روحانیت در ایران و جهان تشیع انجام داد که از حافظه بخشی از روحانیت هنوز زدوده نشده است. با این حال او هم آن گونه که مشهور است در سال‌های پایانی زندگی خود به نقش قدرتمند روحانیت پی برده بود. از حیدر رحیم پور ازغدی (پدر دکتر ازغدی) نقل شده که شریعتی در دیداری که در مشهد با او داشته گفته است که: «در زندان بیشترین کتکی که خوردم از این بابت بود که می‌گفتند «تو شاخه دانشگاهی خمینی هستی و حرف‌هایی که در سال‌های اخیر در کتاب‌هایت آورده‌ای به حکومت ضربه زده است. می‌گفتند مدرک داریم که تو خمینی را تقویت کرده‌ای، هم شکنجه می‌کردند و هم پیشنهاد می‌دادند که رویکردم را تغییر دهم و مقام‌های بالا تا حد وزارت فرهنگ را بر عهده بگیرم، اما من قبول نکردم». ادامه در صفحه ۰۴

شوینده‌های ایرانی به جیب مارحم نکردند

برای خرید شوینده‌های اصلی باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پول بدهید صفحه ۰۷

امید به دوبی نشین‌ها

در بین بازیکنان تیم امیر قلعه‌نویی، برخی چهره‌ها شبی ویژه را پشت سرخواهند گذاشت صفحه ۱۲

جمع نابغه‌ها در پرسپولیس

درباره فوتبال و فوتبال و پیرمرد گیلک صفحه ۰۴

ابعاد مبهم پرونده دو ایرانی در آلمان و آمریکا

سرنخ‌های جدید در پرونده قتل مدیر برنامه‌های فائقه آتشین و تجاوز گروهی ۶ نفر به یک ایرانی در آلمان به دست آمده است صفحه ۰۳

ستون سه‌شنبه
فریدون صدیقی

دنیا مال همه است

نشسته بود زیر طاق در بزرگ خانه‌ای کهنسال و محزون که دلواپس برج شدن است، حضورش مرا غافلگیر می‌کند در خیابانی نازک که لابد در پیش‌ترهای دور و دراز کوچه باغ بوده است! بساط ساده‌ای دارد؛ عروسک‌های پارچه‌ای که روی دو لت روزنامه دراز کشیده‌اند.

غافلگیری من فقط حضور بانویی میانسال در دورهمی عروسک‌ها نیست در این است که او مشغول کتاب خواندن است. من که چند قدم گذشته بودم از این نمای نزدیک، بی‌اختیار برگشتم تا ببینم آنچه دیده‌ام راست بود یا خیالی شیرین؟ راست بود و من بی‌اختیار سلام کردم و او کتاب را بست و کنار عروسک در حال ساختی گذاشت که شبیه نوزاد دو ماهه بود و بلافاصله گفت؛ دست‌دوز خودم است. این یکی این لچک گلی، گلنار است بچه لاهیجان است. این یکی این موفرفری شلوار کردی، اسفندیار است.

من تا این لحظه بیشتر حواسم به کتاب بود که چیست. وقتی فهمیدم این بانوی محترم کُرد است بی‌اختیار یاد همولایتی‌هایم افتادم؛ کولبرها. کتاب را با روزنامه جلدپوش کرده بود و از لای ساک دستی کنار دستش می‌شد فهمید کتاب دیگری هم هست. گفتم، این موفرفری قیمتش چند است؟ جواب داد هر چقدر که فکر می‌کنید ارزش دارد. حالا رنگ غروب تیره‌تر شده بود به گمانم بانوی محترم قصد دست به دست دادن هفت عروسکی است که روی صفحه روزنامه خمیازه می‌کشند و او می‌خواهد آنها را در کوله پشتی‌اش بگذارد. من تندی موفرفری را برمی‌دارم و صد هزارتومان پیش رو می‌گذارم، پانزده هزارتومان پس می‌دهد. من از گرفتن امتناع می‌کنم؛ قابلی ندارد! و او محکم جواب می‌دهد، دو نان‌خور دارم، عروسک می‌سازم و می‌فروشم، محتاج نیستم. کافیست! آن‌قدر این دو سه جمله را با اعتماد به نفس و قاطع گفت که من با شرمندگی و پوزش بقیه پول را گرفتم و قبل از اینکه پا برگیرم گفتم؛ کتاب قطوری است. نگاه پرمعنی‌اش روی صورتم را پوشاند و گفت نه قطور نیست. «بازی آخر بانو» نوشته بلقیس سلیمانی است و این یکی ـ یعنی همانی که از تو کوله سرک می‌کشید ـ پرنده من از فریبا وفی است. من گفتم هر دو عالیست. من می‌روم، غروب می‌رود و حتماً دقایقی بعد آن مادر سرپرست خانوار می‌رود. آنچه که نمی‌رود تیزی تیغی است که خیالاتم را زخمی کرده است تا با خودم بگویم، وقتی تاریخ را مردان می‌سازند، چرا باید تاوانش را زنان بدهند. می‌دانم پاسخ این سؤال را هم گنجشک‌ها، کبوترها، سارها و پرستوهای مادر به خوبی می‌دانند وقتی حاضرند به‌خاطر بچه‌هایشان تا پای جان در زمین و آسمان بی‌رحم پر و بال بزنند.

گلوی تازه چه داری پرنده‌فروشم؟
ترانه‌ای چیزی
آواز ساده‌ای
که به پرده‌های اتاق خوابم بیاید

راست اینست در هزار سال پیش که روزگار حالش نسیم بود و کمتر تب تند، بدحالش می‌کرد زنان سرپرست خانوار بسیار کم بودند چون جدایی مثل فریاد زدن اغلب نشانه بی‌خردی بود با این‌همه بودند تک و توک بانوان دل‌شکسته‌ای که همسرانشان جهان را برای همیشه جا گذاشته بود و یا میل به جدایی داشتند و تنهایی را به همسران تحمیل می‌کردند. چه بانوان محترمی که بی‌غرولند نداری، ثابت می‌کردند فقر گناه نیست ولی باید آن را پنهان کرد تافرزندان بدانند فقر بدون قرض، ثروت است و تا فرزندان بدانند ایستادن بر بلندای درس، حرفه، کسب و کار مدیون جانثاری‌ها و از خودگذشتگی‌های مادر است. ادامه در صفحه ۰۳

پایان داستان دلخراش یزد

راننده‌ای که به دختر ۱۲ ساله تجاوز کرده بود به اعدام محکوم شد

یک حکم اعدام و یک داستان روح خراش و یک دنیا سوال! این جمله شاید بهترین خلاصه از خبری باشد که روز گذشته در خصوص صدور حکم اعدام برای یک راننده اینترنتی در یزد به خاطر تجاوز به دختر بچه ۱۲ ساله صادر شد.

ماجرا از این قرار بود که دادگستری یزد اعلام کرد متهمی که راننده اسنپ هم بوده بعد از سوار کردن دختر بچه ۱۲ ساله‌ای او را مورد تجاوز قرار داده و بعد از تهیه فیلم مستهجن اقدام به تهدید و اخاذی از خانواده او کرده است اما پدر و مادر این دختربچه با ثبت شکایت خود علیه این فرد او را پای میز محاکمه کشاندند و موجب صدور رای سنگینی برایش شدند.

بر اساس حکم صادر شده از سوی دادگستری استان یزد، متهم این پرونده که متولد ۱۳۷۹ و راننده سرویس اسنپ است و دارای پرونده دیگری در مهریز بوده به ادعای خودش به دلیل مصرف ماده مخدر شیشه، بعد از سوار کردن یک دختر ۱۲ساله مرتکب تجاوز به عنف شده است.

متهم در این پرونده با شکایت وکلای شاکی، در خصوص آدم‌ربایی، تهدید، اخاذی، تولید و توزیع و ارسال و انتشار تصاویر مستهجن و مبتذل، ضرب‌وجرح و تجاوز به عنف، به اعدام محکوم شد.

ماجرای شکایت قبلی چه شد؟

پیش از این نیز، راننده تاکسی اینترنتی مجرم در پی شکایت دختری ۲۲ ساله مبنی بر آدم‌ربایی و قصد تجاوز و تشکیل پرونده قضائی به دلیل آدم‌ربایی و سوءقصد به ۱۰ سال حبس و شلاق محکوم شده بود.

در این پرونده با توجه به آثار زیانبار بزه‌های ارتکابی متهم بابت آدم‌ربایی به ۱۰ سال حبس، بابت توقیف غیرقانونی به سه سال حبس، بابت مزاحمت برای بانوان به ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و ۲۵۰ میلیون ریال جزای نقدی و بابت ارتباط نامشروع به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم شد.

آنچه از خواندن جزئیات احکام صادر شده به ذهن می‌رسد این است که متهم چرا با وجود محکوم شدن به حبس در پرونده قبلی الان در زندان نیست؟

چطور او باداشتن محکومیت قبلی آزاد بوده و فرصت کرده که یک بار دیگر مرتکب چنین جرم سنگینی شود؟

اما بررسی‌های خبرنگار ما حکایت از آن دارد که حکم صادر شده در پرونده قبلی هنوز قطعی نشده و به مرحله اجرا نرسیده است. این بدان معنی است که متهم با قرار وثیقه آزاد بوده و در صورت تائید حکم صادر شده از سوی دیوانعالی کشور و به مرحله اجرا در آمدن حکم به زندان می‌رفت اما او در این فاصله از فرصت سوءاستفاده کرده و بار دیگر دست به اعمال مجرمانه زده است.

راننده سابقه‌دار هم داریم؟

مگر شرکت‌های اینترنتی برای تائید هویت رانندگان از آنها گواهی سوءپیشینه نمی‌خواهند؟ چطور فردی که دارای چنین سوابق تیره و تاری است هنوز به عنوان راننده فعالیت می‌کند؟

پاسخ این سوال هم در پیگیری‌های خبرنگار ما روشن شد.

کاربری این متهم ۲۴ ساله چند سال قبل به عنوان سفیر اسنپ فعال شده است که هنوز مرتکب جرایم مذکور نشده بود. به این ترتیب هنوز می‌توانست در اسنپ فعال باشد.

راننده اعدام می‌شود؟

حکم صادر شده برای این متهم یک حکم بدوی است یعنی باید به تائید قضات دیوانعالی کشور برسد. در صورتی که حکم صادر شده در دیوانعالی کشور مهر تائید بخورد شمارش معکوس برای اعدام متهم آغاز خواهد شد.

SMS
Telegram
WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

ایران بخشی از جنگ اوکراین نیست

کنعانی: با تحمیل تغییرات مرزی مخالفیم

سخنگوی وزارت خارجه ایران با بیان اینکه تهران با تحمیل تغییرات ژئوپلیتیک و مرزی مخالف است، ادعاها درباره صادرات تسلیحات ایرانی به روسیه را قویا رد کرد. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه و در نشست خبری هفتگی خود درباره مسائل مختلف بین‌المللی اظهارنظر کرد که بخش‌هایی از آن را می‌خوانید:

ما اشاره به ادعاهای مطرح‌شده از سوی برخی رسانه‌های رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه این رژیم در حمله بامداد دوشنبه برخی از مراکز مرتبط با ایران در سوریه را مورد حمله قرار داده است، چنین چیزی را تایید نمی‌کنیم و براساس آنچه که منابع سوریه اعلام کرده‌اند، رژیم صهیونیستی به مراکز سوری از جمله به یک مرکز تحقیقاتی که مربوط به ارتش سوریه بوده، حمله کرده است.

(در پاسخ به سوالی در مورد تحولات اخیر قفقاز و همچنین موضوع کریدور زنگزور و برخی از حاشیه‌های ایجاد شده در پی اظهارات مقامات روسیه در این ارتباط): من توصیه می‌کنم که به متن دقیق اظهارات مقامات روسیه در این ارتباط توجه کنید و آن اظهارات را مبنای تحلیل و اظهار نظر قرار دهید.

برخی از کشورهای فرامنطقه‌ای تلاش می‌کنند که ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه ایجاد کنند. ما از تقویت سازوکارهای منطقه‌ای مبتنی بر الگوهای موجود از جمله الگوی ۳+۳ حمایت می‌کنیم.

ما از رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی در چارچوب استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت کشورهای منطقه و رعایت منافع متقابل کشورها استقبال می‌کنیم و مخالفت خود را با تحمیل تغییرات ژئوپلیتیک و مرزی که با استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی کشورهای منطقه مغایرت داشته باشد، اعلام می‌کنیم.

رژیم صهیونیستی هر روز در جریان این مذاکرات، شروط جدید و زیاده خواهانه‌ای را مطرح می‌کند و در واقع مانع شکل‌گیری آتش‌بس شده است.

مواضع جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با برجام روشن است. برجام یک توافق جمعی است و کشورهای عضو این توافق همه تعهداتی برعهده داشتند و ایران تنها عضوی بوده است که به تعهدات خود عمل کرده. احیای این توافق مبتنی بر بازگشت طرف‌های مقابل به تعهدات خود در چارچوب برجام است و این توافق زمانی می‌تواند احیا شود که همه طرف‌ها به تعهدات خود بازگردند.

ایران از میز مذاکره فاصله نگرفته است و مذاکرات را به عنوان راهکار دیپلماتیک برای تحقق منافع خود محل توجه قرار می‌دهد. توافق برجام یک نمونه از موفقیت چندجانبه‌گرایی در حل موضوعات پیچیده بود و جای تاسف است که برخی از طرف‌های مقابل به تعهدات خود در این زمینه عمل نکردند.

مسیر توافق می‌تواند باز باشد و فرصت برای احیای برجام وجود دارد، مشروط به اینکه طرف‌های مقابل به تعهدات خود در برجام باز گردند و به آن پایبند باشند.

ما موضع روشنی در ارتباط با تحولات اوکراین و بحران اوکراین داریم و جای تاسف است که برخی از طرف‌ها که خود بخشی از جنگ و نزاع در بحران اوکراین هستند، با انگیزه‌های سیاسی، اتهاماتی را علیه ایران مطرح می‌کنند.

هم‌نوایی عجیب از تهران با مسکو

مهسا مزدهی | ادعای فروش سلاح به روسیه برای جنگ اوکراین موضوعی است که تهران آن را رد کرده است. با این حال اتحادیه اروپا بر سر ادعای خود، پافشاری زیادی از خود نشان می‌دهد. در این بین به‌نظر می‌رسد برخی از مقامات روسی به همراه اصولگرایان حاضر در مجلس شورای اسلامی از الگوی مشخص در مورد این ماجرا پیروی می‌کنند. ادعاها در مورد فروش سلاح از سوی ایران به روسیه در حالی مطرح می‌شود که در اروپا و آمریکا، بسته‌های تسلیحاتی یکی بعد از دیگری برای حمایت از اوکراینی‌ها در جنگ تصویب می‌شوند. همین حالا که این خطوط را می‌خوانید، فرانسوی‌ها به یاول گورو گرفته شده روس‌ها، برای اوکراینی‌ها انواع سلاح را می‌فرستند؛ بر اساس ۳۰۰ میلیارد دلار! البته گفته می‌شود، موفقیت‌های اخیر اوکراین در خاک روسیه و در شرایطی که خاک این کشور پس از جنگ جهانی دوم هرگز مورد درست‌درازی قرار نگرفته بود، نشان از استفاده کی‌یف از سلاح‌های پیشرفته و حتی فوق‌پیشرفته غربی دارد. با این حال، از آنجایی که پوتین آغازکننده جنگ با اوکراین به حساب می‌آید، در اروپا ارسال سلاح از سوی ایران به روسیه، اسم رمز فشار بیشتر بر تهران بر سر مسائل تسلیحاتی و هسته‌ای است. روز دوشنبه دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین در شرایطی که ایران رسما اعلام کرده، در جنگ اوکراین دخالتی ندارد و ماجرای فروش تسلیحات برای جنگ اوکراین به روسیه را رد کرده، پاسخ شیطنت‌آمیزی را نثار خبرنگاران کرد. دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین در پاسخ به ادعای ارسال موشک‌های ایرانی گفت: «ایران، شریک روسیه است و دو کشور در حال توسعه همکاری و گفت‌وگو در همه زمینه‌های ممکن از جمله حساس‌ترین موضوعات هستند.» او توضیح داد که گزارش روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال را دیده است اما این اطلاعات، همیشه با واقعیت مطابقت ندارد.

در کنار او برخی از چهره‌های اصولگرای دائما کشور هم اظهارات معناداری را مطرح کرده‌اند. مثلا احمد بخشایشی اردستانی، از اصولگرایان مجلس شورای اسلامی در خصوص ادعای فروش موشک و پهپاد به روس‌ها در روزهای اخیر گفته بود: «ما باید برای تامین نیاز خود از جمله در واردات سیاه و گندم، تهاتر کنیم؛ یک بخش از تهاتر، شامل ارسال موشک و بخش دیگر ارسال پهپادها به روسیه می‌شود.» حرف‌های بخشایشی، واکنش تندی را از سوی برخی از چهره‌های سیاسی به همراه داشت. در شرایطی که ایران و اروپا، با روی کار آمدن دولت چهاردهم تمایل خود را برای ایجاد گفت‌وگوها و تنش‌زدایی اعلام کرده‌اند، هم‌نوایی برخی از اصولگرایان و اشخاصی مانند پسکوف با ادعاهای رسانه‌های آمریکایی و برخی از کشورهای اروپایی برای ماجرایی که تهران آن را رد کرده، کمی تعجب‌انگیز به‌نظر می‌رسد. تیم وزارت خارجه ایران خود را برای حل بحران‌هایی از جمله تحریم و فشارهای بین‌المللی آماده کرده است. در مسکو اما این اتفاقات به‌نحوی چرخش دولت جدید ایران به سمت غرب دانسته می‌شود. اتفاقی که می‌تواند برای روسیه که ایران از معدود متحدانش به‌حساب می‌آید، یک بحران واقعی ایجاد کند. برخی از تحلیل‌گران معتقدند این اظهارنظرها از سوی مسکو با حتی برخی از چهره‌های داخلی، در شرایطی که ایران به طور واضح ادعاهای غرب را رد کرده، می‌تواند تبدیل به مانعی برای پیش‌برد سیاست‌های خارجی دولت مسعود پزشکیان شود.

گزارش

جزئیات واردات واکسن کرونا از زبان سفیر سابق

محمد کشاورز زاده سفیر سابق ایران در چین در گفت‌وگویی با خبرآنلاین، درمورد خرید واکسن کرونا جزئیاتی ارائه کرد. او گفت: «در دوره کرونا ایران سعی کرد واکسن را از کشورهای دیگری غیر از چین بگیرد؛ اسپوتنیک روسیه و هند، همینطور سازمان بهداشت جهانی و کوواکس که تامین‌کننده واکسن بودند.» اینجا بخش‌های دیگری از گفته‌های کشاورز زاده را بخوانید:

در مورد واکسن چینی تبلیغات منفی زیادی در ایران صورت گرفت. تلویزیون ایران هر روز برنامه می‌گذاشت و برخی متخصصان و پزشکان را دعوت می‌کرد و آنها با توجه به تفکراتی که داشتند، علیه واکسن چینی صحبت می‌کردند. یکی، دو مورد باهم هست که متخصصی در تلویزیون می‌گفت خب واکسن اروپایی که به ما نمی‌دهند، واکسن چینی هم که قابل اطمینان نیست. واکسن را چینی‌ها مرحله به مرحله ساختند. از پایین تا خرداد مرحله به مرحله پیش رفتند تا بتوانند تولید انبوه کنند. حتی در کشورخودشان هم به همه واکسن نزده بودند. همان زمان چینی‌ها پیشنهاد دادند از واکسنی که تولید کردیم تعدادی را در جامعه محدودی تزریق و تست کنیم. خاطرم هست برخی متخصصان و پزشکان کشور صحبت می‌کردند که ما موش آزمایشگاهی نیستیم. اما همان زمان این اتفاق در امارات و ترکیه هم انجام شد؛ در کشورهای دیگر هم صورت گرفت.

در مجموع برخورد خوبی با واکسن چینی نشد و همه دنبال این بودند که بروبم واکسن فایزر یا برندهای دیگر را وارد کنیم. حتی اگر بخواهید از شرکت اصلی واکسن بخرید، باید ابتدا پولش را بدهید. در حالی که سیستم مالی کلا بسته است. همین الان هم می‌خواهید پرداختی را انجام دهید، شدنی نیست. پنج میلیون دوزی که از کووکاس خریدیم، نمی‌توانستیم پولش را بدهیم.

به من گفتند که از چین واکسن تهیه کنید. به شرکت سینوفارم مراجعه کردم، گفتند به هیچ عنوان سمت ما نیاید، چون مواد اولیه ما از آمریکا می‌آید و اگر آمریکایی‌ها ما را تحریم کنند، با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم. با ابتکار خودم یکی از مسئولان صلیب سرخ در چین را دعوت کردم و گفتم سینوفارم به ما واکسن نمی‌فروشد.

قرار شد صلیب سرخ بین ایران و سینوفارم قرار بگیرد و تمام واکسن‌های ما از طریق صلیب سرخ وارد شد. بعد از یک ماه اطلاع داد که توانستیم سیستمش را ایجاد کنم. صلیب سرخ واکسن را می‌خرید و تحویل سفارت می‌داد. ما با بار سفارت، یعنی بار دیپلماتیک واکسن‌ها را به ایران می‌فرستادیم. طرف معامله در ایران را هلال احمر خودمان قرار دادیم. تمام واکسن‌هایی که به ایران آمد، با نام صلیب سرخ وارد شد، نه به نام شرکت سینوفارم. با این ابتکار توانستیم ۱۲۰ میلیون دوز واکسن وارد کنیم.

یک میلیارد و دویست میلیون بورو پول واکسن دادیم. با توجه به تحریم‌های خودمان، در چین سیستم مالی درست کردیم که به کمک آن پول واکسن را دادیم. مبلغ واکسن‌ها را اعلام می‌کرد.

موضوع تعلل (در تهیه واکسن) مطرح نبود؛ بلکه یک مسئله فنی بود. آقای روحانی دو نوبت به آقای شی جین‌پینگ نامه داد. همچنین آقای ظریف نامه داد. در نامه‌ها تصریح شده بود که نیاز به واکسن داریم. آقای رئیسی هم که سرکار آمد از ظرفیت رئیس‌جمهور استفاده کردیم. هماهنگ کردیم در تماس تلفنی که بین آقای شی جین‌پینگ و آقای رئیسی انجام شد، آقای رئیسی خواستند که در مورد ارسال واکسن به ایران تسریع شود و آقای شی جین‌پینگ قول دادند که انجام شود.

۴۰۰ کلیه

خبر

عضو حزب دموکرات کردستان به ایران تحویل داده شد

روز دوشنبه خبرگزاری تسنیم از قول یک منبع آگاه تایید کرد که دستگاه امنیتی ایران «بهزاد خسروی» را تحویل گرفته است. شورای امنیت اقلیم کردستان عراق اعلام کرد: «بهزاد خسروی عضو حزب دموکرات کردستان، توسط اتحادیه مهیمنی تحویل جمهوری اسلامی ایران داده شده است.» به گفته اتحادیه مهیمنی، این اقدام به‌دستور رئیس اتحادیه مهیمنی انجام شده است. شورای امنیت اقلیم کردستان همچنین تاکید کرد که هفته گذشته، بهزاد خسروی، به دلیل نداشتن مجوز اقامت و سکونت، توسط نیروهای امنیتی اقلیم در داخل این شهر دستگیر شد. تحقیقات نشان از آن دارد که او فاقد مجوز اقامت در اقلیم کردستان بوده و این موضوع ارتباطی با فعالیت‌های سیاسی او ندارد. البته حزب دموکرات کردستان عراق نیز بهزاد خسروی را شهروندی که در سال ۱۹۸۷ در شهر سقز متولد شده، از سال ۲۰۱۴ در سلیمانیه سکونت داشته و از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان‌ملل درخواست پناهندگی کرده بود، خوانده و مدعی شده است که: «بهزاد خسروی دارای اقامت قانونی در اقلیم کردستان بوده است.» به نظر می‌رسد این موضوع با دور کردن گروه‌های مسلح تروریستی از مرزهای غربی براساس توافقنامه امنیتی با حکومت مرکزی عراق ارتباط دارد. همزمان با این خبر، اتفاق دیگری هم افتاده که خبرگزاری‌های ترکیه آن را منتشر کرده‌اند. رسانه‌های دولتی ترکیه به نقل از مقام‌های امنیتی گفتند سازمان اطلاعات ملی ترکیه (میت) در عملیاتی هدفمند در شهر سلیمانیه عراق «صالحه آی‌بیک»، رهبر پ.ک.ک در ایران را به ترکیه انتقال داده است. به گفته این رسانه‌ها مسئول میز ایران پ.ک.ک طی عملیاتی در منطقه مرزی پنجه وین در مرز عراق با ایران کشته شده است. در همین حال، خبرگزاری آناتولی گزارش داد آی‌بیک از سال ۱۹۹۳ به عضویت پ.ک.ک درآمده و مسئول بخش ایران در این گروه بوده است. سازمان اطلاعات ترکیه پس از پیگیری این فرد از طریق عناصر میدانی خود، در عملیاتی او را به صورت مستقیم هدف قرار داده است. در همین حال منابع امنیتی در منطقه کردستان عراق به رسانه‌ها گفته بودند به علت سوختن کامل خودرو در آتش، شناسایی هویت افرادی که در این حمله هدف قرار گرفته‌اند، امکان‌پذیر نیست.

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

یک روز عصر / بخشی از یادداشت محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای خطاب به آیت‌الله علم‌الهدی: «یک روز عصر که هوا خنک می‌شود، تشریف بیاورید بروبیم به یکی، دو مرکز خرید مشهور مشهد سر بزنیم. مثلا آرمیتاژ، التون یا هرجای دیگری که مایل هستید. سرزده و بدون اطلاع قبلی هم بیایید. کمی را هم همراه نیاورید. از محافظتان تان هم بخواهید با اندکی فاصله از شما مراقبت کنند. قطعا در این مراکز خرید، بانوان و دخترانی را خواهید دید که با حجاب مدنظر من و شما فاصله دارند. ممکن است از دیدن این صحنه‌ها اعصابتان به هم بریزد و چهره درهم بکشید و با خودتان بگویید «اسلام؟ کجاست گشت ارشاد؟ پس چرا پزشکیان فقط حجاب را اصلی و ابلاغ نمی‌کند تا این دخترکان بدحجاب و بی‌روسری، اینطور وقیحانه در شهر ماظهور ندهند؟ اما برخودتان مسلط شوید. با رعایت ضوابط شرعی به سمت چندنفر از افراد بدحجاب و بی‌حجاب بروید. اصلا نگران نباشید. به شما توهین و بی‌ادبی نمی‌کنند. قربه به اتفاقشان حتی اگر از روحانیون گلمه‌مند باشند، حرمت آنها را رعایت می‌کنند. این‌ها از فرعون بدتر نیستند. خدا خطاب به موسی گفت: «وقتی به برادرت نزد او می‌روید با زبان خوش حرف بزنید.» شما هم با این بانوان آرام سخن بگویید. از آنها بپرسید چرا حجاب ندارند یا کم دارند؟ حوایهایی می‌شنوید که انتظارش را ندارید. شبه‌هایی درباره عملکرد ما مدنیتین و پاره‌ای از مسئولان دارند. حتما به شما می‌گویند بیرون بودن موی من بدتر است یا بخورخورهای بعضی‌ها؟! و مثلا وام تجویی به تعهدات دولت مربوط نیست. این وام تجویی به تعهدات دولت مربوط نیست. همه احکام خدا اجرا شده و همین حجاب ماندم؟! برای این جور سوالات، جواب‌های آماده داشته باشید و پرسش‌کنندگان را قانع کنید. اصلا شغل شما هدایت جامعه است و برای هدایت باید مانند پیامبر و ائمه از بیان و سخن ملایم بهره گرفت.»

مشکل بورس / عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه دولت باید اقدام جدی برای ساماندهی بورس انجام دهد، گفت: «حدود ۵۰میلیون نفر عضو بورس هستند که تعداد زیادی از آنها به دلیل فضای روانی که مبنی بر سود آور بودن بورس ایجاد شده بود، خانه و خودرو خود را فروخته و در بورس سرمایه‌گذاری کرده بودند.» فتح‌الله تولسی در خصوص وضعیت بورس گفت: بورس یکی از مجموعه‌های اساسی در اقتصاد دنیا است که نه تنها می‌تواند به اقتصاد ملی کمک کند؛ بلکه اگر درست مدیریت نشود، در عین حال می‌تواند آسیب‌زا هم باشد. طی سالیان گذشته، به دلیل سیاست‌های غلطی که اتخاذ شد، همچنین عدم‌آموزش کسانی که قصد ورود به بورس را داشتند، عدم‌مدیریت درست بورس و بی‌اعتمادی به این سیستم، باعث شد که شاخص‌های بورس غالبا قرمز باشد.»

تمایل و مکاتبه / مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که برای ملاقات با دولت جدید ایران و از سرگیری گفت‌وگوها برای رسیدن به نتایج واقعی درباره مسائل باقی‌مانده پادمانی آمادگی دارد. رافائل گروسی روز دوشنبه طی سخنانی در نخستین روز برگزاری نشست فصلی شورای حکام گفت: «پس از انتخابات در ایران، من با رئیس‌جمهور پزشکیان مکاتبه کردم و تمایل خود را برای دیدار با او در تهران برای از سرگیری گفت‌وگو و همکاری بین آژانس و ایران نشان دادم.» وی با اشاره به اینکه رئیس‌جمهور ایران پذیرفت که در فرصتی مناسب با او ملاقات کند، افزود: «من ایران را تشویق می‌کنم که چنین نشستی را در ایندهای نه چندان دور تسهیل کند تا بتوانیم گفت‌وگوی سازنده‌ای برقرار کنیم که به سرعت به نتایج واقعی منجر شود.» مدیرکل آژانس در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تدابیر جبرانی ایرانی در برجام، ادعاهای اسرائیلی درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان را تکرار کرد و مدعی شد: «ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران تا غلظت ۶۰درصد همچنان در حال افزایش است و تعداد بازرسی‌هایی که برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده می‌شود، افزایش یافته است. بیش از سه سال و نیم از زمانی که ایران اجرای تعهدات مرتبط هسته‌ای خود تحت برجام، از جمله اجرای موقت پروتکل الحاقی خود را متوقف کرده است، می‌گذرد و در نتیجه، آژانس، دانش خود در رابطه با تولید و شمار سانتریفیوژها، آب سنگین و کنسانتره سنگ اورانیوم را از دست داده است.»

مدارک جعلی / حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای گفت: «خبری به نقل از مدیرکل امور دانش‌آموختگان وزارت امور دانشجویان در رسانه‌ها منتشر شده، مبنی بر اینکه بیش از ۱۰۰ نفر از متقاضیان اخیر نمایندگی مجلس شورای اسلامی مدرک تحصیلی جعلی داشته‌اند؛ نحوه انعکاس این خبر به گونه‌ای است که ممکن است در اذهان بخشی از مردم چنین نقش ببندد که بیش از ۱۰۰ تن از نمایندگان فعلی مجلس، دارای مدرک تحصیلی جعلی هستند. در حالی که اینطور نیست؛ موضوع مربوط به افراد متقاضی نمایندگی مجلس است، بنابراین، در این خصوص اولا، باید به دقت بررسی شود که آیا مدیرکل مربوطه چنین سخنی را اظهار داشته یا خیر؟ ثانیا، اگر این ادعا مقرون به صحت باشد، باید مراتب به دستگاه قضایی اعلام شود تا بررسی‌های دقیق قضایی صورت گیرد.»

ممنوع / جانشین فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه مبارزه با ورود و نگهداری سلاح غیرمجاز از ماموریت‌های اصلی فراحاست، گفت: «از مردم تقاضا داریم با تحویل دادن/اطلاع هر نوع سلاح غیرمجاز به مراجع انتظامی در خصوص نگهداری این کالای غیرمجاز به پلیس، ما را در تامین امنیت کشور یاری نمایند.» وی همچنین اعلام کرد: «ورود/ترانزیت/توزیع سلاح غیرمجاز نیز، جرم بوده و هرگونه به‌کارگیری از آنان در هر شغل و صنفی نیز ممنوع است.»

تحریف / بخشی از پاسخ امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس به سایت انتخاب در مورد جنجال انصراف از ودیعه مسکن و خانه‌های سازمانی: «پیرو مطلب تحریف‌شده‌ای که درباره اینجانب با عنوان «ادعای جنجالی مشاور جلیلی در مورد خانه سازمانی غلط از آب درآمد» منتشر گردیده، لطفا پاسخ بنده را طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات در سایت و تمامی شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، توئیتر، اینستاگرام و هر بستر دیگری که خبر تحریف شده اولیه را منتشر کردید با تیتر «پاسخ ثابتی به تحریف انتخاب، ماجرا را درست روایت کنید» بازنشر کنید. در حالی که از ابتدا بنده اعلام کردم که ماجرا خانه سازمانی نیست، بلکه اعطای وام ۵۰۰میلیونی به نمایندگان تهران است، بدون اشاره به این مسئله و برای تحریف اصل ماجرا نوشته‌اند خانه سازمانی به نمایندگان تهران تعلق نمی‌گیرد! حال آنکه این مسئله بدیهی است و کسی نیز چنین ادعایی نداشته، بلکه مسئله اصلی اختصاص وام ودیعه مسکن به نمایندگان تهران است.

متن اولیه بنده به شرح ذیل است: دو ماه قبل گفتند به نمایندگان تهران خانه سازمانی داده نمی‌شود اما اگر خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنم به اسم خودم یا همسرم نباشد، می‌توانم از طریق مجلس «وام ۵۰۰میلیونی» تحت‌عنوان «ودیعه مسکن» بگیرم. با اینکه همین سال گذشته برای گرفتن وام ۹۰میلیونی فرزند سوم، از این بانک به آن بانک رفته بودم و در نهایت به خاطر اینکه نتوانستم ضامن جور کنم، بی‌خیالش شدم، گرفتن وام ۵۰۰میلیونی آن هم چهار درصد برایم بسیار جذاب بود و هیچ منع قانونی هم نداشت، اما این وام را به دو علت نگرفتم: ۱- با خود عهد کردم به جنایت‌های مسئولیت عادت نکنم تا بعدا که در این جایگاه نیستم، پست و مقام نداشتن برایم مثل بازی مرگ و زندگی نباشد. ۲- اگر شبح تا شب مسئولان بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و ... می‌گویند پول نیست تا به مردم عادی بدی یک وام ۵۰میلیونی بدهیم، یک راهش سخت گرفتن به خود مسئولین و جلوگیری از ریخت و پاش‌ها است. اما نمیدانستم همزمان با این تصمیم، فشار بنده به مسئولان تهران است، بدون اطلاعات اصل ماجرا اشاره کردند که به نحوه تحریف اصل ماجرا نوشته‌اند. حال دیروز هم به بهانه تحلیل «مرتضی فرهادی» دوباره مواضع خود را در حوزه اقتصاد سیاسی پیش کشید. میدری، بنده‌ها را شکلی از سازمان‌یابی‌های خودانگیخته مردمی می‌داند که به نحوه اداره شوراییِ نزدیک است. مجامعی از یک صنف که مستقیما درباره مسائل همان صنف تصمیم‌گیری می‌کنند. روز پیش در ادبیات این عضو مکتب «دین و اقتصاد» از ستایش تعاونی‌ها بارها به اصطلاح‌هایی مانند «استثمار نیروی کار»، «حاکمیت سرمایه» و «عدالت اجتماعی» اشاره شد که تا حد زیادی کنار می‌داد از نظر فکری روح چه زمینی ایستاده است و «عدالت» به معنایی که او به کار می‌برد با رویکردی که یارانه‌ها و سهام عدالت را تصویب کرده بود، چه تفاوتی دارد. میدری و استادی که دیروز از او تقدیر شد، هر دو از اساتید سابق دانشگاه علامه طباطبایی بودند. بسا این تفاوت که قاری وزیر، سال‌ها پیش از دانشگاه فاصله گرفته و مرتضی فرهادی تا سال ۱۳۹۷ برای تدریس به سفره ضرابخانه تهران رفت‌وآمد داشته. فرهادی را به مردم‌نگاری‌های دقیق او روی «بنه» و «واره» می‌شناسند. همان تشکل‌های مردمی مسلط بین روستاییان ایرانی که بعد از اصلاحات ارضی از دهه ۵۰ شمسی تقریبا کم‌رنگ شدند و کم‌کم از بین رفتند. «واره» همان تعاونی‌های زنانه‌ای هستند که حول بعدسازان شیره به وجود آمد. در ایران قدیم، زمانی که پول هنوز وارد چرخه اقتصادی روستاییان نشده بود، هر خانواده تنها قسمتی از شیری که تولید می‌کرد به مصرف می‌رساند و باقیمانده نه آن‌قدر زیاد بود که خودش مستقیما مبادله شود و نه آن‌قدر کم در داخل خانواده مصرف شود. برای همین هم گروه‌های کوچک مردمی شیر مازاد خود را به فردی می‌دادند که بتواند آن را بفروشد یا به محصول جدیدی تبدیل کند. به این مکانیسم می‌گفتند «واره». واره اسمی است که فرهادی ابتدای دهه ۸۰ شمسی منتشر کرد و در آن به‌جز اشکال واره در روستاها، درباره کارکردهای آن در بازار هم نوشته است. اهمیت این مهم، برای وزارت تعاون و رفاه چیست؟ میدری در سخنرانی خود جواب این سوال را داده و گفته است: «چوپان یک تعاونی است. خانواده‌ها گوسفندهای خود را در اختیار او قرار می‌دهند و این طور دامداری‌ها شکل می‌گیرند. دامداری‌ها در اثر تعاونی‌ها به وجود آمده‌اند. تعاونی‌ها استثمار را و حاکمیت سرمایه را کاهش می‌دهند و پیوندهای اجتماعی و روابط عادلانه بین انسان‌ها برقرار می‌کنند.»

بنه، تعاونی کشاورزها

فرهادی به‌خاطر خدمتی که روی مناسبات شورایی بومی کشور داشته، از آن دست استادانی است که برای طهران بومی کردن علوم اجتماعی جذابیت دارد. البته خود او معمولا از نسبت‌هایی که به این استاد می‌دهند، بی‌خبر است. به خاطر اینکه به تنها اهل شبکه‌های اجتماعی نیست؛ بلکه علاقه‌ای به تلفن همراه هم ندارد و به دانشجویان خود گفته که موبایل ندارد! از طرف دیگر «بنه»ها هم تعاونی‌های سنتی کشاورزان ایرانی بوده. تعاونی‌های مستقل به‌خصوص در مناطق کویری که کشاورزی در آن‌ها در شرایط سختی انجام می‌شد. کشاورزان به صورت جمعی، زمین را شخم می‌زدند، کشت و برداشت می‌کردند. مطالعات میدانی فرهادی نشان داده که تا اصلاحات ارضی از دهه ۵۰ شمسی تقریبا کم‌رنگ شدند و کم‌کم از بین رفتند. در همین دهه ۸۰، فرهادی در روستایی مثل اهل خمین، الیگودرز، یزد، بندرعباس، فرسنجان و یاسوج نمونه‌هایی از «بنه» پیدا کرده بود. فرهادی می‌نویسد که بیش از پنج‌میلیون نفر از حدود ۱۴ میلیون جمعیت دامدار در سال ۱۳۲۰، (یعنی از هر سه نفر یک نفر) به طور مستقیم از این تعاونی‌ها سود می‌برده. ما تا سه دهه پیش، حدود ۲۰هزار بنه در کشور داشتیم که نیروهای کار حوزه کشاورزی را سازماندهی می‌کردند و منطق فعالیت آنها تا سال‌ها پیش ناشناخته بوده. میدری دیروز در سخنرانی خود به اداره تعاونی این ابزارهای تولید اشاره کرد و گفت: «تعاون، تجمیع قدرت‌های کوچک اقتصادی، برای تحول‌های بزرگ بوده است. دنیا به اینجا رسیده که برای توسعه عادلانه نیاز به گسترش تعاون دارد؛ برای مثال از هر ۱۰بانک بزرگ دنیا، یک تعاونی است؛ یا مثلا چینی‌ها با پیوند بین تعاونی‌ها و شرکت‌های کوچه آن سوتر در آیارتمانی نقلی و آرام که گربه‌ای ملوس در آن پرسه می‌زند، تنهایی زیر سقف خودم رفتم. روزها کارمند بانک و پس از آن نگهبان حال خاص خودم هستم. مثل دوستان و همکاران مجردم که هر کدام سقف خود را دارند مثل همه مجردان عالم.

است اینست دنیا مال همه است

دریا، درختان، آسمان، خیابان، کوچه، دانشگاه، سینما، پرندگان و زمین ووو مال همه است چون هرکسی به تنهایی یک جهان است مثل مادر گنجشکی که می‌داند در نبود آقای گنجشک هم، همه آسمان مال اوست باید به بچه‌هایش پرواز کردن بیاموزد.

چگونه است که تنهایی

قرص ماه را

بزرگ‌تر می‌کند

تنهایی

تنهایی

این را بلندترین شاخه می‌فهمد

«شعرها به ترتیب؛ راضیه بهرامی خشنود و غلامرضا بروسان

گزارش روز

ابعاد مبهم پرونده دو ایرانی در آلمان و آمریکا

سرنخ‌های جدید در پرونده قتل مدیربرنامه‌های گوگوش و تجاوز گروهی ۶ نفر به یک مرد ایرانی در آلمان به دست آمده است

مهلاجوادپور

۱ حدودا یک ماه پیش بود که رسانه‌های آمریکایی خبر دادند رابرت دهنوشی، مدیربرنامه‌های فائقه آتشین به ضرب گلوله به قتل رسیده است. پنج روز بعد از این اتفاق، دو نفر در این باره دستگیر شدند و به تازگی پلیس این دو را به قتل دهنوشی متهم کرده است. رابرت دهنوشی از ایرانیان ارمنی ساکن لس‌انجلس بود و یکی از متهمان این پرونده هم به نام آرمان مارتینیان ارمنی است. با این حال ایرانی بودن این متهم هنوز روشن نیست. رابرت دهنوشی ۵۴ ساله، ماه گذشته در مقابل یک مرکز خرید به ضرب گلوله کشته شد. به گفته کسانی که او را می‌شناختند، او تقریبا هر روز قهوه خود را از یکی از رستوران‌های این پاساژ می‌خرید. آن روز هم دهنوشی در پارکینگ این پاساژ در گلندیل، کنار ماشین وانت سفید خود ایستاده بود که ساعت حدود هشت صبح به قتل رسید. آنطور که اطرافیان او می‌گویند دهنوشی در آن محل یک قرار کاری داشت اما پلیس هنوز این مسئله را تائید نکرده است. دو مرد به نام‌های جری تولنتینو ۴۴ ساله و آرمان مارتینیان ۴۳ ساله دستگیر شدند و حالا متهم به قتل این پرونده مدیربرنامه ارمنی ایرانی است و تعداد بازسازهایی که برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده می‌شود، افزایش یافته است. بیش از سه سال و نیم از زمانی که ایران اجرای تعهدات مرتبط هسته‌ای خود تحت برجام، از جمله اجرای موقت پروتکل الحاقی خود را متوقف کرده است، می‌گذرد و در نتیجه، آژانس، دانش خود در رابطه با تولید و شمار سانتریفیوژها، آب سنگین و کنسانتره سنگ اورانیوم را از دست داده است.»

مدارک جعلی / حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای گفت: «خبری به نقل از مدیرکل امور دانش‌آموختگان وزارت امور دانشجویان در رسانه‌ها منتشر شده، مبنی بر اینکه بیش از ۱۰۰ نفر از متقاضیان اخیر نمایندگی مجلس شورای اسلامی مدرک تحصیلی جعلی داشته‌اند؛ نحوه انعکاس این خبر به گونه‌ای است که ممکن است در اذهان بخشی از مردم چنین نقش ببندد که بیش از ۱۰۰ تن از نمایندگان فعلی مجلس، دارای مدرک تحصیلی جعلی هستند. در حالی که اینطور نیست؛ موضوع مربوط به افراد متقاضی نمایندگی مجلس است، بنابراین، در این خصوص اولا، باید به دقت بررسی شود که آیا مدیرکل مربوطه چنین سخنی را اظهار داشته یا خیر؟ ثانیا، اگر این ادعا مقرون به صحت باشد، باید مراتب به دستگاه قضایی اعلام شود تا بررسی‌های دقیق قضایی صورت گیرد.»

ممنوع / جانشین فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه مبارزه با ورود و نگهداری سلاح غیرمجاز از ماموریت‌های اصلی فراحاست، گفت: «از مردم تقاضا داریم با تحویل دادن/اطلاع هر نوع سلاح غیرمجاز به مراجع انتظامی در خصوص نگهداری این کالای غیرمجاز به پلیس، ما را در تامین امنیت کشور یاری نمایند.» وی همچنین اعلام کرد: «ورود/ترانزیت/توزیع سلاح غیرمجاز نیز، جرم بوده و هرگونه به‌کارگیری از آنان در هر شغل و صنفی نیز ممنوع است.»

تحریف / بخشی از پاسخ امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس به سایت انتخاب در مورد جنجال انصراف از ودیعه مسکن و خانه‌های سازمانی: «پیرو مطلب تحریف‌شده‌ای که درباره اینجانب با عنوان «ادعای جنجالی مشاور جلیلی در مورد خانه سازمانی غلط از آب درآمد» منتشر گردیده،

گزارش روز

۲ روز گذشته رسانه‌های آلمان خبر دادند، یک گروه شش نفره از مردان، در یک کارخانه متروکه ایجوسازی واقع در شهر ایزرلون، به یک پناهنده ایرانی تجاوز کرده‌اند. قربانی این تجاوز گروهی یک مرد ۳۰ ساله است. تا این لحظه چهار نفر مظنون ۲۴، ۳۴ و ۴۶ ساله دستگیر شده‌اند. انگیزه این جرم هنوز مشخص نیست اما دادستان عمومی اعلام کرده با توجه به اینکه نمی‌توان «انگیزه سیاسی» در این ماجرا را رد کرد، سازمان امنیت دولتی آلمان تحقیقات را بر عهده گرفته است. نزدیک به نیمه شب شنبه بود که دو زن صدای گریه و فریادهای کمک فردی را از یک کارخانه ایجوسازی متروکه شنیدند و پلیس را خبر کردند. وقتی نیروهای امدادی از راه رسیدند، قربانی ۳۰ ساله ایرانی دست و پا شیرام صولتی، سیاوش قمیشی و بهرام رادان! او آخرین تور گوگوش را برنامه‌ریزی کرده بود و بسیاری از گردهمایی‌های بزرگ ایرانیان در آمریکا به دست او انجام می‌شد.

۳ روز گذشته نام دو مهندس ایرانی «شایا کریم‌کاشی آرانی» و «علیرضا ماهفار»، در یکی از پتنت‌های مهم استرلایک مشاهده شد و در توئیتر مورد توجه قرار گرفت. هرچند که تاریخ ثبت این پتنت (سند

دستور زبان عشق
جهان بی عشق
چیزی نیست/جز تکرار یک تکرار
اگر جایی به حال خویش باید گریه کرد/اینجاست...
فاضل نظری

حضرت زهرا سلام الله علیها:
اِنَّ السَّعیدَ، کُلَّ السَّعیدِ، حَقَّ السَّعیدِ مَن أَحَبَّ عَلّیاً فی حَیاتِه وَبَعدَ مَوتِه
همانا سعادتمند(به معنای) کامل و حقیقی کسی است که امام علی(ع) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.
امالی(صدوق) ص ۱۸۲

واگویه‌های انتظار
حدی است هر بیداد را
این حد هجران
تا کجا؟
خاقانی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۴:۱۶ | طلوع خورشید ۰۵:۴۳ | اذان ظهر ۱۲:۰۲ | غروب خورشید ۱۸:۱۸ | اذان مغرب ۱۸:۳۶

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۸۶۱ | سه‌شنبه | ۲۰ شهریور ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸ -۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

جمع نابغه‌ها در پرسپولیس

درباره فوتبال و فوتبال و پیرمرد گیلک

۱ باورنکردنی است. ورزشگاه شهرقدس برای بازی‌های پرسپولیس و استقلال در جام باشگاه‌های آسیا تایید شدند. مشهد حرف خودش را پیش برد. تبریک می گوییم و چشم به راه حاشیه‌های چرک این اتفاق در محافل آسیایی خواهیم ماند.

۲ در دو باشگاه پرسپولیس و استقلال واقعا مشخص نیست چه خبر است. یک نوع حرکات شامورتی‌وار مشکوک در جریان است که راستش فلسفه آن را نمی‌دانیم. باشگاه با سینا اسدبیگی هافبک دفاعی جوان خود یک دفعه متارکه کرده و گفته از باشگاه برود چرا؟ برای این که آنها بتوانند با سعید مهری قرارداد امضا کنند! معلوم نیست این نقل و انتقال با چه هدفی صورت گرفته و در ذهن مدیران باشگاه چه می گذرد. یکی باید از آقای بادامکی به عنوان یک پرسپولیسی قدیمی(!) که حالا همه کاره تیم شده بپرسد چرا فکر می کنید مهری بیشتر از اسدبیگی جوان به درد پرسپولیس می‌خورد؟ جریان کاملا عادی بوده است؟ هیچ نکته مشکوکی در جریان نیست؟ آخر چرا باید این اتفاق بیافتد؟به سفارش چه کسی؟ کدام واسطه؟ حالتان خوب است؟ مهری قرار است جای سروش رفیعی را بگیرد یا خدابنده‌لو و یا سرلک را؟ این چه شعبده بازی عجیبی بود که از خودتان صادر کردید؟

۳ از خانه بیرون آمدم و پیرمرد کوتاه قامت سفیدپوشی را دیدم با یک کلاه کپ قشنگ بر سر و ته ریشی بر چهره. یک موتور سوار از این دلیوری‌های غذا که بین ساعت ۱ تا ۳ بعدازظهر تهران را در سلطه خود می‌گیرند، برای فرار از ترافیک خیابان ناگهان به پیاده رو پناه برد تا کباب لقمه‌ای که در صندوق خود داشت خدای ناکرده سرد نشود و پیرمرد هراسان به عقب جهید تا با موتور عاصی در خیابان تنگ تصادف نکند. بعد مرا دید که به ماجرا نگاه می کنم و با لهجه غلیظ گیلک گفت: تهران خیلی گران است. بیایید برویم رشت! این جمله هیچ مناسبتی با حادثه و آن موتورسوار نداشت اما حقیقتی درخودش داشت که به ناچار تایید کردم:آره آقا برویم رشت.

دنده عقب
اشکان عقیلی‌پور

رفقا بدبختی که یکی دو تا نیست. درد که فقط گرونی و دلار و سکه و طلا نیست. در حقیقت، اینا که اصلا مشکل نیست. عادیه... درد واقعی، اون دوستیه که اینقدر برای همه چیز نق میزنه و از اوضاع ناله می کنه که همه چی یادت میره و تمام روز رو باید با سردرد سر کنی و هیچ راه گریزی هم ازش نداری.
صبحِ سه روز قبل که شماره اش رو گوشی ام افتاد، دچار افت فشار و قند خون شدم. از اونجایی که به خیال خودم، خیلی هم آدم زرنگی هستم، مثلا اومدم یک کار خیلی متفکرانه ای بکنم و بعد از سلام و علیک گفتم:
- «شرمنده... من بیرونم. با اجازه سر فرصت بهت زنگ بزنم.» / «کجایی؟»
با خوشحالی از این که موفق شده ام رها شوم، گفتم فلان خیابونم و با تاسف فراوان گفت که:
- «جدی میگی؟...من هم همونجام. کجاشی دقیقا...»
با صداقت تمام، عرض کردم که کجاشم و در اسرع وقت هم خودش رو به من رسوند و ترتیب یک ملاقات حضوری مفصل رو داد. آقا اینقدر ناله اقتصادی و سیاسی کرد که سرم گیج می رفت و حساب زمان دیگه از دستم در رفته بود. آزاردهنده ترین قسمت ماجرا این بود که هر سی چهل جمله ای که می گفت، برای این که زهر ماجرا رو بگیره می گفت:
- «حالا سرت رو هم درد میارم...» / «نه بابا اختیار داری. راحت باش.»
و دوباره ادامه می داد و بعد از چند دقیقه دوباره می گفت:
- «حالا پیش خودت میگی این چقدر حرف میزنه...» / «نه بابا... لذت می بریم. راحت باش.»
و دوباره با تمام قوا پیش میرفت و من هم دقیقا همون جملاتی که ایشون به عنوان تعارف می گفت، در مغزم تکرار می کردم.
خلاصه هی عذر خواهی می کرد که وقتم رو گرفته و ادامه می داد. هی می گفت سرت رو درد آوردم و ادامه می داد. هی می گفت پیشِ خودت داری فحش میدی و ادامه میداد. من که دیگه کم کم به مرز جنون نزدیک میشدم، دیگه جواب نمی دادم و بعد از هر کدام از این تعارفات، فقط سری تکان میدادم که: «قربونِ آدم چیز فهم.»... ولی دریغ از سر سوزنی فهم.
فکر کنم دیگه عضلاتِ فکش دچار اسپاسم شد که گفت:
- «خیلی هم وقتت رو گرفتم. دلم پر بود... حالا می بینمت و می شینیم مفصل با هم گپ می زنیم.»
اصلا فکر این که تازه می خوایم بشینیم و مفصل گپ بزنیم، حالم رو دگرگون می کرد و نمی فهمیدم که «مفصل حرف زدن»، چه جور جهنمی می تونه باشه...
دیروز که دوباره زنگ زد، حدس زدم که به دنبال اون قرار مفصله اس. بنابراین باز هم از همون حسِ زرنگی ام استفاده کردم و در حالی که در منزل و بر روی کاناپه ولو بودم، گفتم:
- «آخ آخ... باز هم شرمنده... بیرونم. من خودم زنگ بزنم؟» / «کجایی؟»
نام پرت ترین خیابونی که در اون لحظه به نظرم اومد رو گفتم. با ذوقی کودکانه و پاک گفت:
- «ایول... نزدیکم بهت. بابا این چه قسمتیه که ما افتخار پیدا می کنیم هر روز شما رو ببینیم؟»
چون نمی دونستم این چه قسمتیه، گفتم:
- «البته با اجازه ات من دارم رد میشم از اینجا... الانم هم دیگه... بله دیگه رد شدم. حیف شد.»
جوری از خودم لوکیشن می دادم که انگار سوار بر جت اختصاصی ام هستم و نام خیابان ها رو پشت سر هم می گفتم و خودم را از مکان مورد نظر، دور و دورتر می کردم.
ولی امروز، که باز به دنبال همون نشستن و مفصل صحبت کردنش می گشت و زنگ زد، با وجود این که در همان موقعیت کاناپه محبوبم بودم، ولی دیگه رودست نخوردم. به محض این که پرسید کجایی الان، از تجارب گرانبهایم استفاده کردم. گفتم:
- «تو کجایی؟» / «من تجریشم...» / «ای بابا... من بهشت زهرام. اومدم زیارت اهل قبور... شرمنده... ایشالا یه فرصت دیگه.»

قصه های گمشده - ۵۵ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود) — آرش خوشخو

تنهای تنهای تنها...

درباره موج‌های سنگین انتقادی که علیه دکتر شریعتی و جلال آل‌احمد به پاخاسته شده

ادامه از صفحه اول

هم شریعتی و هم آل احمد مبانی ایدئولوژیک محکمی نداشتند. هردو از بیانی گرم وشیوا برخوردار بودند و زبانی تیز که می‌توانست احساسات را برانگیزاند (مثل کاری که شریعتی می‌کرد) و یا احساسات را جریحه‌دار کند (کاری که معمولا آل احمد انجام می‌داد) هر دو نفر بسیار پرکار بودند و بر طیف جوانان نفوذ شگفت‌انگیزی داشتند. می‌نوشتند و نقد می‌کردند و سخنرانی می‌کردند. شریعتی سخنور بهتری بود و آل احمد قلم فوق‌العاده‌ای داشت. سرنوشت اما کاری کرد که آل احمد در طلیعه جنبش‌های خشونت آمیز چریکی سکته کند و مشعل هدایت جوانان مسحور و شیفته خود را به شریعتی تحویل بدهد که تازه نفس بود و خروشان. با کلماتی افسونگرانه قرائتی امروزی و دینامیک از وقایع صدر اسلام به جوانان تحصیلکرده ارائه می‌داد و گاه در امروزی کردن این وقایع آن قدر پیش می‌رفت که خشم روحانیت را بر می‌انگیخت. با این حال کیست که نقش اورا در همراه ساختن این طیف جوانان تحصیلکرده با گرایشات مذهبی باامواج انقلاب ایران کتمان کند؟ ۱۵ سال قبل از سال ۵۷، جنبش سنتی و مذهبی ۱۵ خرداد به سختی توانست از میان تحصیلکرده‌ها و طبقه متوسط یارگیری کند و در یک سرکوب یک روزه به محاق رفت. اما در ماجرای آغاز انقلاب و در رویدادی که در قم شکل گرفته بود، به شکلی باورنکردنی جوانان دانشگاهی و اعضای طبقه متوسط این بار به نهضت سنتی‌ها و مذهبی‌ها پیوستند و تا ۲۲ بهمن ۵۷ یار موافق آنان بودند. در هیچ برهه تاریخی چنین توافق و همراهی میان طبقه متوسط و قم شکل نگرفته بود وبعد از آن هم شکل نگرفت.
حالا در موج بلند و احیای طرفداران اقتصاد آزاد که بر ناکامی‌های اقتصادی حاکمیت قدم گذاشته‌اند، شریعتی و آل احمد و در مقیاسی دیگر احمدفردید به عنوان متهمین اصلی این ناکامی‌های تئوریک اقتصادی جلوه گر شده‌اند که البته هوشمندان این جبهه سعی می کنند آن را در بخش‌های اقتصادی خلاصه کنند و ویترین اتهام‌های سیاسی را مخفی کنند.
یادمان باشد نگاه طرفدار لیبرالیسم اقتصادی پیش از این با سردمداران طیف چپ تسویه حساب کرده بود. طرفداران ایرانشهری و پیروان سید جواد طباطبایی پیش از این هم پرونده حزب توده را زیر بغل بازماندگان آن داده بودند و هم هاله رمانتیک جنبش‌های چریکی و کمونیستی دهه چهل و پنجاه را از بین برده بودند و شمایل بیژن جزنی و یارانش را به قطعات ریز مساوی تبدیل کرده بودند. این موج قدرتمند ضد سوسیالیسم تا آنجا پیش رفت که دکتر نقیب‌زاده به عنوان یکی از دو سردمدار و پرچمدار تئوریک ضد نگاه چپ (_همراه با دکتر غنی نژاد) ،درآن مناظره مشهورش با مسعود کیمیایی، حتی نهضت ملی شدن نفت را که به ظاهر از سوی گروهی لیبرال هدایت می‌شد نیز تخطئه کرد و آن «که چه بشود »مشهور خود را در مقابل کل نهضت ملی شدن نفت قرار داد:«خب که چی؟ فایده‌اش چه بود؟»
خب در این هجمه سنگین، شریعتی دوستان و آل احمد«پرسن»ها تنها مانده‌اند. چرا که طبقه مذهبی و سنتی هم نه دل خوشی از سبک زندگی این دو نفر داشته و نه ایده‌های ترکیبی آنها از مباحث تئوریک اروپایی با ایده‌های احساسی مذهبی را دوست دارند. آنها نقش این دو نفر در خیزش ۵۷ را بالکل از یاد برده‌اند و گوشزدهای مدام بخشی از متفکرین نزدیک به حاکمیت هم تغییری در ایده‌های منفی آنها در مورد آل احمد و بخصوص شریعتی نداشته است. آنها تاثیر این دو نفر بر سال‌های ۵۶ و ۵۷ را ازیاد برده‌اند ولی طیف روبه‌رو، طرفداران منسجم و باهوش اقتصاد آزاد، حافظه شان بهتر کار می‌کند و تاثیر این دو نفر (و البته فردید) را بر زیست پنج دهه گذشته انسان ایرانی را فراموش نکرده‌اند و به شکلی متناقض ایده‌های تهاجمی خودرا نیز بر پایه همین حافظه تاریخی استوار ساخته‌اند .حافظه با کمی کینه و خشم!
اما هرچه بود قضاوت این دو نفر ۵۵ سال پس از مرگ آل احمد و ۴۷ سال پس از مرگ شریعتی، کار سختی است. آن دو نفر فرزندان باهوش عصر خود بودند. درخت‌هایی که بر همان زمین رشد کردند. مردانی که تاثیر خود را بر تاریخ ایران معاصر گذاشته‌اند و متهم ساختن آنها چیزی را عوض نمی کند. ایده‌هایی که آنها پشتیبانش بودند شاید روزگاری به ضعف برود اما همچنان زنده هستند. هنوز هم شنیدن صدای شریعتی و سخنرانی‌هایش و خواندن قطعاتی از نوشته‌های آل‌احمد شما را برمی‌انگیزاند. این حقیقتی غیرقابل انکار است .... و حتی می‌توان در پسزمینه بسیاری از تعارضات منطقه‌ای در مقابل هژمونی لیبرالیسم در دنیای امروز، ردپای محو آنان را پیدا کرد. رد افکار مرد کوهپایه‌های سرسبز طالقان و مرد دشت‌های کویری مزینان.

سایت‌نگار

اعتصاب در بهشت زهرا، بارداری پگاه، بازگشت عصار

دیروز در پی تجمع و تحصن غسال و غساله‌ها در محل اداری عروجیان بهشت زهرا (س) شست‌وشوی اموات متوقف شده بود.
مسئول روابط عمومی بهشت زهرا گفت: تجمع به دلیل مطالبات رفاهی غسال‌ها بوده و شرایط برای این افراد توضیح داده شد و این عزیزان قانع شدند.
وی گفت: شست‌وشوی اموات اکنون در بهشت زهرا (س) به روال عادی برگشته است.

مهسا بهادری در مورد سابقه حضور سینمای ایران در اسکار نوشت: سال‌ها پیش و برای نخستین‌بار وزارت فرهنگ و هنر وقت در سال ۱۳۵۶ فیلم «دایره مینا» ساخته داریوش مهرجویی را به اسکار معرفی کرد و پس از آن فیلم «باد صبا» ساخته آلبر لاموریس به عنوان نماینده ایران در سال ۵۷ راهی آکادمی اسکار شد.
پس از آن سینمای ایران به مدت ۱۶ سال نماینده‌ای به اسکار معرفی نکرد تا سال ۱۳۷۳ که فیلم «زیر درختان زیتون» ساخته عباس کیارستمی معرفی شد و سپس در سال ۱۳۷۴ «بادکنک سفید» به کارگردانی جعفر پناهی، سال ۷۵ فیلم معرفی نشد، ۷۶ «گبه» محسن مخملباف، ۷۷ «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی (جزو نامزدها قرار گرفت)، ۷۸ «رنگ خدا»مجید مجیدی، ۷۹ «زمانی برای مستی اسب‌ها» بهمن قبادی، ۸۰ «باران» مجید مجیدی، ۸۱ «من ترانه ۱۵ سال دارم» رسول صدرعاملی، ۸۲ «نفس عمیق» پرویز شهبازی، ۸۳ «لاک پشت‌ها هم پرواز می کنند» بهمن قبادی و ۸۴ «خیلی دور خیلی نزدیک» رضا میرکریمی، ۸۵ «کافه ترانزیت»، ۸۶ «میم مثل مادر» رسول ملاقلی‌پور و ۸۷ «آواز گنجشک‌ها» مجید مجیدی، ۸۸ «درباره الی» به کارگردانی اصغر فرهادی و سال ۸۹ «بدرود بغداد» مهدی نادری، «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی در سال ۹۰، سال ۹۲ «گذشته» اصغر فرهادی، سال ۹۳ «امروز» رضا میرکریمی، سال ۹۴ «محمد رسول‌الله» مجید مجیدی، سال ۹۵ «فروشنده» اصغر فرهادی، سال ۹۶ «نفس» نرگس آبیار، سال ۹۷ «بدون تاریخ، بدون امضا» وحید جلیلوند، سال ۹۸ فیلم «در جست‌وجوی فریده»، سال ۹۹ «خورشید» مجید مجیدی، سال ۱۴۰۰ «قهرمان» اصغر فرهادی، سال ۱۴۰۱ «جنگ جهانی سوم» هومن سیدی به عنوان نماینده سینما ایران به اسکار معرفی شد.
وقتی اسامی همین سال‌ها را بررسی می کنیم به نام کارگردانان بزرگی بر می‌خوریم که امروز نه تنها در جشنواره‌های خارجی اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود، بلکه در سینمای خودمان هم جایی ندارند و این یک فاجعه برای سینما به شمار می‌آید، سینمایی که کمتر از یک ماه فرصت دارد و همچنان چیزی برای ارائه به اسکار ندارد و دستش خالی است.

بخشی خواندنی از کتاب «خاطرات سال‌های نبرد» حاصل انتخاب و ساده‌نویسی محسن مؤمنی‌شریف از خاطرات سپهبد علی صیاد شیرازی است:
هر روز که می گذشت همراهان بنی‌صدر اوضاع را بر من بدتر می کردند ولی من همچنان مقاومت می کردم. یک روز به شهر سرپل ذهاب رفتم تا به آقای آذربان که تازه از بیمارستان مرخص شده بود و با سپاه همکاری می کرد، سر بزنم و درباره طرحی که برای سازماندهی سپاه ریخته بودم با او مشورت کنم. آن شب تا ساعت دوازده و نیم با او درباره آن طرح جلسه داشتیم. در نهایت به نتیجه خوبی رسیدیم. وقتی که رفتم بخوابم، احساس خوشی داشتم. به طوری که دلم می‌خواست بنشینم و تا صبح درباره آن طرح فکر کنم.
ساعت سه بامداد از خواب برخاستم و با همان حال خوش و نشاط‌انگیزی که داشتم تمام مطالبی را که درباره طرح در ذهنم بود روی کاغذ نوشتم. ساعتی بعد که هنوز هوا تاریک بود به طرف سنندج راه افتادیم. جاده زیر آتش عراقی‌ها بود چون دید داشتند، مجبور بودیم با نور چراغ‌های کوچک ماشین حرکت کنیم. هنوز از دروازه ورودی سرپل ذهاب خارج نشده بودیم که دیدم ماشینی از مقابل به سرعت در آن سمت جاده که مسیر حرکت ما بود، پیش می‌آید. با جود مهارتی که رانندهام داشت نتوانستیم کاری کنیم و با آن شاخ به شاخ شدیم. از شدت درد بیهوش شدم. وقتی چشم باز کردم، در هلی کوپتر بودم و من را از کرمانشاه به تهران می‌بردند.
قنداق اسلحه‌ای که در دستم بود پایم را له کرده بود. در آن لحظه احساس کردم قطع شده است. استخوان پای چپم کاملاً متلاشی شده بود و پا از مچ به حالت قطع و له درآمده بود. لگن هم شکسته بود و سر و صورتم جراحاتی برداشته بود.
من را در بیمارستان ارتش بستری کردند. روز چهارشنبه بود. پزشک‌ها مانده بودند که با پایم چه کنند. گفتند روز شنبه شورای پزشکی تشکیل می‌دهیم تا در این باره تصمیم بگیریم. تا دو، سه روز با من کاری نداشتند. رگ سیاتیک در معرض قطع شدن بود و بدجوری از درد به خود می‌پیچیدم.
عصر بود که یک پزشک خوش برخورد و خنده‌رو وارد اتاق شد و گفت: من از طرف حجت‌الاسلام ناطق نوری مأموریت دارم که آقای صیاد شیرازی را ببرم.
با تعجب گفتم: «مرا به کجا می‌خواهید ببرید؟ اینجا بیمارستان خودمان است.»
گفت: تا اینها تصمیم بگیرند، خیلی دیر می‌شود.
من دستور دارم شما را به بیمارستان مخصوص ببرم. آن شب او موفق شد مجوز خروج من را از بیمارستان بگیرد و با آمبولانسی که آورده بود، به بیمارستان مورد نظر ببرد. صبح زود، من را به اتاق عمل بردند و سریع عمل کردند.
اولین کسی که به ملاقاتم آمد، شهید رجایی بود. برایم عجیب بود. او تنهای تنها بود. حتی محافظ هم نداشت. پزشکان و پرستاران او را نشناخته بودند. مدتی پهلوی من ماند و با هم صحبت کردیم. هنگامی که می‌خواست برود، دعایی خواند، صورتم را بوسید و رفت.

بیلبورد نوشت: علیرضا عصار پس از مدت‌ها بار دیگر در تهران روی صحنه خواهد رفت تا بالاخره طلسم اجراهای زنده این خواننده شکسته شود.
این خواننده بر اساس پیگیری‌ها قرار است ۱۹ و ۲۰ مهر در تهران روی صحنه برود. ممنوعیت‌های عجیب عصار با انتشار ویدئویی در برنامه «کنسرتینو» آغاز شد. ویدئوی همخوانی این خواننده با یک خانم که تحت مجوزهای ساترا در برنامه «کنسرتینو» پخش شد، به یک باره به ممنوعیت عجیبی برای او ختم شد. تلاش تهیه‌کنندگان این خواننده برای رفع این ممنوعیت ماه‌ها زمان برد تا این خواننده حالا بالاخره بتواند بار دیگر با دوستدارانش دیدار کند.
عصار خواننده پرمخاطب این سال‌های موسیقی در ایران است که با برنامه «بندبازی» نخستین تجربه حضور در یک برنامه استعدادیابی را داشت. برنامه‌ای که به خوبی دیده شد و حالا چند سال پس از آن تجربه، عصار بار دیگر قرار است با مخاطبانش دیدار کند. این خواننده فصل نخست برنامه «کنسرتینو» را نیز روی آنتن یک پلتفرم شبکه نمایش خانگی برد و با چهره‌های جذابی در این برنامه به گفت‌وگو نشست. حالا عصار فصل دوم این برنامه را در حال تولید دارد و به زودی پخش خواهد شد.

خانه موسیقی ایران با انتشار پیامی درگذشت یاسمین رحمتی (نوازنده سنتور و آهنگساز) را تسلیت گفت و اعلام کرد که انگیزه قتل این هنرمند نامشخص است.
به گزارش ایسنا، خانه موسیقی ایران در پیامی منتشر کرد:
«یاسمین رحمتی نوازنده سنتور، آهنگساز و استاد دانشگاه تهران، بامداد چهارشنبه ۱۴ شهریور ماه به ضرب گلوله به قتل رسید و خانه موسیقی ایران این حادثه هولناک را به خانواده این هنرمند و جامعه موسیقی تسلیت می گوید.
یاسمین رحمتی که اهل شهر تفرش است، به جز نوازندگی و تدریس در دانشگاه، آهنگسازی آثاری را هم در کارنامه خود دارد.
در حال حاضر انگیزه قتل نامشخص و توسط پلیس در حال بررسی است و جزئیات مراسم تشییع این هنرمند اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

۱۴ شهریورماه، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان گیلان از وقوع یک قتل مرموز زن و مرد جوان در یک منزل ویلایی اجاره‌ای در منطقه کفترود پیربازار شهر رشت خبر داد و گفت که دستگیری قاتل یا قاتلان در دستور کار پلیس قرار دارد. با حضور کارآگاهان آگاهی در محل مشخص شد که یک زن ۳۶ ساله و یک مرد ۳۷ ساله غیربومی در یک منزل ویلایی اجاره‌ای با سلاح گرم به قتل رسیده‌اند.

به دنبال سیاست جدید دولت کانادا برای کم کردن نرخ مهاجرت به این کشور داده‌های جدید نشون داده پاییز امسال میزان پذیرش دانشجوهای خارجی در این کشور تقریبا نصف شده.
وزیر مهاجرت کانادا همچنین گفته داره روی طرحی کار میکنه که کلا اعطای اقامت کانادا به خارجی‌ها رو کم کنه. به نظر می‌رسه دوران مهاجرت آسان به کانادا داره به پایان می‌رسه.
مهاجرت بی‌رویه به کانادا مخصوصا از هند این کشور رو با مشکلاتی چون نرخ بالای بیکاری و افزایش شدید قیمت مسکن مواجه کرده.

فیلم زودپز به‌کارگردانی رامبد جوان و بازی نوید محمدزاده و محسن تنابنده، فرصت حضور در جشنواره سال گذشته فجر را نیافت، اما همواره صحبت‌هایی مبنی بر پیش‌بینی فروش بالا برای این کمدی، در جریان بوده است. آن‌ها که فیلم را دیده‌اند آن را بخت اول گیشه ۱۴۰۳ در سینمای ایران می‌دانند. بالاتر از تگزاس سه و تمساح خونی، دو کمدیِ صدرِ جدول فروشِ امسال.
حالا آن‌گونه که در اخبار آمده، زودپز قرار است مهر ماه اکران شود. خط اصلی داستان، در دهه ۱۳۶۰ می‌گذرد؛ وقتی ترکیدن یک زودپز، باعث مرگ یک نفر می‌شود و فرزندش سرنوشت ویژه‌ای برای این جسد، تدارک دیده است.

به تازگی تصاویری از دوران بارداری پگاه آهنگرانی در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد این بازیگر ۴۰ ساله سینمای ایران به زودی مادر خواهد شد.
حدود یک سال پیش، پگاه آهنگرانی و علی عظیمی (خواننده) با انتشار تصاویری خبر ازدواج خودشان را علنی کردند.

اخیراً ویدئویی از اظهارات غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده ادوار مجلس و عضو ستاد مسعود پزشکیان، منتشر شد که در آن تاکید داشت ایران نفت خود را ۳۰ درصد زیر قیمت جهانی به چین می‌فروشد و مابه‌ازای ۷۰ درصدی هم که قیمت‌گذاری می‌کند، ارزی وارد کشور نمی‌شود.
بر اساس گفته‌های او، ۹ درصد از پول هر محموله نفتی که به وسیله کشتی‌ها صادر می‌شود به جیب آقازاده‌ها می‌رود و آنها علناً از تحریم تغذیه می‌کنند.
پیشتر نیز مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفته بود ایران در فروش نفت روزانه ۲۶ میلیون دلار به چین تخفیف می‌دهد. این موضوع نه‌تنها روند فروش نفت را در کشور تحت تاثیر قرار داده بلکه انحصار چین در خرید نفت ایران را تقویت می‌کند. بنا بر گزارش رویترز، چین با خرید نفت از کشورهای تحت تحریم مانند ایران و روسیه، تاکنون ۱۰ میلیارد دلار پس‌انداز کرده است. طبق این گزارش، ایران روزانه حداقل ۱۵ دلار به چین به ازای فروش هر بشکه نفت تخفیف می‌دهد.
نکته جالب توجه در این زمینه آن است که موضوع انحصار چین تنها به مشکل تخفیف‌ها برنمی‌گردد. چین در این زمینه با ادعای مشکل وصول مطالبات، ارزی به ایران پرداخت نمی‌کند و به جای نفت به ایران کالا می‌دهد.
تحریم‌های آمریکا در این زمینه، اجازه وصول مطالبات را به ایران نمی‌دهد و ایران طلب بزرگی از کشورها دارد. عمدتاً این مطالبات با ورود کالا به کشور جبران می‌شود که خود این روند نیز آسیب‌های فراوانی به کشور وارد می‌کند. آمریکا بارها چین را نسبت به مبادله نفتی با ایران تهدید کرده و همین موضوع باعث شده چینی‌ها تمایلی به پرداخت ارز به ایران نداشته باشند و مبادلات تهاتری در همین زمینه رونق گرفته است.

صبا معصوم‌نیا یکی از چهره‌های مهم و ترند این روزهای ایران است. دختری که توانست رتبه اول کنکور تجربی ۱۴۰۳ را از آن خود کند.
به گزارش هفت صبح؛ در پیجی که به نام طرفدار صبا معصوم نیا در اینستاگرام وجود دارد، ویدئویی کوتاه از او در حال تشکر از هموطنانش دیده می‌شود. تا عصر دیروز زیر این پست نزدیک به ۱۲ هزار کامنت وجود داشت اما در کمال تعجب بیشتر این کامنت‌ها منفی است که منجر به جر و بحث‌ها و درگیری‌های لفظی عجیبی هم شده است. البته کامنت‌های بامزه و مثبت هم وجود دارد.
اولین کامنت مربوط به خانمی است که نوشته: «مبارک باشه ولی نرو تو اکسپلور مامانم.» منظور او از این کامنت این است که مادرش با دیدن این ویدئو، صبا را با دختر خودش مقایسه خواهد کرد. این کامنت با پاسخ‌های زیادی روبه‌رو شده و خیلی‌ها با این خانم ابراز همدردی کرده‌اند.
کاربر دیگری از این که پیجی به نام فن صبا معصوم نیا وجود دارد ابراز تعجب کرد و نوشته: فنننننن؟ کاربری در پاسخ او نوشته افرادی مثل صبا لیاقت داشتن فن پیج را دارند نه افرادی مثل ... اما کاربران دیگری هم معتقدند صبا جوگیر شده و احتمالا به زودی از این راه تبلیغات هم می‌گیرد و درآمدزایی می‌کند!
کاربر دیگری دلسوزانه نوشته: «دختر قشنگم، کامنت‌ها رو بخون، مردم رو شناختی؟ حالا فضای مجازیتو حذف کن و برو ادامه همون راه درخشانت، موفق باشی خانم دکتر، اینجا جای تو نیست.» عجیب این که کامنت هم با واکنش‌های منفی زیادی روبه‌رو شده. کاربری در پاسخ او با طعنه نوشته: «خانم ناقشنگم چه فن پیجی زده شده واس ایشون؟ کی میشناسه ایشونو؟ موفق باشه. حداقل سیزده سال از بنده کوچیکه ولی چرا فن پیج؟ خانم دکتر هم میشه. همانطور که ما این راه رفتیم ولی نه بلاگر شدیم نه مشاوره. الانم تو کشور دیگه شغلمونو انجام میدیم و حسادت نیس. این بهش هشداره که جدی نگیره به به های مجازیو. کارشو بکنه. امثال شما فردا این دختر پول ویزیت بخواد میخوای بگی دکتر پول پرست. پس شما کاسه داغ تر از آش نشو. بشین سرجات.» تاسف بار تر از همه این که کاربر مردی هم از به کار بردن کلمه قشنگ درباره صبا تعجب کرده و در پاسخ به کامنت او نوشته: «این قشنگه؟»

مدال آور پارالمپیک پاریس که مدالش را به شهید رئیسی تقدیم کرده بود، با تقدیر و قدردانی ریحانه سادات رئیسی روبه‌رو شد.
الهام صالحی که در رقابت‌های پرتاب نیزه پارالمپیک پاریس صاحب مدال باارزش برنز شد، این مدال را به شهید رئیسی تقدیم کرد.
وی در این خصوص گفت: زمانی که می‌خواستیم به پارالمپیک اعزام شویم، پلاکی به من داده شد که یک سمت آن اسم خودم و سمت دیگر آن اسم شهید رئیسی بود. مطمئن هستم روح آیت‌الله رئیسی با نتایج کاروان ایران خیلی خوشحال شده است.
در پی این اتفاق، ریحانه‌السادات رئیسی فرزند ارشد شهید رئیسی در تماس تلفنی با الهام صالحی کسب مدال برنز این ورزشکار را در پرتاب نیزه پارالمپیک پاریس به وی تبریک گفت.
صالحی ضمن ابراز خوشحالی از این تماس تلفنی و تبریک فرزند شهید جمهور، گفت: من به آیت‌الله رئیسی ارادت بسیاری داشتم و ایشان حقیقتا تا پای جان برای ما و ایران تلاش کرد.

داشبورد

قیمت فولکس‌واگن ID۴ مشخص شد

شـــرکت ماموت خودرو قیمت نهایی فولکس‌واگن ID۴، اولین وارداتی تمام‌برقی خود را بیـــش از ۲ میلیارد تومان اعلام کرد. پیشـــتر در ســـامانه یکپارچه فروش خودروهای تمام برقی، کراس‌اووری جذاب با نام ID۴ عرضه شـــد تا علاقه‌مندان به خرید تمام‌برقی‌ها بتوانند از میان محصولات عرضه شده، خودروی باکیفیتی از برند فولکس‌واگن را ثبت‌نام کنند. قیمت فروش علی‌الحساب در مبادی ورودی این خودرو در زمان انتخاب اولویت ۱ میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان تعیین شد و هم‌اکنون نیز مشخص شده که فولکس واگن ID۴ برای خریدار چقدر تمام می‌شود. ثبت‌نام کنندگان ســـامانه‌ای و همچنین خریداران ID۴ از نمایندگی‌های ماموت خودرو می‌بایست ۲ میلیارد و ۲۱۵ میلیون تومان برای خرید این کراس‌اوور بپردازند. به طور کلی می‌توان گفت با توجه به حداکثر مســـافت قابل پیمایش این خودرو با یک بار شارژ که در کاتالوگ بیش از ۴۰۰ کیلومتر ذکر شده اما در واقعیت اعداد کمتری در چین و اروپا تجربه شده است، قیمت تمام شده ID۴ نسبتاً ارزش خرید آن را کمی کاهش داده اســـت. فولکس‌واگن ID.۴ یک کراس‌اوور کامپکت است که بر مبنای پلتفرم برقی MEB گروه خودروسازی فولکس توسعه داده شده است. نسخه بازار ایران به‌خاطر سقف ۴۰ هزار دلاری تعیین شـــده، از نمونه محور عقب این خودرو است. در این نسخه یک موتور الکتریکی با قدرت ۱۶۸ اسب بخار و نهایت گشتاور ۳۱۰ نیوتن متر روی محور عقب ID.۴ نصب شده است. پک باتری این خودرو ۵۵/۷ کیلووات ساعت است و می‌تواند با هر بار شارژ کامل مسافت ۴۴۲ کیلومتر بر اساس استاندارد WLTP را بپیماید.

نیش‌ترمز

آخرین قیمت پژو، شاهین، سمند، دنا و تارا

آنطور که گزارش‌ها نشان می‌دهد، در طول ۲۴ ساعت گذشته پراید SE ۱۵۱ مدل ۱۴۰۳ در بازار خودرو با افزایش ۵ میلیون تومانی به قیمت ۳۳۵ میلیون تومان و پراید SE ۱۵۱ مدل ۱۴۰۲ با افزایش ۵ میلیون تومانی به قیمت ۳۲۰ میلیون تومان به فروش رفت.در این میان، قیمت پژو ۲۰۶ تیپ ۳ پانوراما مدل ۱۴۰۲ هم ۶۳۰ میلیون تومان قیمت خورده است. پژو ۲۰۷ دنده‌ای مدل ۱۴۰۳ هم ۷۳۵ میلیون تومان به فروش رفت. این در حالی است که پژو ۲۰۷ پانوراما اتوماتیک TU۵P مدل ۱۴۰۳ در حدود یک میلیارد تومان به فروش رفت. پژو ۲۰۷ تیپ ۵ مدل ۱۴۰۲ نیز ۶۶۵ میلیون تومان قیمت پیدا کرد. اما پژوپارس ELX-TU۵ مدل ۱۴۰۲ به قیمت ۸۰۰ میلیون تومان رسید. پژوپارس LX مدل ۱۴۰۲ هم ۸۵۰ میلیون تومان قیمت پیدا کرد.بنا به این گزارش، تارا اتوماتیک V۲ مدل ۱۴۰۳ در بازار به قیمت ۸۸۰ میلیون تومان رســـید. تارا دنده‌ای V۱ مدل ۱۴۰۳ نیز ۷۴۰ میلیون تومان قیمت خورده است.گزارش‌ها از بازار خودرو نشان می‌دهد در طول ۲۴ ساعت گذشته دناپلاس اتوماتیک توربو آپشنال مدل ۱۴۰۳ در حدود ۹۵۵ میلیون تومان تومـــان قیمت خورد. دناپلاس اتوماتیک توربو آپشنال مدل ۱۴۰۲ هم ۹۳۰ میلیون تومان قیمت خورده است.رانا‌پلاس مدل ۱۴۰۳ نیز ۵ میلیون تومان گران شـــد و ۶۱۰ میلیون تومان قیمت پیدا کرد. رانا‌پلاس مدل ۱۴۰۲ هم با افزایش ۵ میلیون تومانی در بازار ۵۷۵ میلیون تومان به فروش رفت. همچنین ساینا S دنده‌ای دوگانه‌سوز مدل ۱۴۰۳ در بازار ۴۳۰ میلیون تومان قیمت خورده است. اما سمند سورن پلاس EF۷ دوگانه‌سوز مدل ۱۴۰۳ در حدود ۷۱۰ میلیون تومان فروخته شد.شاهین G اتومات CVT مدل ۱۴۰۳ هم با کاهش ۵ میلیون تومانی ۷۸۵ میلیون تومان قیمت پیدا کرد. همچنین کوییک GXL دنده‌ای مدل ۱۴۰۳ هم به قیمت ۴۱۵ میلیون تومان به فروش رفت.

مهمانی از خاور دور

نسل نو «هوندا سیویک Type R» به زودی روانه خیابان‌های کشورمان خواهد شد؛ آیا این محصول ژاپنی در ایران موفق می‌شود؟

ارســـلان ســـلیمانیان | بالاخره پس از ثبت ســـفارش انواع و اقســـام خودروهای ناشناس چینی و هر از چند گاهی، خـــودروی کـــره‌ای، نهایتا یک محصول نام‌آشـــنای ژاپنی، به فهرست خودروهـــای وارداتی به ایـــران اضافه شد. نســـل نو هوندا ســـیویک تایپ R. اگر شـــما هم با شـــنیدن نام «هوندا» به یـــاد موتورســـیکلت می‌افتید، حق دارید! هوندا را در ایران با موتورهایش می‌شناسند. به‌خصوص مدل CG۱۲۵ که دهه‌هاست با اســـامی مختلفی در ایران تولید شـــده و می‌شود و احتمالا خواهد شـــد! امـــا به جـــز محصولات «دوچرخ» هونـــدا، خودروهای هوندا نیز چندان با بازار ایران غریبه نیستند. اوایـــل دهـــه ۷۰ خورشـــیدی بود که انواع هونـــدا آکورد و هوندا ســـیویک به کشـــورمان وارد شـــدند و در کنار محصولاتی چون «اوپل»، «هیوندای» و «میتسوبیشـــی»، بخشـــی از بـــازار خودروهای لوکس ایران را در دســـت گرفتنـــد. بعـــد از وقفه‌ای حـــدودا دو دهه‌ای، اوایل دهه ۹۰ خورشیدی بود که هونـــدا با همکاری یـــک هولدینگ بزرگ و مطرح ایرانی به ایران بازگشت و سعی کرد جایگاه از دست رفته قبلی را بازیابد. این شرکت ابتدا دو محصول آکورد و CR-V را برای بازار کشورمان در نظر گرفت که بـــه ترتیب در کلاس سدان‌های خانوادگی و کراس‌اوورهای سایز متوسط قرار داشتند. اما به تازگی و پس از آزادسازی مجدد واردات خودرو به کشـــور، برند هوندا عزم خود را برای حضور در بازار تشـــنه ایران جزم کرده و نسل نو ســـیویک (Civic) در کنار آکورد و وزل، اولین محصولات این برند در دور جدید واردات خـــودرو به ایران خواهد بود.

سیویک Type R، خاص‌تر از همیشه

ســـیویک جدید را می‌توان خاص‌ترین و جوان‌پســـندترین محصـــول تاریخ هوندا دانســـت. این خودرو بیشـــتر از پول پرداختـــی در بازارهای جهانی، به شما آش سرو می‌کند! از برند خوشنام گرفته تـــا طراحی بســـیار شـــکیل و پیشـــرانه‌های کم حجم اما قدرتمند. با نگاهی به تصاویر این خودرو درمی‌یابیم که طراحی ظاهری ســـیویک ۲۰۲۴ یک ســـروگردن بالاتر از رقبای کره‌ای و فرانســـوی خـــود اســـت. همچنین با ســـابقه‌ای که از هوندا ســـراغ داریم، احتمالا کیفیت ساخت سیویک جدید نیز بهتر از رقبای هم قیمت خود باشد. هرچند روی کاغذ از سیویک نباید بیش از یک خودروی متوســـط جوان‌پسند انتظار داشت اما هرچه باشد انتظارها از یک محصول ژاپنی آن هم با برند هوندا، همیشه بالا بوده و خواهد بود. سیویک Type R مجهـــز به یک پیشـــرانه ۲ لیتری ۴ سیلندر از نوع توربوشارژ بوده که توانایی تولید ۳۲۵ اسب بخار قدرت و ۴۲۰ نیوتن متر گشـــتاور را داراست. میزان مصرف ســـوخت این پیشـــرانه تنها ۶/۹ لیتـــر در هـــر ۱۰۰ کیلومتر اعلام شده است. ضمن آنکه مشتریان ســـیویک می‌توانند از بین جعبه دنده اتوماتیک CVT یا ۶ ســـرعته دســـتی یکی را سفارش دهند. البته پیش‌بینی می‌شود که مدل‌های وارداتی به ایران تنها از نوع دنده اتوماتیک باشـــند و به دلایـــل بازاریابی، عرضـــه خودروهای وارداتی بـــا گیربکس دســـتی چندان مقرون به صرفه نباشـــد. شتاب صفر تا ۱۰۰ این ژاپنی جـــذاب نیز حدود ۵/۵ ثانیه اعلام شده است

شرایط در بازار

با توجه به ابهامات موجود در پروســـه واردات خودرو، هنـــوز نمی‌دانیم این خودرو قرار اســـت با چه قیمتی روانه بازار داخلی شـــود. اگـــر قیمت‌ها مثل دوره قبل (مشـــابه قیمت مدل آکورد و CR-V) باشـــد که هیچ، این خودرو نیامده قافیه را باخته! اما با توجه به اینکه تیم واردکننده برند هوندا، سابقه فعالیت در زمینه صنعتی را داشته و با سازوکار بازار خودرو کاملا آشناست، پیش‌بینی می‌شود که با قیمتگذاری منطقی، کار رقبایی چون «تویوتا کرولا»، «هیوندای الانترا» و «کیا سراتو» در ایران سخت شود. حال باید منتظر بمانیم و ببینیم آیا سیویک جدید با یک قیمت مناسب در بازار گرد و خاک به پـــا می‌کند یا با قیمتی غیررقابتی در نمایشگاه‌ها خاک می‌خورد؟!

نیم کلاج

بساط خرید و فروش «حواله‌ها» دوباره پهن شد

فروش حواله‌های ایران‌خودرو از ۱۰۰ تا ۹۴۳ میلیون تومان!

با اعلام نتایـــج قرعه‌کشـــی اخیر عرضـــه محصولات گـــروه صنعتی ایران‌خودرو و اعلام لیست منتخبان این دوره، بازار خرید و فروش حواله دوباره داغ شده و ســـایت‌ها از آگهی‌های خرید و فروش با قیمت‌های متفاوت پر شده اســـت؛ به گونه‌ای که در آگهی‌های فروش قیمت‌های پایه از ۱۰۰ میلیون تومان شروع می‌شود و بعضاً آگهی‌های ۹۴۳ میلیون تومانی هم به چشم می‌خورد. در حقیقت هرچه دلشان بخواهد قیمت می‌گذارند و این درحالیســـت کـــه حواله طرح مادران گران‌تر اســـت. به گزارش ایســـنا، کمتر از یک ماه پیش (۲۴ مرداد ماه) بود که گروه صنعتی ایران‌خودرو، پس از وقفه‌ای ۱/۵ ساله، در طرح جدیدی از فروش محصولات خود، بخشی از ظرفیت تولید ســـال جاری‌اش را به صورت پیش‌فروش و فروش فوق‌العاده برای سه گروه متقاضیان عادی، مادران و دارندگان خودروهای فرسوده آغاز کرد.این طرح که با عرضه محصولات این گروه خودروســـازی شـــامل ری‌را، خانواده پژو ۲۰۷ دستی، تارا، رانا‌پلاس، سورن‌پلاس، خانواده هایما و دو خودروی برقی لونا GRE و FAW Bestune NAT به صورت طرح پیش‌فروش و فروش فوق‌العاده و طبق اولویت‌بندی و در چارچوب مصوبات شورای رقابت و دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری، عرضه شده بود، اجرایی شد که پس از چند بار امروز و فردا شدن، در نهایت یکشنبه هفته گذشته (۱۱ شهریور ماه) قرعه‌کشـــی جهت اولویت‌بندی متقاضیان انجام شد.قرعه‌کشی برای انتخاب مشـــتریان نهایی ضروری بود؛ چراکه بالغ بر سه میلیون نفر در این طرح ثبت‌نام کردند اما تنها ۱۱۵ هزار دستگاه در این مرحله، ظرفیت وجود داشـــت. پس از یک هفته، بالاخره از عصر روز شنبه (۱۷ شهریور ماه) کار بارگذاری نتایج قرعه‌کشـــی آغاز شد و روز (یکشنبه) این مهم تکمیل و لیست نهایی منتخبان منتشر شد.بر این اساس با اعلام نتایج نهایی و مشخص شدن افراد برنده این بخت‌آزمایی، طبق روال طرح‌های فروش از این دست، علیرغم ممنوعیت خرید و فروش حواله خودروها، بساط این معاملات در سایت‌ها و آگهی‌های فروش پهن شده است و از قضا بازار داغی هم دارد؛ چراکه بالا و پایین کردن آگهی‌ها نشان می‌دهد که تب و تاب سوداگری‌ها در طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که مشمول مادران دارای دو فرزند و بیشتر، تندتر هم شده است و حواله خودروهای این طرح گران‌تر هستند.به‌طور مثال اگر حواله عادی بین ۱۵۰-۱۰۰ میلیون تومان تا ۳۰۰ میلیون تومان، قیمت‌گذاری می‌شود، حواله مادران از ۳۰۰ میلیون تومان به بالا شـــروع می‌شـــود و تا ۵۰۰ میلیون تومان هم قیمت می‌خورد.در این بین برخی هم متقاضی خرید حواله هستند که اعداد پایه با رقم پایین ۱۱۱ و ۱۲۵ میلیون تومان درج کرده‌اند که صرفاً گزینه قیمت خالی نباشد؛ وگرنه که دارندگان حواله‌ها به این قیمت‌ها نمی‌فروشند.

طبق برخی از این آگهی‌ها که در سایت‌های خرید و فروش خودرو به چشم می‌خورد، حواله فروش ۶۸۰ و ۷۱۰ و حتی ۹۴۳ میلیون تومانی! هم در آن دیده می‌شود.

اطلاعیه

نوبت اول

شناسه آگهی : ۱۷۸۴۱۵۷

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان

براساس نظریه کمیسیون تشخیص اراضی موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری ۷، قطعه زمین به شرح جدول پیوست ، در اجرای ماده ۱۲ قانون زمین شهری موات اعلام گردیده است. لذا به موجب ماده واحده قانون تعیین مهلت اعتراض به نظریه وزارت مسکن و شهرسازی مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ، کسانی که نسبت به تشخیص فوق اعتراض دارند ، ظرف مدت سه ماه بعد از تاریخ دومین آگهی مهلت دارند تا اعتراض خود را با ارائه مدارک مثبته و رسمی به مراجع ذیصلاح قضایی تسلیم نمایند و در صورت عدم اعتراض در مهلت قانونی نظریه صادره قطعی و لازم الاجرا است

شماره نظریه	تاریخ‌نظریه	نوعیت	پلاک	مساحت مترمربع	حریم محدوده	شهر	مختصات	کروکی
۱۴۰۳/۶۸	۱۴۰۳/۲/۲۴	موات	۱۸۴فرعی از یک اصلی بخش ۵ کرمان	۲۲۷	محدوده	ماهان	ORIG_FID x y 1 527834/570 3325936/485 2 527829/089 3325949/555 3 527843/070 3325956/740 4 527848/870 3325943/300 5 527834/570 3325936/485	
۱۴۰۳/۱۶۸	۱۴۰۳/۴/۶	موات	پلاک ۱۸۸۳۴- ۲۴۲۰ اصلی بخش ۱۳ کرمان	۱۷۵۵۸	حریم و محدوده	زرند	x y 1 461170/3 3409883 2 461166/2 3409879 3 461178/5 3409844/4 4 461275 3409702 5 461292/5 3409681/9 6 461275/8 3409671/2 7 461611/8 3409202/3 8 461611/8 3409234/8	
۱۴۰۳/۱۸۸	۱۴۰۳/۴/۱۲	موات	۲۷۳۹ اصلی بخش ۲۳ کرمان	۳۲۶۵	حریم و محدوده	شهداد	ORIG_FID x y 1 565734/9236 3363971/2179 2 565740/0000 3363952/0000 3 565644/0000 3363916/0000 4 565637/6485 3363942/5607 5 565644/3502 3363947/2175 6 565644/9852 3363954/9963 7 565656/2565 3363960/3938 8 565658/9553 3363964/9975 9 565669/2740 3363967/8550 10 565686/4191 3363969/6013 11 565701/0241 3363969/4425 12 565717/6929 3363970/0000 13 565728/9642 3363969/7600 14 565734/0000 3363971/0000 15 565734/9196 3363971/2330 16 565734/9236 3363971/2179	
۱۴۰۳/۲۱۷	۱۴۰۳/۴/۲۳	موات	۵۱۷۴ اصلی بخش ۲۹ کرمان	۵۰۴/۵۳۴	محدوده	بم	ORIG_FID x y 1 626802/430 3220670/307 2 626787/806 3220679/857 3 626797/842 3220698/696 4 626828/684 3220737/850 5 626814/116 3220712/670 6 626814/116 3220705/924 7 626802/606 3220685/683 8 626802/430 3220670/307	
۱۴۰۳/۲۱۹	۱۴۰۳/۴/۲۳	موات	۵۱۷۴ اصلی بخش ۲۹کرمان	۱۱۱۳/۹۰۷	محدوده	بم	ORIG_FID x y 1 626797/812 3220657/042 2 626769/380 3220598/506 3 626742/253 3220610/089 4 626750/788 3220631/587 5 626772/436 3220625/272 6 626778/002 3220639/432 7 626791/079 3220660/265 8 626797/812 3220657/042	
۱۴۰۳/۲۲۲	۱۴۰۳/۴/۲۳	موات	پلاک ۸۹۳ اصلی بخش ۳۰ کرمان	۲۵۳۶/۶۸	حریم	بم	ORIG_FID x y 1 626868/90 3223128/02 2 626863/30 3223102/76 3 626839/75 3223097/02 4 626818/33 3223095/21 5 626812/92 3223096/18 6 626779/39 3223107/32 7 626781/67 3223128/70 8 626781/70 3223128/71 9 626788/56 3223132/50 10 626804/04 3223124/57 11 626808/94 3223127/08 12 626816/34 3223128/67 13 626821/37 3223126/55 14 626834/34 3223126/02 15 626843/99 3223129/46 16 626851/53 3223134/36 17 626859/21 3223133/43 18 626868/90 3223128/02	
۱۴۰۳/۲۶۶	۱۴۰۳/۵/۱۴	موات	۱۳۱۶۸ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی بخش ۳ کرمان	۱۱۱۲/۴۳	محدوده	کرمان	ORIG_FID x y 1 502552/59 3352939/42 2 502580/36 3352929/57 3 502567/82 3352892/20 4 502542/40 3352901/18 5 502552/59 3352939/42	
۱۴۰۳/۲۲۸	۱۴۰۳/۴/۲۷	موات	۴۷۹۵ اصلی بخش ۲کرمان	۳۳۹۱	محدوده	کرمان	ORIG_FID x y 1 510538/09 3350401/69 2 510426/09 3350360/25 3 510438/96 3350337/05 4 510460/71 3350317/33 5 510475/17 3350312/23 6 510524/86 3350319/64 7 510565/71 3350344/66 8 510567/00 3350342/00 9 510496/00 3350295/00 10 510485/00 3350303/00 11 510468/00 3350303/00 12 510430/00 3350297/00 13 510403/00 3350355/00 14 510536/00 3350406/00 15 510538/09 3350401/69	

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

۴۸۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۲۱۶۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۲۱۶۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران، تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض آقای رضا شقاقی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۵۷۷۳ با شماره کد ملی ۰۰۶۵۴۱۲۷۶۱ متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۱۴۷۰۰۰۰۴۰ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۴/۵۰۱ واقع در تهران بخش ۱۰ تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات اقدامات مقتضی بعدی معمول خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

۱۲۶۷۲ م الف

کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران – محمدعلی ابراهیمی

شناسه آگهی ۱۷۷۳۱۵۲

بی‌ستون

سفر عبرت‌آموز به بازار خودرو، مسکن و طلای دهه ۹۰

آبان فرزیان | در ماشین را بستم و محض احتیاط شاسی قفل را فشار دادم. راننده پس از اینکه سلامی گرم تحویلم داد و روی صفحه موبایلش مقصد را تایید کرد، راه افتاد. چند دقیقه بعد، دوتایی وارد سرگرمی محبوبم یعنی عدیدبازی شدیم.

راننده اگه کشیده گفت: «اتفاقا این ماشین رو سال ۹۰، خریدم ۱۸ میلیون» مکث کرد و وقتی دید حرفی نمی‌زنم، اضافه کرد: «به خدا!» گفتم می‌دونم. ادامه داد: «اون موقع ماشین رو دیر تحویل‌دادن و بهش خسارت تاخیر خورد. خیلی دنبالش رفتم ولی تهش بهم یخچال ماشین دادن. می‌خواین بزنم کنار نشونتون بدم؟»

با بی‌میلی جواب دادم: «نه» حرفتون رو قبول دارم.» گفت: «خانم حدود ۳۰لیتره، توش نوشابه و بستنی جا میدم. نوشیدنی گلاب شیررضا هم هست، بیارم؟» گفتم: «ممنون.» توی آینه نگاهی کجکی بهم انداخت و دوباره سرگرم تعریف کردن شد: «حالا اینایی مهم نیست. اون موقع، قیمت یخچال بود ۲۰۰هزار تومن. خواستم بفروشم ها را نزم گفت حیفه. خلاصه، توی صندوق عقب ماشین موند. چندبار لاستیک زاپاس رو دزدیدن اما خدا خیرشون بده، سمت این یخچال نمی‌رن بس که سنگینه.»

دوباره آه کشید و تعریف کرد که هفته قبل وقتی کنار خیابان متوقف شده تا گلویی تازه کند و ناهار بخورد، همکاری، یخچال را داخل صندوق عقب دیده و سوال پیچش کرده. خودش هم از سر کنجکاوی دنبال یخچال گشته و متوجه شده کارخانه ایرانی هنوز به تولید آن ادامه می‌دهد! پوزخند زد و گفت: «بایرانی‌جماعت تا از چیزی بیرق دربیاد، بی‌خیالش نمی‌شه. همین کولر آبی رو ببین! ۶۰کیلو همکی دارن می‌سازنش.»

یادش افتاد موضوع اصلی بحث چیز دیگری بوده. آخ جنی ضمیمه کرد و گفت: «به خدا باورم نمی‌شد ولی قیمت همین یخچال شده ۱۸میلیون تومن! دقیقا هم‌قیمت خودماشینه!» حرفش را اصلاح کرد: «البته که ماشین رو الان خیلی بیشتر می‌خرن.» برگشت سمتم و گفت: «اختیار دارین. حداقل ۲۸۸میلیون قیمتشه... ۳۰هم مشتری داشت اما نفروختم.»

بازی با همان سرعتی که شروع شده بود، خراب شد؛ چون راننده تصمیم گرفت عوض عدیدبازی، اطلاعاتش درباره بازار خودرو و قیمت ماشین‌ها را به رخم بکشد. توی دلم لعنت فرستادم و سعی کردم بازی را تنهایی جلو ببرم.

چشم‌هایم را بستم و به معزم فشار آوردم. با خودم تکرار کردم سال ۹۰، سال ۹۰، سال ۹۰ وقتی چراغ روشن شد. فروردین ۹۰، بالاخره جلوی وسوسه ایل تیمور شدم و اولین گوشی ایفون را خریدم ۹۵۰هزار تومان! سروکله ایفون ۴ هم ۱۳۸۹ تازه پیدا شده بود و در اوایل سال ۹۰، قیمتش، منطقی به سراغ من آمد. از اینکه الان قیمت ایفون ۱۳ تقریبا به ۴۲میلیون تومان رسیده، ناخودآگاه خندم گرفت.

راننده گفت: «متوجه هستید که چی میگم؟» و گردن کشید تا بتواند از آینه نگاهم کند. گفتم: «بله، بله» و دوباره به معزم فشار آوردم. اولین عددی که جلوی چشمم ظاهر شد، یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان بود. این بار مستحق بودم قهقهه هیستریک سر بدهم اما جلویش را گرفتم. سال ۱۳۹۰ می‌توانستیم با بودجه متری یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان در تهران صاحبخانه شویم! به عبارتی خانه ۱۰۰متری در حوز شهر تهران، آن زمان به طور میانگین ۱۸۰میلیون تومان قیمت داشت. گزارش آخر بانک مرکزی را به یاد آوردم که دو، سه روز پیش منتشر شد و نشان می‌دهد مرداد امسال متوسط قیمت مسکن تهران به متری ۸۸میلیون و ۵۰۰هزار تومان افزایش پیدا کرده است!

ماشین پشت چراغ قرمز توقف کرد. راننده همچنان داشت دراریف قیمت ماشین حرف می‌زد. اجازه ندادم تمرکزم را به هم بزند و سریع نیز ذهنم عدد هشت میلیارد و ۵۵۰میلیون تومان را به دست آوردم. صدایی توی سرم گفت: «کردش کن!» نجواکنان گفتم: «سگ خورد، اصلا ۹میلیارد تومن.» راننده پرسید: «چیزی فرمودین؟» گفتم: «آره، چهار هزار و ۹۰۰درصد رشد قیمت داشته!» و لرزشی در عمق وجودم احساس کردم. راننده برگشت عقب و نگاهی از سر استیصال بهم انداخت. قیمت سکه و طلا را به‌خاطر آوردم و تنوی صندلی فرورفتم. منتها این بار جای عددها، قیافه دوستم نسیم جلوی چشمم ظاهر شد. مهرماه ۹۰ بود و داشت کارهای مهاجرتش را راست و ریست می‌کرد. لابد به همین خاطر جو گرفته بودش و در اقدامی محیرالعقول برای تولدم یک سکه گرمی هدیه آورد. همین که پایش رسید از طرف اُپ، سکه را دادم مرد تا پیش زرگر مورداعتمادش ۷۵هزار تومان بفروشد!

خدا را شکر که زندگی نسیم در تمام این سال‌ها طوری پیش رفت که حتی یک‌مرتبه خدای بزرگ‌مان شاکر نشود؛ و الا برای جریان لطف و محبتش مجبور بودم همان سکه گرمی را هفت میلیون و ۱۲۰هزار تومان بخرم! دوباره گفتم: «خدا را شکر!» و پس از اینکه فهمیدم قیمت سکه گرمی در این مدت ۶هزار و ۳۹۳درصد رشد کرده، بلافاصله اضافه کردم خدا را ۱۰۰ هزار مرتبه شکر! راننده پرسید: «چیزی مانده؟» سرم را بالا آوردم. رسیده بودیم جلوی دفتر؛ جایی که سال ۱۳۹۰ با حقوق ۷۵۰هزار تومان در آن استخدام شده و خیلی هم بابتش خوشحال بودم؛ چون با مزیتی مثل بیمه‌های روزانه‌نگاری، آن زمان هم عدد قابل‌توجهی به‌حساب می‌آمد. بدون اینکه قصدی داشته باشم، به راننده گفتم: «مهم اینه که اینکار برکت از همه‌چی رفته.» بدون اینکه نگاهم کند، سرش به نشانه تایید تکان داد و گفت: «احسنت، دقیقا منظور منم همینه.»

شوینده‌های ایرانی به جیب ما رحم نکردند

برای خرید شوینده‌های اصلی باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پول بدهید

گروه بازار | پیدا کردن شوینده مورد نظرمان در بین صدها مدل متنوع با قیمت‌های کم و زیاد کار آسانی نیست. اغلب وقتی برای خرید شوینده‌ها به سراغ فروشگاه‌ها می‌رویم، با افزایش قیمت جزئی در تمام نمی‌شود. در روزهای اخیر آنهایی که به فروشگاه‌ها برای خرید شوینده سری زده‌اند، می‌گویند با افزایش قیمت در برخی از موارد مصرفی روبه‌رو شده‌اند که نوفش را نداشته‌اند. همین حالا اگر بخواهید سبد خرید شوینده خود را برکنید و برای سرِ برفروش‌های بازار بروید، یعنی بخواهید شیشه‌شور، شوینده سطوح چندمنظوره، صابون، شامپو، پودر ماشین‌لباسشویی، طرفشویی، قرص ماشین ظرفشویی، مایع دستشویی و ظرفشویی و ... را بخرید، باید نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان هزینه کنید. برخی از موارد کی جزو پرفروش‌های بازار است و باوزن متلاسه ته‌ا چهار کیلوگرم مورداستقبال قرار می‌گیرند. برای مثال تعداد زیادی از خریداران ترجیح می‌دهند مایع ظرفشویی سه یا چهار کیلوگرمی را به جای یک کیلویی بخرند که از نظر قیمتی برایشان ارزان تر تمام شود. مبلغی که در نظر گرفته‌اید، شامل مواردی با وزن بالا هم می‌شود.

اسیرهای پاک‌کننده

اسیرهای پاک‌کننده معمولا جزو گزینه‌های اصلی برای تمیز کردن خانه به‌حساب می‌آیند؛ چون با وجود این محصولات دیگر نیازی به سابیدن و زحمت زیاد ندارید. این اسیرها برای شیشه، گاز و سطوح ساخته شده‌اند. بعضی از آنها فقط یک کاربری دارند و بعضی‌هایشان مثل چندمنظوره‌ها هر کاری از دستشان برمی‌آید.

- شیشه‌پاک‌کن: برای برق انداختن شیشه‌ها، آینه‌های خانه و سرویس بهداشتی و حمام باید حداقل یک عدد شیشه‌پاک‌کن بخرید. آنهایی که پنجره‌های بزرگ و قدی دارند، باید روی دو عدد شیشه‌پاک‌کن برای وقت‌هایی که قصد تمیزی کلی خانه را دارند حساب کنند. ارزان‌ترین شیشه‌پاک‌کن یک مدل ۵۰۰میلی‌لیتری از گلرنگ است که با قیمت ۳۴ هزار و ۱۰۰ تومان فروخته می‌شود. با کمتر از ۴۰ هزار تومان می‌توانید سراغ بردنده‌هایی مانند تاژ و واش‌لند و اکتیو هم بروید. یکی از پرفروش‌ترین گزینه‌ها شیشه‌پاک‌کن قرمز نیم‌لیتری گلرنگ با قیمت ۳۵ هزار و ۵۰۰تومان است. برخی از خریداران که معمولا عمده خرید می‌کنند، سراغ شیشه‌پاک‌کن چهار لیتری من می‌روند و ۱۰۸ هزار و ۲۰۰تومان بابتش هزینه می‌کنند.

- **شوینده سطوح**: پودرهای تمیزکننده سطوح، ارزان‌ترین گزینه‌های بازار به‌حساب می‌آیند. البته مشکل این شوینده‌ها این است که بوی تیز و خطرناکی دارنـد و باید با احتیاط استفاده شوند. به هرحال قیمت پودر تمیزکننده رخشای ۵۰۰میلی‌لیتری، ۱۲ هزار و ۴۰۰تومان است. و ۹۳ هزار و ۳۰۰تومان فروخته می‌شود. سپ، تمیزکننده سطوح آشپزخانه را با همین وزن و همین قیمت می‌فروشد. گزان‌ترین شوینده سطوح از همین برند سپ و مدل قرمز آن است که با وزن دو لیتر، ۱۵۷ هزار و ۴۰۰ تومان قیمت دارد.

شوینده لباس

یکی از پرمصرف‌ترین کالاهای بهداشتی که در سوپرمارکت‌ها به فروش می‌رسد، پودر دستی و پودر ماشین لباسشویی و مایع لباسشویی است.

- **پودر لباسشویی دستی**: ارزان‌ترین گزینه برای نشین لباس‌ها، پودرها هستند؛ مثلا شما می‌توانید با ۲۱ هـزار و ۸۰۰ تومـان یک مدل ۵۰۰ گرمـی از برند گلرنگ مخصوص شستن لباس‌ها با دست را بخرید. قیمت این نوع پودر از تیر ماه هم کمتر ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان است. سافتلن پودری بـا همین وزن ۲۲ هـزار و ۷۰۰ تومان می‌فروشد که جزو پرفروش‌ترین‌های بازار است.

- **پودر ماشین‌لباسشویی**: ارزان‌ترین پودر ماشین‌لباسشویی از برند گلرنگ و مدل کلدوانس که با قیمت ۲۷ هزار و ۵۰۰ تومان و وزن ۵۰۰ گرم فروخته می‌شود. اگر سرانج بردنی مانند اکتیو یا هوم‌پلاس بروید کارتان با ۳۱ هزار تومان راه می‌افتـد. مدل اکتیو جزو پرفروش‌هاسـت و خریداران از آن استقبال کرده‌اند. با همین قیمت می‌شود پودر ماشین‌لباسـشویی سافتلن سری گلد را خرید. یکی دیگر از گزینه‌هایی که توانسته نظر خریداران را جلب کند، پودر لباسشویی سه لیوگرمی سافتلن اسـت که برای خریدش باید ۱۷۷ هزار و ۲۰۰ تومان پول بدهید.

- **مایـع ماشین‌لباسـشویی**: مایع‌های نرم‌کننده لباس، ارزان‌تریـن نمونه از مایع‌های لباسشویی هسـتند. مثلا می‌توانید با ۴۶ هزار و ۲۰۰ تومان یک مایع نرم‌کنـنده خوله و لیانس سافتلن را با وزن یک لیتر بخرید. پرفروش‌ترین مایع لباسشـویی از برند سـافتلن است که برای خرید آن باید ۱۷۸ هزار و ۱۰۰ تومان پول بدهید. این مدل سه لیتری است. مایع لباسشویی پرسیل با وزن ۲/۷ لیتر و قیمت ۲۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان از دیگر مدل‌های محبوب به‌حساب می‌آید. برای خرید مشکین تاژ با وزن ۲/۷ کرم به ۱۴۱ هزار و ۲۰۰ تومان پول نیاز خواهید داشت.

مایع دستشویی و صابون

دوره صابون‌های سنتی و قدیمی و قالبی تقریبا تمام شـده. این روزها مایع دسـتشویی بیش از صابون‌های معمولی فروش می‌روند.

- **مایـع دسـتشـویی**: ارزان‌تریـن مایع دسـتشویی از برند گلرنگ مـدل صدفی با وزن ۵۰۰ میلی‌لیتر اسـت کـه برای خریـدش باید ۳۷ هزار و ۷۱۰ تومان پـول بدهید. گزینه بعدی مایع دسـتشـویی صدفی اکتیو بوده کـه با وزن ۴۵۰ گرم فروخته شـده و ۴۵ هـزار و ۴۰تومان اسـت. این مدل دارای پروتئین سویا هم هست. پرفروش‌ترین مایع دسـتشویی از برند آوه است که با وزن دو کیلوگـرم به قیمت ۱۴۷ هزار و ۲۰۰ تومـان فروش مـی‌رود و بـا همین وزن افراد از برنـد اکتیو مدل سـوئیت‌دریم با قیمت ۱۴۶ هـزار و ۴۰۰ تومـان هـم اسـتقبال کرده‌انـد. این مایع دسـتشـویی با وزن دو کیلو فروخته می‌شـود. در بیـن وزن‌هـای کمتر از ۴۰۰ گرمـی از برند گلرنگ مخصوص شسـتن لباس‌ها با دست را بخرید. قیمت این نوع پودر از تیر ماه هم کمتر ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان است. سافتلن پودری بـا همین وزن ۲۲ هـزار و ۷۰۰ تومان می‌فروشد که جزو پرفروش‌ترین‌های بازار است.

- **پودر ماشین‌لباسشویی**: ارزان‌ترین پودر ماشین‌لباسشویی از برند گلرنگ و مدل کلدوانس که با قیمت ۲۷ هزار و ۵۰۰ تومان و وزن ۵۰۰ گرم فروخته می‌شود. اگر سرانج بردنی مانند اکتیو یا هوم‌پلاس بروید کارتان با ۳۱ هزار تومان راه می‌افتـد. مدل اکتیو جزو پرفروش‌هاسـت و خریداران از آن استقبال کرده‌اند. با همین قیمت می‌شود پودر ماشین‌لباسـشویی سافتلن سری گلد را خرید. یکی دیگر از گزینه‌هایی که توانسته نظر خریداران را جلب کند، پودر لباسشویی سه لیوگرمی سافتلن اسـت که برای خریدش باید ۱۷۷ هزار و ۲۰۰ تومان پول بدهید.

- **مایـع ماشین‌لباسـشویی**: مایع‌های نرم‌کننده لباس، ارزان‌تریـن نمونه از مایع‌های لباسشویی هسـتند. مثلا می‌توانید با ۴۶ هزار و ۲۰۰ تومان یک مایع نرم‌کنـنده خوله و لیانس سافتلن را با وزن یک لیتر بخرید. پرفروش‌ترین مایع لباسشـویی از برند سـافتلن است که برای خرید آن باید ۱۷۸ هزار و ۱۰۰ تومان پول بدهید. این مدل سه لیتری است. مایع لباسشویی پرسیل با وزن ۲/۷ لیتر و قیمت ۲۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان از دیگر مدل‌های محبوب به‌حساب می‌آید. برای خرید مشکین تاژ با وزن ۲/۷ کرم به ۱۴۱ هزار و ۲۰۰ تومان پول نیاز خواهید داشت.

مایع دستشویی و صابون

دوره صابون‌های سنتی و قدیمی و قالبی تقریبا تمام شـده. این روزها مایع دسـتشویی بیش از صابون‌های معمولی فروش می‌روند.

- **مایـع دسـتشـویی**: ارزان‌تریـن مایع دسـتشویی از برند گلرنگ مـدل صدفی با وزن ۵۰۰ میلی‌لیتر اسـت کـه برای خریـدش باید ۳۷ هزار و ۷۱۰ تومان پـول بدهید. گزینه بعدی مایع دسـتشـویی صدفی اکتیو بوده کـه با وزن ۴۵۰ گرم فروخته شـده و ۴۵ هـزار و ۴۰تومان اسـت. این مدل دارای پروتئین سویا هم هست. پرفروش‌ترین مایع دسـتشویی از برند آوه است که با وزن دو کیلوگـرم به قیمت ۱۴۷ هزار و ۲۰۰ تومـان فروش مـی‌رود و بـا همین وزن افراد از برنـد اکتیو مدل سـوئیت‌دریم با قیمت ۱۴۶ هـزار و ۴۰۰ تومـان هـم اسـتقبال کرده‌انـد. این مایع دسـتشـویی با وزن دو کیلو فروخته می‌شـود. در بیـن وزن‌هـای کمتر از ۴۰۰ گرمـی از برند گلرنگ مخصوص شسـتن لباس‌ها با دست را بخرید. قیمت این نوع پودر از تیر ماه هم کمتر ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان است. سافتلن پودری بـا همین وزن ۲۲ هـزار و ۷۰۰ تومان می‌فروشد که جزو پرفروش‌ترین‌های بازار است.

- **پودر ماشین‌لباسشویی**: ارزان‌ترین پودر ماشین‌لباسـشویی از برند گلرنگ و مدل کلدوانس که با قیمت ۲۷ هزار و ۵۰۰ تومان و وزن ۵۰۰ گرم فروخته می‌شود. اگر سرانج بردنی مانند اکتیو یا هوم‌پلاس بروید کارتان با ۳۱ هزار تومان راه می‌افتـد. مدل اکتیو جزو پرفروش‌هاسـت و خریداران از آن استقبال کرده‌اند. با همین قیمت می‌شود پودر ماشین‌لباسـشویی سافتلن سری گلد را خرید. یکی دیگر از گزینه‌هایی که توانسته نظر خریداران را جلب کند، پودر لباسشویی سه لیوگرمی سافتلن اسـت که برای خریدش باید ۱۷۷ هزار و ۲۰۰ تومان پول بدهید.

- **مایـع ماشین‌لباسـشویی**: مایع‌های نرم‌کننده لباس، ارزان‌تریـن نمونه از مایع‌های لباسشویی هسـتند. مثلا می‌توانید با ۴۶ هزار و ۲۰۰ تومان یک مایع نرم‌کنـنده خوله و لیانس سافتلن را با وزن یک لیتر بخرید. پرفروش‌ترین مایع لباسشـویی از برند سـافتلن است که برای خرید آن باید ۱۷۸ هزار و ۱۰۰ تومان پول بدهید. این مدل سه لیتری است. مایع لباسشویی پرسیل با وزن ۲/۷ لیتر و قیمت ۲۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان از دیگر مدل‌های محبوب به‌حساب می‌آید. برای خرید مشکین تاژ با وزن ۲/۷ کرم به ۱۴۱ هزار و ۲۰۰ تومان پول نیاز خواهید داشت.

اقتصاد به زبان ساده

بیت‌کوین در منطقه حساس

ریزش رمزارز اول بازار دیجیتال، سرمایه‌گذاران را نگران کرده است

بررسـی رفتار بیت‌کوین در یک هفته گذشته نشان می‌دهد این ارز پرچمدار در بازار رمزارزها در سراشیبی سقوط قرار دارد. البته وضعیت نزولی بیت‌کوین محدود به چندروز پیش نیسـت، این ارز در طی ماه‌های گذشته نبز حال و روز خوشی نداشـته و همچنان با عملکرد ضعیف خود روی سـایر کوین‌ها و کلیت بازار کریپتو هم تاثیر می‌گذارد. نمودار عملکرد بیت‌کوین در یک هفته گذشته نشان می‌دهد این ارز حدود ۸/۵درصد از ارزش خود را از دست داده اسـت و هم اکنون با قیمت لحظه‌ای هر واحد ۵۵هـزار و ۵۰۰دلار خریدوفروش می‌شود. این در حالی اسـت که سرمایه‌گذاران این ارز، روزهای خوش رمزارز اول بـازار با ارزش ۱/۱ تریلیون دلار را هم دیده‌اند. بالاترین قیمت بیت‌کوین ۱۴ مارچ ۲۰۲۴ و ۲۴ اسـفند سـال ۱۴۰۲ ثبت شـد که هر واحد از آن با قیمت ۷۳هزار و ۱۰۳دلار فروخته می‌شد. در حال حاضر قیمت بیت‌کوین حدود ۳۴درصد پایین‌تر از آن زمان قرار دارد و در یک ماه گذشته هم تا جایی که از دسـتش برآمده تن و بدن خریدارانش را لرزانده است. وقتی به عملکرد یک ماهه ایـن ارز نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم سـرمایه‌گذاران بیت‌کوین که روی صعود قیمت آن و درخشش این ارز در اسفندماه سال گذشته حسـاب کرده بودند، در همین یک ماهی که سـپری شـده حدود ۱۰درصد از سـرمایه خود را از دسـت داده‌اند! همین موضوع باعـث نگرانی فعالان و تحلیلگران بازار از شـده. آنهـا معتقدند جایی که بیت‌کوین قرار دارد، نقطه حسـاسی است و اگر نتواند از آن بیرون بیاید، ممکن اسـت به زیر محدوده ۵۰هزار دلاری هم سـقوط کند. اتریوم، رمـزارز دوم بازار که حدود ۲۷۸میلیـارد دلار ارزش دارد نیز به تبعیت از جو منفی حاکـم بر بازار ارزهـای دیجیتال، وضعیت مناسبی ندارد. البته فقط اتریوم نیسـت که به تبعیت از بیت‌کوین، در مسیر نزولی حرکت می‌کند، بسیاری از کوین‌ها در چند روز گذشـته در شرایط بدی هسـتند. اسـت. اگر دنبال اسپری چندمنظوره یک‌کننده باشـید با ۴۸ هزار و ۲۰۰تومان می‌توانید از برند هوم‌پلاس یـک مـدل ۷۵۰میلی‌لیتـری بخرید. قیمت یک‌کننـده چندمنظوره سـیف با وزن ۶۶۵میلی‌لیتر هـم ۵۰ هزار تومان اسـت. مایع جرم‌گیر و تمیزکننـده چهارلیتری من با قیمت ۷۸ هزار و ۶۰۰تومان یکی از پرفروش‌ترین‌های بازار به‌حساب می‌آید. همچنیـن خریداران از اسپری چندمنظوره سیف با وزن ۷۵۰میلی‌لیتر هم اسـتقبال می‌کنند که حاوی جوش‌شیرین است. اگر دنبال اسپری چندمنظوره پاک‌کننده باشید، با ۳۵ هزار و ۵۰۰تومان است. برخی از خریداران که معمولا عمده خرید می‌کنند، سراغ شیشه‌پاک‌کن چهار لیتری من می‌روند و ۱۰۸ هزار و ۲۰۰تومان بابتش هزینه می‌کنند.

- **شوینده سـطوح**: پودرهـای تمیزکننده سـطوح، ارزان‌ترین گزینه‌های بازار به‌حسـاب می‌آیند. البته مشکل این شـوینده‌ها این اسـت که بوی تیز و خطرناکی دارنـد و باید با احتیاط استفاده شوند. به هرحال قیمت پودر تمیزکننده رخشای ۵۰۰میلی‌لیتری، ۱۲ هزار و ۴۰۰تومان است. برخی از خریداران که معمولا عمده خرید می‌کنند، سراغ شیشه‌پاک‌کن چهار لیتری من می‌روند و ۱۰۸ هزار و ۲۰۰تومان بابتش هزینه می‌کنند.

- **شوینده سـطوح**: پودرهـای تمیزکننده سـطوح، ارزان‌ترین گزینه‌های بازار به‌حسـاب می‌آیند. البته مشکل این شـوینده‌ها این اسـت که بوی تیز و خطرناکی دارنـد و باید با احتیاط استفاده شوند. به هرحال قیمت پودر تمیزکننده رخشای ۵۰۰میلی‌لیتری، ۱۲ هزار و ۴۰۰تومان است. برخی از خریداران که معمولا عمده خرید می‌کنند، سراغ شیشه‌پاک‌کن چهار لیتری من می‌روند و ۱۰۸ هزار و ۲۰۰تومان بابتش هزینه می‌کنند.

قیمت اتریوم به عنوان دومین رمـزارز برتر بازار پس از BTC، در وضعیتی اسـت که به اعتـقـاد بعضی از تحلیلگران، حتی ممکن اسـت به زیر سطح دو هزار دلار هم سقوط کند. به گفته این افراد اگر ریزش قیمت اتریوم ادامه داشـته باشـد و نتواند حمایت‌های مهم خود را حفظ کند، وارد یک کانال نزولی طولانی‌مدت می‌شود. البته روزهای پرنوسان اتریوم از سه‌ماه پیش شروع شده است. اگر عملکرد سه ماهه گذشته این ارز را بررسی کنیم، کسانی که اوایل تابستان وارد بازار رمزارز شدند و اتریوم خریداری کردند، حالا حدود ۲۵درصد از سرمایه اولیه خود را از دست داده‌اند. اتریوم در یک ماه گذشته نیز حدود ۱۲درصد از ارزش خود را از دست داده و در یک هفته گذشته نیز حدود هشت‌درصد به سرمایه‌گذاران خود ضرر زده است.

رمزارز دوم بازار که روز گذشـته با قیمت لحظه‌ای هر واحد دوهزار و ۲۹۱دلار معامله می‌شد، بالاترین قیمت خود را در تاریخ ۱۸ آبان سال ۱۴۰۰ تجربه کرد که با قیمت چهار هزار و ۸۱۰دلار فروخته می‌شد. قیمت این ارز در حال حاضر، حدود ۵۲درصد پایین‌تر از آن زمان قرار دارد؛ یعنی کسانی که پایین سه سال پیش دلشان را به دریای طوفانی پر از تلاطم رمزارزها زدند و اتریوم را انتخاب کردند، حالا نصف سـرمایه خود را از دست داده‌اند! ریزش بیت‌کوین روی وضعیت رمزارزی مثل بایننس کوین هم اثر داشته، به نحوی که از چهارم‌بازار کریپتو در یک هفته نزدیک سه درصد ریزش قیمت را تجربه کرده است.

این در حالی است که این ارز کمتر تحت‌تاثیر جو بازار قرار می‌گرفت و جزو ارزهای با ثبات شناخته می‌شد. بایننس کوین با ارزش بازار حدود ۳۲/۸میلیارد دلار، روز گذشته با قیمت لحظه‌ای هر واحد ۵۰۴دلار معامله می‌شد. بالاترین قیمت بایننس کوین ۱۸ خرداد سال جاری ثبت شد که هر واحد آن به بیش از ۷۱۰دلار هم رسـید و در حال حاضر ارزش آن ۲۹درصد پایین‌تر از آن زمان قرار دارد. تاثیـر بی‌ثباتی بیت‌کوین در ارزی مثل سـولانا هم محسوس است. سـولانا که با ارزش بازار حدود ۶۰میلیـارد دلار، در رتبه ۸ بازار قرار دارد، تحت‌تاثیر نوسـان‌های پی در پی بازار، در یک هفته گذشـته بـه درصد و در بازه زمانی یک ماهه حدود ۱۵درصد به خریداران خود ضرر زده اسـت. هر واحد از سولانا روز گذشته با قیمت لحظه‌ای ۱۲۷دلار فروخته می‌شد. بالاترین قیمت سولانا در تاریخ ۱۶ آبان ۱۴۰۰ ثبت شده. در آن زمان این رمزارز با قیمت ۵۸۵دلار به فروش می‌رسید، اما در حال حاضر، کسانی که روی این ارز سرمایه‌گذاری کرده‌اند، حدود ۵۰درصد از سرمایه خود را از دسـت داده‌اند. البته اگـر بخواهیم عملکرد یکسـاله این رمزارز را هم بررسـی کنیم، هنوز حال کسانی که یک سال پیش وارد این بازار شده‌اند و سولانا خریده‌اند، خوب است.

جدول قیمت طلا و ارز

۱	دلار آمریکا	کمترین ۵۹ هزار و ۴۴۰	بیشترین ۵۹ هزار و ۸۰۰
۲	یورو	۶۵ هزار و ۶۹۰	۶۶ هزار و ۷۰
۳	درهم امارات	۱۶ هزار و ۱۸۹	۱۶ هزار و ۲۸۲
۴	لیر ترکیه	هزار و ۷۴۰	هزار و ۷۶۰
۵	سکه تمام جدید	۴۳ میلیون و ۲۷۰ هزار	۴۳ میلیون و ۶۸۰ هزار
۶	سکه تمام قدیم	۳۸ میلیون و ۱۶۰ هزار	۳۸ میلیون و ۴۲۰ هزار
۷	سکه نیم بهار	۲۳ میلیون و ۴۶۰ هزار	۲۳ میلیون و ۴۶۰ هزار
۸	سکه ربع بهار	-	۱۵ میلیون و ۴۴۰ هزار
۹	سکه گرمی	-	هفت میلیون و ۱۲۰ هزار
۱۰	طلای ۱۸ عیار	سه میلیون و ۶۰۵ هزار	سه میلیون و ۶۳۷ هزار و ۸۰۰

قیمت‌های فوق براساس نرخ میانگین خرید و فروش در بازار آزاد تهران در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ است.

قیمت انواع سایدبای ساید

۱	ایکس‌ویژن	TS552	۳۳ میلیون و ۴۰۰ هزار
۲	ایکس‌ویژن	TS666	۳۶ میلیون و ۴۰۰ هزار
۳	اسنوا	SN8-2034GW	۵۰ میلیون و ۷۰۰ هزار
۴	جی‌پلاس	GSS-P7525W	۳۵ میلیون و ۵۰ هزار
۵	دوو	DS-3020MW	۴۵ میلیون
۶	اسنوا	SN8-2032SS	۵۸ میلیون و ۸۵۰ هزار
۷	اسنوا	SN8-2028SS	۵۴ میلیون و ۶۰۰ هزار
۸	ایکس‌ویژن	TF541	۳۵ میلیون و ۸۰۰ هزار
۹	ایکس‌ویژن	TS665	۳۲ میلیون و ۴۰۰ هزار
۱۰	دوو	DS-3325GW	۶۱ میلیون و ۳۰۰ هزار

قیمت پرفروش‌ترین هدفون‌های بلوتوثی

۱	کیوسی‌وای	T13x	۶۵۰ هزار
۲	سامسونگ	Galaxy Buds2 Pro	چهارمیلیون و ۹۷۰ هزار
۳	ریمکس	Pro2nd R120 Light	دو میلیون و ۵۰۰ هزار
۴	هایلو	X1 2023	۸۰۰هزار
۵	شیقومی	Redmi Buds 5	یک میلیون و ۷۴۰هزار
۶	آتر	EARBUDS X3 LITE	۷۲۰ هزار
۷	لکر	Soundcore P40i	دو میلیون و ۷۲۵ هزار
۸	هوآوی	FreeBuds SE 2	یک میلیون و ۷۶۸ هزار
۹	هیسکا	FX-549	یک میلیون و ۴۳۰ هزار
۱۰	لکر	A3936	سه میلیون و ۴۸۰ هزار

دیجیتال

پرفروش‌ترین هدفون‌های زیر پنج میلیون تومان

فاکتورهای مهم در انتخاب هندزفری بلوتوثـی، به غیر از تکنولوژی سـاخت و کیفیت صدا، قیمت آن اسـت. با این اوصاف اگر بین یک تا چهارمیلیـون و ۵۰۰هزار تومان برای خرید هندزفری بلوتوثی بودجه در نظر گرفته‌اید، حتما این مطلب را بخوانید؛ چون بهترین‌های بازار را در این بازه قیمتی معرفی کرده‌ایم. مثلا یکی از آنهـا، هدفون بلوتوثی QCY مدل T13 TWS اسـت که با قیمت حدود ۷۰۰هزار تومان فروخته می‌شود. شـیائومی در طراحی این هندزفری اصول ارگونومی را رعایت کرده و لایه‌ای که بین قسـمت سری و پایه هندزفری وجود دارد باعث می‌شـود که راحت‌تر درون گوش قرار گیرد. میکروفون‌های این هندزفـری از نوع نویز کنسـلینگ هسـتند و امکان مکالمه‌ای با کیفیت را برای کاربر فراهم می‌کنند. هندزفری بی‌سـیم QCY T13 از طراحی داخل گوش استفاده کرده و با دو رنگ سفید و مشکی به بازار عرضه شده اسـت. در این هندزفری از یک باتری با ظرفیت ۳۸۰میلی‌امپرساعت برای محفظه شـارژ استفاده شده که می‌تواند تا ۳۰ساعت شارژدهی داشته باشد و فقط با پنج‌دقیقه شارژ به مدت ۶۰دقیقه می‌تواند این محصول استفاده کنید. با بودجه یک میلیون و ۶۰۰هزار تومان می‌توانید هندزفری بلوتوثی هایلو X1 Pro را خریداری کنید؛ بدیه این هدفون از جنس پلاستیک با کیفیت بالا ساخته شده که دوام و استحکام بالا و همچنین روش سـبکی دارد. گیرایی این هندزفری فقط ۴۵گرم وزن دارد. این هندزفری هم مجهز به سیستم نویزکنسلینگ برای حذف صداهای موجود در محیط اطراف است. یک مزیت دیگر این هندزفری، به غیر از ویژگی‌های پیشرفته برای مکالمه با کیفیت بالاست. با این اوصاف اگر بین یک تا چهارمیلیـون و ۵۰۰هزار تومان برای خرید هندزفری بلوتوثی بودجه در نظر گرفته‌اید، حتما این مطلب را بخوانید؛ چون بهترین‌های بازار را در این بازه قیمتی معرفی کرده‌ایم. مثلا یکی از آنهـا، هدفون بلوتوثی QCY مدل T13 TWS اسـت که با قیمت حدود ۷۰۰هزار تومان فروخته می‌شود. شـیائومی در طراحی این هندزفری اصول ارگونومی را رعایت کرده و لایه‌ای که بین قسـمت سری و پایه هندزفری وجود دارد باعث می‌شـود که راحت‌تر درون گوش قرار گیرد. میکروفون‌های این هندزفـری از نوع نویز کنسـلینگ هسـتند و امکان مکالمه‌ای با کیفیت را برای کاربر فراهم می‌کنند. هندزفری بی‌سـیم QCY T13 از طراحی داخل گوش استفاده کرده و با دو رنگ سفید و مشکی به بازار عرضه شده اسـت. در این هندزفری از یک باتری با ظرفیت ۳۸۰میلی‌امپرساعت برای محفظه شـارژ استفاده شده که می‌تواند تا ۳۰ساعت شارژدهی داشته باشد و فقط با پنج‌دقیقه شارژ به مدت ۶۰دقیقه می‌تواند این محصول استفاده کنید. با بودجه یک میلیون و ۶۰۰هزار تومان می‌توانید هندزفری بلوتوثی هایلو X1 Pro را خریداری کنید؛ بدیه این هدفون از جنس پلاستیک با کیفیت بالا ساخته شده که دوام و استحکام بالا و همچنین روش سـبکی دارد. گیرایی این هندزفری فقط ۴۵گرم وزن دارد. این هندزفری هم مجهز به سیستم نویزکن

خوردنی محبوب آدم معروف‌ها

انقلاب داروهای ضدچاقی؛ از اثرات مثبت تا عوارض احتمالی

در ایالات متحده آمریکا، انقلابی در داروهای ضد چاقی در حال شکل‌گیری است و بر شمار افرادی که در طی مدتی کوتاه وزن زیادی کم کرده‌اند افزوده می‌شود. استفاده از داروی ضد دیابت سماگلوتاید بدون توجه به عوارض آن در حال گسترش است و بازار فروش تقلبی آن نیز داغ شده است.

به گزارش یورونیوز، سرازیر شدن داروی ضد دیابت «سماگلوتاید» به عنوان ماده مؤثر داروی معروف ضدچاقی «اوزمپیک»، زندگی میلیون‌ها آمریکایی را تغییر داده است، کشوری که ۴۰ درصد از جمعیت آن با چاقی و بیماری‌های مرتبط با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. اما گسترش استفاده از این دارو تنها به آمریکا ختم نمی‌شود.

اوزمپیک، یکی از داروهای معجزه‌آسایی است که در ایالات متحده برای کاهش وزن بسیار محبوب شده است، دارویی که در ابتدا برای بیماران دیابتی توسعه یافته بود. این دارو، که ماده مؤثر آن «سماگلوتاید» است، به عنوان یک داروی کاهنده اشتها شناخته می‌شود و اکنون برای مقابله با چاقی استفاده می‌شود. تمامی آمریکا از این دسته دارویی که توسط شرکت «الای لی‌لی» غول داروسازی آمریکایی و شرکت «نوو نوردیسک» دانمارکی عرضه می‌شود، استقبال کرده است. به طور خاص، سماگلوتاید جزو داروهایی است که با شبیه‌سازی هورمونی که به طور طبیعی توسط بدن تولید می‌شود، به کنترل قند خون کمک می‌کند. اما همین دارو که تحت نظارت سازمان ملی امنیت دارو و محصولات بهداشتی قرار دارد، به خاطر برخی عوارض جانبی‌اش مورد سوال است.

در فرانسه، داروی اوزمپیک محصول شرکت نوو نوردیسک با مشکلات جدی در تأمین مواجه است. در همین حال فرآورده تزریقی دیگری تحت عنوان «وی‌گووی» که توسط همان آزمایشگاه تولید می‌شود، به زودی در فرانسه در دسترس قرار می‌گیرد. این دارو هم مشابه اوزمپیک عمل می‌کند.

موثر در کاهش وزن و جایگزینی برای جراحی کوچک کردن معده

یکی از اثرات مهم سماگلوتاید، کاهش وزن است که به دلیل کاهش سرعت تخلیه معده اتفاق می‌افتد و می‌تواند کاهش وزنی ۱۰ تا ۲۰ درصدی و گاهی بیشتر را به همراه داشته باشد. افراد زیادی از نتایج مثبت مصرف این دارو راضی هستند.

زنی ساکن کاله فرانسه که به دلیل یک بحران ناگهانی به بیمارستان منتقل شد و درنهایت برای او دیابت نوع ۲ تشخیص داده شد، بلافاصله شروع به دریافت تزریق‌های «اوزمپیک» کرد و رژیم غذایی خود را به طور کامل تغییر داد. او که بارها تلاش کرده بود وزن خود را کاهش دهد اما در نهایت پس از مدتی دوباره به وزن سابق بازمی‌گشت. این زن ۴۴ساله در طی یک سال و نیم ۴۵ کیلو از وزن خود را از دست داد.

درمان به وسیله این دارو جایگزین مناسبی برای «جراحی باریاتریک» است که در آن آناتومی سیستم گوارش تغییر می‌کند و در همه افراد تحمل نمی‌شود.

در حال حاضر، بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی تأثیرات معجزه‌آسا و کاهش وزن سریع با استفاده از این دارو را به اشتراک می‌گذارند، حتی ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا، نیز به طور علنی درباره این دارو در شبکه اجتماعی ایکس خود صحبت کرده بود.

با این حال، در فرانسه اوزمپیک تنها برای بیماران دیابتی تایید شده است.

کاهش خطرات قلبی عروقی

برونو ورژه، پژوهشگر و رئیس گروه تحقیقاتی «موسسه ملی سلامت و تحقیقات دارویی» تأکید می‌کند که «بیماران تحت درمان با اوزمپیک کمتر دچار حملات قلبی و سکته‌های مغزی می‌شوند.» به گفته او کاهش برخی سرطان‌ها، مانند سرطان روده بزرگ نیز گزارش شده است.

برونو ورژه همچنین به «برخی مطالعات اولیه» اشاره می‌کند که نشان‌دهنده اثرات مفید و بالقوه آن بر آلزایمر و پارکینسون است. با این حال سوزرین کاره-پترو، مدیر تحریریه نشریه پزشکی «پرسکریر» این اثرات را چندان معجزه‌آسا نمی‌داند، چرا که «با کاهش وزن قابل توجه، منطقی است که خطرات قلبی-عروقی کاهش یابد.»

عوارض جانبی: «مخاطره‌ای بی‌تناسب برای چند کیلو کاهش وزن»

سوزرین کاره-پترو انتظارات بالا در مورد این دارو را عامل سوءاستفاده از این محصولات می‌داند. به گفته او کاهش میزان حوادث قلبی-عروقی قابل توجه است، اما این کاهش در حدود ۱/۵ درصد است.

در عین حال برخی عوارض جانبی اثبات شده برای این دارو شامل حالت تهوع، اسهال و هیپوگلیسمی (افت قند خون) هستند. سایر عوارض جانبی رایج شامل کاهش اشتها، سرگیجه، استفراغ، درد شکمی، یبوست، هضم دشوار، سوزش معده، رفلاکس گوارشی، نفخ، آروغ، خستگی، سنگ کیسه صفرا و کاهش وزن است.

برونو ورژه می‌گوید: «در بیشتر بیماران، این عوارض بعد از چند هفته ناپدید می‌شوند. اما برای برخی، این اثرات ادامه دارد و حدود ۶ تا ۱۷ درصد از بیماران مجبور به توقف درمان می‌شوند.»

این عوارض جانبی به دلیل تأثیر سماگلوتاید بر کند کردن تخلیه معده است. همچنین آژانس داروها و محصولات بهداشتی بلژیک از تداخل این دارو با قرص‌های ضد بارداری و بارداری‌های ناخواسته در زنان گزارش داده است.

عوارض نادر دیگر شامل تغییر در حس چشایی، افزایش ضربان قلب، التهاب لوزالمعده و سایر عوارض مانند انسداد روده و واکنش‌های آلرژیک است.

عوارض جدی‌تر می‌تواند التهاب لوزالمعده، انسداد روده، گاستروپارزی یا فلج معده (اختلالی که باعث می‌شود معده به‌طور کندتر خالی شود) و همچنین افزایش افکار خودکشی و یا عوارض ناشناخته‌تر مانند خطر سرطان تیروئید یا سرطان‌های دستگاه گوارش را دربر گیرد. این عوارض جدی‌تر با اینکه بسیار نادر هستند اما درصورت ابتلا خطرات جدی را در پی دارند.

پرفسور سورین کاره-پترو در این باره می‌افزاید: «در حال حاضر، عدم قطعیت زیادی درباره این محصول وجود دارد و خطرات هنوز به‌طور کامل شناخته نشده‌اند.» او همچنین از تجویز این دارو به غیر دیابتی‌ها انتقاد کرده و آن را «مخاطره‌ای بی‌تناسب برای چند کیلو کاهش وزن» دانسته است.

کلینیک

به غذاهای تند اهمیت بدهید

۸ فایده باورنکردنی خوردن یک وعده غذای تند

برخلاف تفکرات عام که غذای تند را برای معده و قلب مضر می‌دانند غذاهای تند و فلفلی فواید بسیاری دارند که بهتر است راجع به آن بیشتر بدانید. دو دسته مردم وجود دارند؛ کسانی که غذاهای تند را دوست دارند و آن‌هایی که تحمل تندی‌اش را ندارند. اگر جزو گروه اول هستید، موفق هستید. مگر فواید غذای تند چیست؟

به گزارش همشهری‌آنلاین، فیتوشیمیایی‌های موجود در فلفل تند، کپسایسین نامیده می‌شود، که به فلفل کمک می‌کند ضربه‌های خود را بزند و به کاهش وزن، مبارزه با باکتری‌ها و تسکین ناراحتی معده و روده، کمک کند.

مصرف غذای تند برخلاف باور بسیاری از مردم نه تنها عوارض زیادی برای بدن نداشته بلکه فواید آن برای معده و دردهای آن و همچنین سلامت قلب ثابت شده است. البته، فواید غذای تند به مشخصات غذایی کامل آن بستگی دارد، نه فقط رنگ و لعابش.

غذاهای تند برای بدن چه فایده‌هایی دارد:

۱ کمک به سوزاندن کالری

تمام آن عرق ریختن‌ها در هنگام خوردن غذاهای تند به یک هدف واقعی عمل می‌کند. طبق یک مطالعه مصرف یک بشقاب غذای تند، میزان سوزاندن کالری بدن را تا ۸درصد افزایش می‌دهد. یا به عبارت دیگر متابولیسم شما را سریع‌تر می‌کند. مطالعات دیگر نشان داده‌اند کسانی که غذای تند می‌خورند، کالری کمتری مصرف می‌کنند. بنابراین، اگر می‌خواهید وزن کم کنید، غذاهای تند را به رژیم غذایی خود اضافه کنید.

۲ محافظت از قلب

مطالعات متعددی نشان داده‌اند افرادی که در کشورهایی با رژیم غذایی تند زندگی می‌کنند، نسبت به افرادی که در مناطق با انتخاب غذاهای ملایم هستند، حملات قلبی کمتری دارند. دلیلش چیست؟ چنانچه در این بخش می‌خوانید به نظر می‌رسد که مصرف فلفل چیلی اثرات کلسترول بد را خنثی می‌کند (همچنین معروف به LDL).علاوه بر آن، کپسایسین، ماده شیمیایی مسئول اثر سوختن است که غذاهای تند در دهان شما ایجاد می‌کنند و این به مبارزه با التهاب کمک می‌کند (که یکی از چیزهایی است که می‌تواند منجر به حمله قلبی شود).

۳ تسکین درد

این یکی از نظر علمی کمی پیچیده است، اما برای بیان ساده آن، کپسایسین قادر به مهار علایم ویژه‌ای است که از سلول‌های عصبی شما به مغزتان فرستاده می‌شود و باعث می‌شود درد را حس نکنید. به همین دلیل است که کپسایسین اغلب به عنوان یک جزء در کرم و لوسیون‌های ضد درد به کار می‌رود.

۴ عمر بیشتر

مطالعه گسترده‌ای در چین (شامل نزدیک به ۵۰۰هزارنفر) نشان داد آن‌هایی که تقریباً هر روز غذای تند می‌خورند، ممکن است احتمال مرگشان تا ۱۴ درصد کاهش یابد. افرادی که این مطالعه را انجام دادند می‌گویند که خیلی زود است که غذاهای تند را به یک عمر بیشتر زندگی کردن ربط داد، اما نتایج دلگرم کننده به نظر می‌رسند.

۵ غنی از مواد مغذی

مصرف روزانه چیلی آن را برای شما آسان‌تر خواهد کرد تا میزان توصیه شده را داشته باشید این‌ها شامل چندین ویتامین، مانند A و C و نیز تعدادی از مواد معدنی حیاتی می‌باشند.

۶ کمک به شادتر بودن

خوردن غذاهای تند باعث می‌شود که مغز شما هورمون‌های شادی تولید کند، مثل سروتونین، که شما را برای مقابله با افسردگی، اضطراب، عصبانیت و استرس تجهیز می‌کند. این ممکن است توضیح دهد که چرا مردمی که غذاهای تند می‌خورند، همیشه شاد به نظر می‌رسند، حتی وقتی که خیس عرق می‌شوند و از درد گریه می‌کنند.

۷ کمک به دفع سرطان

طبق نظر برخی متخصصان پزشکی و جدیدترین تحقیقات، کپسایسین همین کار را بر سلول‌های سرطانی ویژه به عنوان داروهای مقاوم در حال مبارزه با سرطان دارد. ظاهراً، این ماده شیمیایی آنقدر قوی است که می‌تواند به طور بالقوه سلول‌های لوسمی را بکشد و رشد تومور مرگبار را آهسته کند.

۸ بهبود دل درد

چطور؟! غذاهای ادویه دار و تند می‌توانند شکم شما را آرام کنند؟ درست است. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که مصرف غذاهای تند می‌تواند مقدار اسید معده تولیدی را کاهش دهد، هرگونه خونریزی معده که ممکن است داشته باشید را کاهش می‌دهد و خطر ابتلا به سرطان پوست را نیز تا ۵۳ درصد کاهش می‌دهد.

بدانید

راه دیگری پیدا کن

هرگز این غذاها را در مایکروویو گرم نکنید!

مایکروویو می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای گرم کردن غذا باشد، چون باکتری‌های مضر غذا را از بین می‌برد، ولی با این حال این وسیله به دلیل پختن غذاها به طور ناموزون بدنام هستند و به باکتری‌های مضر اجازه زنده ماندن و رشد می‌دهند و شما را در معرض خطر مسمومیت غذایی قرار می‌دهد.

به گزارش اطلاعات آنلاین، میتزی باوم، مدیر عامل Stop Foodborne می‌گوید: «هنگامی که غذا را در مایکروویو گرم می‌کنید، باید حداقل یک بار غذا را هم بزنید تا گرما پخش شود و سپس دوباره در مایکروویو قرار داده شود تا به دمای مناسب برسد.»

دکتر راندال فیبوس، دکترای تخصصی، استاد ایمنی مواد غذایی در دانشگاه ایالتی کانزاس توصیه می‌کند ۴ ماده غذایی را نباید به هیچ‌وجه در مایکروویو گرم کنید.

۱ شیر خشک یا شیر مادر

ژوان بلیک استاد رشته تغذیه دانشگاه بوستون می‌گوید: «شیر خشک یا شیر مادر در مایکروویو می‌تواند باعث گرم شدن ناهموار، ایجاد نقاط داغ در شیشه شیر شود. این قسمت‌های بسیار داغ مایع می‌تواند دهان کودک را جوش بزند.»

۲ مرغ شکم پر

دکتر باربارا کوالسیک، دانشیار و مدیر موسسه ایمنی غذایی و امنیت تغذیه در دانشگاه جورج واشنگتن، می‌گوید: مرغ شکم پر هرگز نباید در مایکروویو پخته شود. او می‌گوید: «ممکن است بر روی مرغ شکم‌پر شده برچسب «آماده برای طبخ» گذاشته شود، اما شما نباید آن را فقط در مایکروویو بپزید. اگرچه مرغ ممکن است به سرعت بپزد، اما مواد داخل آن ممکن است به دمای مناسب مورد نیاز برای از بین بردن باکتری‌های مضر نرسد و خطر بیماری‌های ناشی از غذا را بالا می‌برد.

۳ طعم دهنده‌های گوشت خام یا مرغ

در حالی که مارینادها طعم فوق‌العاده‌ای به غذاهای خام و غنی از پروتئین قبل از پختن می‌دهند، نباید از مارینادِ نپخته به عنوان سس تکمیلی برای گوشت یا مرغ پخته شده استفاده کنید.

۴ غذاهای مانده بیش از یک هفته

اگر غذا به مدت هفت روز یا بیشتر در یخچال باقی مانده بود بدون شک آن‌ها را دور بریزید. غذاهای بسیار قدیمی می‌توانند رشد فساد (کپک، مخمرها) و باکتری داشته باشند.

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و بر حسب ماده ۳ قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تایید انتقال عادی و یا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارایه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۰۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ حبیب اله رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۱۳۷ صادره از دولت آباد بشماره ملی ۶۶۰۹۴۸۱۷۳۳ در ۱۳ حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی

۲-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۰۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ ریحانه رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۵۸۹۷ صادره از اصفهان بشماره ملی ۰۰۳۶۰۷۴۲۸۴ در ۶ حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع. خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی.

۱- رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ ولی الله رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۱۴۹۳ صادره از اصفهان بشماره ملی ۱۲۸۶۳۵۰۶۹۷ در ۱۳ حبه مشاع از یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی.

۲-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۱۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ حسین رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۸۶۳ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۳۲۷۸۴۴ در ۱۳ حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی.

۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ مریم رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۲۱۵۵ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۷۲۵۱۲۲ در ۶ حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی.

۲-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ علی رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۲۱۰ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۶۱۱۸۹۵ در ۱۳ حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی.

۱- رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۳۱۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ فاطمه رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۳۴۲ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۴۳۵۸۴۱ در ۶ حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۸۷/۶۹ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی محمود رفیعی دولت آبادی

۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۴۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ حبیب اله رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۱۳۷ صادره از دولت آباد بشماره ملی ۶۶۰۹۴۸۱۷۳۳ در ۱۳ حبه و یک یازدهم مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

۲-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ ریحانه رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۵۸۹۷ صادره از اصفهان بشماره ملی ۰۰۳۶۰۷۴۲۸۴ در شش حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی .

۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ مریم رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۲۱۵۵ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۷۲۵۱۲۲ در شش حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی .

۲- رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ علی رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۲۱۰ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۶۱۱۸۹۵ در ۱۳ حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۵۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ فاطمه رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۳۴۲ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۴۳۵۸۴۱ در ۶ حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع، خریداری طی سند رسمی.

۲-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۴۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ ولی اله رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۱۴۹۳ صادره از اصفهان بشماره ملی ۱۲۸۶۳۵۰۶۹۷ در ۱۳ حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

۱- رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۲۴۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ حسین رفیعی دولت آبادی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۸۶۳ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۴۹۳۲۷۸۴۴ در ۱۳ حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۱/۰۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

مهدی صادقی وصفی
رییس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

شناسه آگهی: ۱۷۷۳۱۰۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء شماره ۱۴۴۱ و ۱۴۴۲ و ۱۴۴۳ و ۱۴۴۴ و ۱۴۴۵ و ۱۴۴۶ و ۱۴۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۵/۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی، مالکیت خانم فریبا حسنی سیچانی به شناسنامه شماره ۱۹۶۹۴ کد ملی ۱۲۸۲۶۶۶۲۸۲ صادره اصفهان فرزند سیف اله در ۶ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم فرشته حسنی سیچانی به شناسنامه شماره ۱۸۹۶۸ کدملی ۱۲۸۲۶۵۹۰۲۲ صادره اصفهان فرزند سیف اله در ۶ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم بهناز حسن سیچانی به شناسنامه شماره ۱۱۴۹ کدملی ۱۲۸۸۷۲۶۴۳۰ صادره اصفهان فرزند سیف اله در ۶ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم فرحناز حسن سیچانی به شناسنامه شماره ۲۱۶۴۷ کد ملی ۱۲۸۲۶۸۴۵۳۱ صادره اصفهان فرزند سیف اله در ۶ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم طلعت حسن سیچانی به شناسنامه شماره ۳۵۸ کد ملی ۱۲۸۸۵۶۳۸۵۱ صادره فرزند رمضان در ۹ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم مرضیه السادات ابطحی نجف آبادی به شناسنامه شماره ۶۷ کد ملی ۱۰۹۱۰۶۵۴۵۴ صادره نجف آباد فرزند سید جلال در ۲۷ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت آقای بهروز حسن سیچانی به شناسنامه شماره ۱۲۵۱ کد ملی ۱۲۸۸۷۵۸۵۶۱ صادره اصفهان فرزند سیف اله در ۱۲ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۹۸/۹۱ متر مربع پلاک شماره ۲۲۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در ازای مالکیت رسمی مشاعی اولیه و سهم الارث نامبردگان فوق مفروزی ثبتی گردیده است لازم به ذکر است مرحوم سیف اله حسن سیچانی نیز به موجب گواهی حصر وراثت شماره ۴۰۹ مورخ ۹۶/۴/۲۸ صادره از شورای حل اختلاف شعبه ۵۴ حصر وراثت اصفهان فوت نموده و ورثه ی وی شامل : فرحناز حسن سیچانی و فرشته حسنی سیچانی و بهناز حسن سیچانی و بهروز حسن سیچانی و فریبا حسنی سیچانی میباشند و متقاضیان در ملک مورد تقاضا (یعنی : خانم طلعت حسن سیجانی که از پدرش . مرحوم رمضان حسنی سیجانی (مالک رسمی) سهم الارث می برد و نیز خانم مرضیه السادات ابطحی نجف آبادی که سهم وی در ازای سند صداقیه به وی می باشد و نیز ورثه ی مرحوم سیف اله حسن سیچانی که وی فرزند رمضان حسنی سیچانی(مالک رسمی)می باشد ، شامل : فرحناز حسن سیچانی و فرشته حسنی سیچانی و بهناز حسن سیچانی و بهروز حسن سیچانی و فریبا حسنی سیچانی) در جلسه هیات حاضر و به موجب مشروحه مورخ ۱۴۰۳/۴/۲۴ اعلام نموده اند سهم هر یک از آنان در ملک مورد تقاضا بدین شرح میباشد . سهم خانم طلعت حسن سیچانی مقدار ۹ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و سهم خانم مرضیه السادات ابطحی نجف آبادی مقدار ۲۷ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و سهم هر یک از خانم ها : فرحناز حسن سیچانی و فرشته حسنی سیچانی و بهناز حسن سیچانی و فریبا حسنی سیچانی مقدار ۶ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و سهم بهروز حسن سیچانی مقدار ۱۲ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ میباشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

مهدی شبان
رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۷۷۵۴۴۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

هفت؛ سرزنده و پرمحتوا

درباره برنامه تلویزیونی «هفت» که مصافی هدفمند با سوژه دارد و یک بسته مفید برای علاقه‌مندان سینمای ایران و جهان آماده می‌کند

گروه تلویزیون
هفت صبح

از اردیبهشت امسال سری جدید «هفت» در کنداکتور شبکه نمایش قرار گرفت و هر جمعه با اجرای بهروز افخمی پخش می‌شود. مدتی است زمان برنامه از ساعت ۲۳ به ساعت ۲۲ آمده و این فرصت بهتری برای علاقه‌مندان محسوب می‌شود. «هفت» از روزی که فریدون جیرانی سنگ بنای آن را گذاشت تا حالا، بالا و پایین زیاد داشته. گاهی در اوج بوده و گاهی رکود داشته. با این همه همچنان مهم‌ترین برنامه سینمایی تلویزیون است و می‌تواند جریان‌ساز باشد. در گزارش امروز نگاهی داریم به کیفیت سری جدید «هفت»؛ برنامه‌ای که در هر قسمت نکته و حرف زیاد دارد. دکور جذاب آن را نیز نباید از یاد برد.

مورد اول | پرونده ویژه

«هفت» مشتمل بر دو بخش اصلی شامل استودیو و آیتم‌ها است. هر کدام زیرشاخه‌هایی دارند و همین تقسیم‌بندی برنامه را هدفمند و تبدیل به مجله‌ای تصویری کرده. با این روش، مخاطب می‌تواند بخش‌هایی را با تمرکز تماشا کند و احیانا سراغ بخشی که مورد علاقه‌اش نیست، نرود. هرچند همه بخش‌ها را می‌توان دید و به‌رغم برخی کاستی‌ها، نکته و موضوعی دریافت کرد. یکی از آنها «پرونده ویژه» است که مجری، از مهمانان و کارشناسان پذیرایی می‌کند تا یک مسئله مورد واکاوی قرار گیرد. نمونه شاخص، دعوت از محمدمهدی اسماعیلی است که در واپسین روزهای تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تجربیات خود را به اشتراک گذاشت و عملکرد او مورد بررسی قرار گرفت. مجری در کنار دو کارشناس، از ریز و درشت فرهنگ پرسیدند و حتی نام پرستو صالحی، معین، لغو کنسرت‌ها، حکمرانی، تصدی‌گری دولت و ... به میان آمد. کاش «هفت» به شکل دوره‌ای این کار را با وزیر جدید ارشاد، معاونان او و دیگر متولیان انجام دهد. چون در این برنامه حرف شعاری زده نمی‌شود و از تعارف خبری نیست. «هفت» بنا بر اقتضائات روز سینما، پرونده‌های دیگری را هم ورق می‌زند؛ مثل نسل زد، نظام‌نامه اکران و ... نیاز به یادآوری نیست که جریان سیال فرهنگ و سینما، نیاز به آسیب‌شناسی دائمی دارد و این، یکی از مهم‌ترین وظایف «هفت» است.

مورد دوم | آیتم‌ها

اینکه بعد از بررسی «پرونده ویژه» سراغ آیتم‌های «هفت» می‌رویم، دلیل دارد. متاسفانه برخی برنامه‌سازان، همه وجاهت را به استودیو می‌دهند؛ درحالی که اصول کار این است که از آیتم‌ها برای تنوع و پیش بردن مباحث کمک گرفت. در «هفت» چند آیتم در خدمت سوژه هستند؛ مثل معرفی مهمان و کارنامه او، مرور اتفاقات مربوط به مباحث و ... این میان برنامه‌ها علاوه بر بهره‌مندی از ساختار مناسب، محتوایی حساب شده دارند. «هفت» بخشی دارد به نام اسپویل با فرشاد حسنی که به شکل ویژه، به موضوع اصلی برنامه گریز می‌زند. مثلا از فیلم‌های کارآگاهی می‌گوید. یا وقتی نوبت به نقد «پرویزخان» می‌رسد، موضوع به فیلم‌های فوتبالی اختصاص می‌یابد. یا به بهانه اکران «ساعت شش صبح» فیلم‌هایی با موضوع گروگان‌گیری سوژه می‌شود. «هچل هفت» مجید افشاری (کمدین) هم جذاب است که بر پایه شوخی بنا نهاده شده. شاید برخی اساسا عملکرد افشاری را نپسندند ولی او کارش را به خوبی انجام می‌دهد. در برنامه آیتم‌های روتین و همیشگی مثل نظر مردم درباره یک فیلم هم هست.

مورد سوم | مهمانان

علاوه بر «پرونده ویژه» که پذیرای کارشناسان و مسئولان است، شاهد حضور کارگردانان در میز گفت‌وگوی سینمای ایران هم هستیم. این اتفاق خوبی است که در کنار نقد فیلم‌ها، صاحبان آثار هم فرصت دفاع از فیلم‌شان را دارند... روزگاری «هفت» میزبان چهره‌ها بود و حتی کسانی مثل رخشان بنی‌اعتماد، بهرام رادان و ... در این برنامه حاضر می‌شدند. زمانه و نیز شرایط تلویزیون تغییر کرده است و می‌توان درک کرد چرا این وجه از «هفت» کمرنگ شده. با گسترش پلتفرم‌ها، تلویزیون دیگر برای خیلی از چهره‌ها اولویت نیست. با این همه اما مسیر «هفت» به گونه‌ای است که مهمانان مرتبط، سوژه‌ها را قوام می‌دهند. چه کارگردان؛ چه مسئول و... در این میان حضور ایرج طهماسب به عنوان کسی که کم تن به مصاحبه می‌دهد یک امتیاز ویژه برای «هفت» است. امیدواریم این وجه از برنامه نیز با تدبیر و راهکار تقویت شود تا مخاطبان دیگری هم به دایره همراهان «هفت» اضافه شوند.

توئیت بازی

تحلیل «بازی تاج و تخت» در شبکه چهار

«امتداد» نام برنامه شبکه چهار است که جمعه‌ها روی آنتن می‌رود و از نگاه فلسفی به بررسی موضوعات مختلف می‌پردازد. در قسمت اخیر نوبت به تحلیل سریال «بازی تخت و تاج» رسید که بخش پایانی آن حاشیه آفرید. تی‌وی بان در این باره نوشت: «مجری و کارشناس برنامه «امتداد» سریال «بازی تاج و تخت» را از منظر فلسفی بررسی کردند و رفتند. منتظر تیتراژ پایانی بودیم که نریتور، صحبت از ولایت «الله» کرد و بعد از آن نوای یا حیدر و اذان پخش شد! هدف سازندگان برنامه این بود که بگویند در بازی سیاست و قدرت، اصالت از آنِ خداوند است و برگزیدگانش. «امتداد» محصول مرکز سیمرغ است؛ همان جایی که مدیران فعلی راه‌اندازی کرده‌اند و شعار تحولی‌شان گوش‌ها را کر کرده است. در عمل اما تلویزیون ایدئولوژی‌زده‌تر شده و این مورد جدید، نوبر است و حیرت‌آور. سازندگان برنامه «امتداد» پیش خود چه فکری کردند؟ خواستند با پخش اذان و نوای یا حیدر، اثرات مخرب «بازی تاج و تخت» را از ذهن ایرانی‌ها پاک کنند؟ آخر، مجری و کارشناس عقیده داشتند: «تحت تاثیر قدرت نرم سریال هستیم!» می‌دانیم که سریال، صرفا سویه سرگرمی ندارد و سرشار از نکات فرامتن است. گیرمان گره زدن بی‌مورد سریال به امور اعتقادی و معنوی است.

کامنت‌ها

احمد رنجبر: انتقاد وارد است! بعد از خواندن این نقد، «امتداد» را دیدم و با گفته‌های مجری (رامین پورمند) و کارشناس (سهیل سلیمی) همراه شدم. فارغ از پذیرش یا رد نظرات آن‌ها، بخشی از صحبت‌شان قابل تامل است و حتی ممکن است عده‌ای که اطلاع کافی درباره فرامتن «بازی تاج و تخت» ندارند، دست به مطالعه بزنند. جمع‌بندی آخر برنامه اما عجیب بود و غیرقابل هضم.

محمد صابری: برنامه «امتداد» از آن تولیدات عجیب تلویزیون است؛ برنامه‌ای با ایده‌ای جذاب که اتفاقا در اجرا هم به‌واسطه آیتم‌های میانی، به خوبی می‌تواند مخاطب خود را شکار کند اما در پایان همین مخاطب به هیجان آمده را چنان به دیوار واقعیت می‌کوبد که ناگهان به یاد بیاورد در حال تماشای صداوسیمای ایران است! حیف و افسوس از انرژی و ایده‌هایی که اینگونه به هدر رفته و می‌رود!

دیدنی‌های امروز

برنامه	قالب	ساعت	شبکه
چین - عربستان	مقدماتی جام جهانی	۱۵:۳۰	آنتن/نماوا/فیلیمو
امارات - ایران	مقدماتی جام جهانی	۱۹:۳۰	سه
طهران روزگار نو	فیلم سینمایی	۲۱	نمایش
هلند - آلمان	لیگ ملت‌های اروپا	۲۲:۱۵	سه/آنتن
انگلیس - فنلاند	لیگ ملت‌های اروپا	۲۲:۱۵	آنتن/نماوا/فیلیمو
مجارستان - بوسنی	لیگ ملت‌های اروپا	۲۲:۱۵	آنتن/نماوا/فیلیمو

پیشنهاد ویژه

آسمان غرب

پخش: فیلم نت | اکران آنلاین
کارگردان: محمد عسگری
تهیه‌کننده: حبیب والی‌نژاد
بازیگران: میلاد کی‌مرام، امیرحسین آرمان، نادر فلاح، آرمین رحیمیان، کریم امینی، روح‌الله زمانی، راهله لطفی، محمدرضا صولتی، پیام اینالوئی، تورج الوند، نسیم ادبی و...

محمد عسکری نویسنده و کارگردان فیلم «آسمان غرب» است که سال ۱۴۰۱ با کارگردانی فیلم سینمایی «اتاقک گلی» در جشنواره حضور داشت. فیلمی که در بستری عاشقانه آغاز می‌شد و به عملیات مرصاد می‌پرداخت، او حالا تجربه‌ای دیگر در این حوزه و این‌بار در هوانیروز دارد. «آسمان غرب» در قالب یک اکشن جنگی-هوایی، روایتی قهرمان‌محور از شهید علی‌اکبر شیرودی، خلبان هوانیروز ارتش و گروه هم‌رزمانش را در روزهای نخست و غافلگیرانه شروع جنگ در غرب کشور برای حفظ وطن به تصویر می‌کشد. «آسمان غرب» در جشنواره چهل و دوم فیلم فجر نامزد ۶ سیمرغ و برنده ۳ سیمرغ بلورین از جمله جایزه بهترین فیلم از نگاه ملی شد. در این فیلم میلاد کی‌مرام در نقش شهید شیرودی، امیرحسین آرمان در نقش شهید ادبیان و آرمان رحیمیان در نقش شهید همدانی ایفای نقش کرده‌اند. «آسمان غرب» را ببینید؛ هرچند به زعم غالب منتقدان، آنچه تبدیل به پاشنه آشیل فیلم شده، حجم بالای پروداکشن آن است. تعداد زیاد تانک و نفربری که ارتش در اختیار فیلم گذاشته بود، گویی آنقدر کارگردان جوان را به هیجان آورده که فرصتی برای شخصیت‌پردازی و قصه‌گویی برایش نمانده بود!

آنالیز

چالش دورهمی مدیری باقی است

روز گذشته سید محمدرضا خوشرو، مدیر شبکه نسیم در نشستی خبری حاضر شد و از برنامه‌هایی جدید خبر داد. او همچنین از عدم رفع مشکل «دورهمی» مهران مدیری گفت.

منظر اول | مشکل دورهمی «مشکل برنامه «دورهمی» آقای مدیری نیست. آقای مدیری برای کارهای نمایشی قرارداد بسته است. مسئله یک گیر اداری با تهیه‌کننده است که اگر حل بشود فصل پنجم پخش می‌شود.» این صحبتی است که مدیر شبکه نسیم درباره «دورهمی» انجام داد. خاطرتان هست که مهران مدیری بعد از درگذشت مرحوم مهسا امینی یک ویدئو منتشر کرد و گفت تلویزیون اجازه حتی یک فریم از «دورهمی» را ندارد. مدیری بعد از یک دوره حاشیه فزاینده، مسابقه «اسکار» را برای فیلیمو ساخت. در ادامه سراغ اجرای «گل یا پوچ» رفت که پخش آن در فیلیمو ادامه دارد. این وسط تهیه‌کننده «دورهمی» از یک جریمه سنگین گفت و بقیه ماجرا. صحبت‌های اخیر خوشرو هم نشان می‌دهد مسئله به خود مدیری مربوط نمی‌شود و مشکل حقوقی است. کما اینکه چند ماه پیش اعلام شد مدیری قصد ساخت یک سریال تلویزیونی را دارد. احتمالا این اتفاق بعد از فراغت او از سریال خانگی «پدر قهوه» رخ دهد.

منظر دوم | برنامه‌های نسیم مدیر شبکه نسیم درباره برنامه‌های جدید گفته است: فصل جدید «بگو بخند» از اول مهر آغاز می‌شود. «سرنخ» نیز با اجرای کامران تفتی روی آنتن می‌رود. «مسابقه بی‌سابقه» شبیه «مسابقه هفته» مرحوم منوچهر نوذری است که با اجرای فرزاد حسنی در مرحله پیش تولید است. «برمودا» با اجرای کامران نجف‌زاده در حال تولید است. برنامه «نوآ» در حوزه خیاطی و مد برای بانوان از اول مهر روی آنتن می‌رود. فصل جدید «کودک شو» نیز تا اواخر پاییز روی آنتن است و از شب یلدا متفاوت می‌شود. «هزار و یک» با محوریت شخصیت جناب خان در مرحله ساخت دکور است و برآورد ما این است که مورد استقبال قرار می‌گیرد. بخشی از برنامه پیرامون اعداد است. با هنرمندان مطرح کشور مذاکره صورت گرفته است و تا اواخر مهر به آنتن می‌رسد. برنامه «خوش‌نمک» یک رقابت خودمونی بین بانمک‌ها است که سلبریتی و رنگ و لعاب اضافه ندارد و پخش می‌شود.

عدد بازی

02

مسعود روشن‌پژوه مجری محبوب مسابقه محله به عنوان مهمان ویژه فصل دوم جوکر ۲ معرفی شد. اسامی دیگر شرکت‌کنندگان نیز به زودی اعلام می‌شود. رئالیتی‌شو جوکر، کاری از احسان علیخانی است که به شکل هفتگی از پلتفرم فیلیمو منتشر می‌شود.

03

برنامه تلویزیونی «برپا» به کارگردانی علی زندی و تهیه‌کنندگی سیدحمید امامی پس از پخش ۲ فصل در شبکه نهال، درحال آماده‌سازی برای ساخت فصل سوم است. طبق اعلام روابط عمومی برنامه، «برپا» همزمان با شروع پاییز و فصل مدارس از کانال نهال پخش خواهد شد.

رصدخانه

یادآوری روز | «طوبی» مثل «پس از باران» شد

در قسمت سی‌ام سریال «طوبی» به کارگردانی سعید سلطانی شاهد ازدواج دوم فخرالدین (امین زندگانی) بودیم. او به ازدواج با آنیه (سودابه بیضایی) تن داد تا جان خانواده و همسرش طوبی (شبنم قربانی) نجات یابد! با این اتفاق خاطره سریال قدیمی سعید سلطانی یعنی «پس از باران» تکرار شد. آنجا ارباب (محمود پاک‌نیت) برای فرزنددار شدن سراغ ازدواج با خانم کوچیک (مرجان محتشم) رفت. حالا اما پای جان در میان است. باید دید این اتفاق چطور به خدمت درام در خواهد آمد. سریال «طوبی» که از شبکه سه پخش می‌شود، حکایت رنج و محنت یک زن ایرانی است که از سر اجبار به کشور عراق رفته اما گویا قرار نیست روی آرامش ببیند. این حجم درد و غم طوبی یادآور سریال دیگر سعید سلطانی یعنی «ستایش» است! چند روز پیش در گزارشی شباهت‌های هر دو سریال را مرور کردیم.

تمجید روز | «گل یا پوچ» از نگاه قاسم‌خانی

مهراب قاسم‌خانی متنی در ستایش برنامه «گل یا پوچ» نوشت. در بخشی از آن آمده: من بیننده رئالیتی‌شوها و گیم‌شوهای ایرانی نیستم که بتونم بگم «گل یا پوچ» بهترین برنامه از این نوعه که ساخته شده، ولی در همون حد یکی - دو قسمتی که از بعضی برنامه‌های مشابه دیدم، «گل یا پوچ» برام از هر چیزی که تا حالا دیدم، جذاب‌تره. چرا؟ از نظر من اینکه یه برنامه مشابه برنامه‌های خارجی باشه ضعف محسوب نمیشه، ولی این برنامه در کنار اورجینال بودن، طراحی دقیق و حساب شده‌ای داره و قوانینی که به این بازی سنتی اضافه کرده، نه‌تنها باعث شلوغی و شلختگی نشدن، بلکه به هیجان و جذابیتش هم اضافه کردن. حضور آدم‌هایی که کارشون رو بلدن و توش تخصص دارن، برگ برنده اصلی این کاره و این نشون‌دهنده جسارت سازندگان این برنامه‌ست که برای جذب مخاطب دنبال چهره‌های شناخته شده نرفتن.

یاد بود روز | سه چهره سفر کرده در «باغچه مینو»

سریال طنز «باغچه مینو» به کارگردانی رضا صفدری و تهیه‌کنندگی محمد کاشانی محصول سال ۱۳۸۲ است که به تازگی و برای چندمین بار در کنداکتور شبکه آی‌فیلم قرار گرفته. در این سریال زنده‌یادان فتحعلی اویسی و رضا داوودنژاد بازی دارند. همچنین کارگردان آن مرحوم رضا صفدری است که در مقام مجری نیز خاطرات زیادی برای مردم رقم زد. او با کمدی نود شبی «باغچه مینو» یک سریال محبوب ساخت که بازپخش آن نشان می‌دهد چرا سریال مورد توجه طیف زیادی از مخاطبان قرار گرفته بود. هرچند نقدهایی جدی با عینک زمانه اکنون می‌توان به سریال وارد کرد... سیدجواد رضویان، طیبه ابراهیم، بیژن بنفشه‌خواه، سیاوش چراغی‌پور و ... از جمله بازیگران این سریال هستند. راستی ترانه محبوب و نوستالژیک «می‌زند باران به شیشه» را فتحعلی اویسی برای همین سریال خواند که در تیتراژ پایانی مورد استفاده قرار گرفت.

کلاسیک‌ببینیم

کریمر علیه کریمر / رابرت بنتون / ۱۹۷۹
مدیسا مهراب‌پور

زنان بدون مردان و مردان بدون زنان

۱ در انتهای دهه هفتاد، وقتی انرژی و بیرانگر جامعه آمریکا کمی فروکش کرده و آتش بسیاری از نزاع‌های سیاسی نظیر بر سر واترگیت و جنگ ویتنام، خاکستر شده و جنبش‌های اجتماعی مهم مانند برابری‌خواهی جنسیتی و نژادی، تا حدودی به‌ثمر نشسته، فیلمی ماند «کریمر علیه کریمر» داستانش را بر مبنای گفت‌وگو پیش می‌برد نه شوربدن علیه نظم سینماتیک.

۲ این وجه تمایز «کریمر علیه کریمر» با بسیاری از فیلم‌های مطرح دیگر دهه هفتاد است. انگار نویسنده «بانی و کلاید» با این فیلم پیشنهاد جدیدی برای جامعه آمریکا داشته باشد. این فیلم نتیجه گذار از سینمای دیوانه‌وار دهه هفتاد به عصر جدید هالیوود است که در آن قدرت استودیوها و مدیریت هنری کارگردانان و فیلمسازان بر اساس عناصر خلاقه هنری، به موازنه‌ای نسبی می‌رسد. درست شبیه خود «کریمر علیه کریمر» که نهایتا در ادامه همه جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنانه که از اواسط دهه شصت آغاز می‌شوند، سعی دارد به موازنه و تعادلی میان زن و مرد قسمه در بحث زناشویی برسد.

۳ از این نظر «کریمر علیه کریمر» فیلمی به‌غایت روشنگرانه است که نه اسیر جو و فضای غالب فمینیستی می‌شود و نه به مناسبات کلاسیک مردسالارانه تن می‌دهد. فیلمی که حق را برای هر دو طرف قائل است. هم جوانا محق است برود و هم تد این حق را دارد که برای حفظ خانه و خانواده حتی بدون وجود جوانا بجنگد و همه تلاشش را بکند. جوانا خانه و خانواده را ترک می‌کند، چرا که سال‌هاست تنها مادر و در خانه خودش و میان عزیزترین کسانش استثمار شده (البته که نه تعمدی و ناخودآگاهانه اما این اصل ماجرا را تغییر نمی‌دهد). چیزی جر «درون خانه» برای زندگی‌اش باقی نمانده و این در حالی است که پیش از ازدواج کار می‌کرد و زندگی اجتماعی پویایی داشت. او به نقطه‌ای رسیده که حتی فرزندش را هم رها کند. فیلم تصویری از رفتن و بازگشت جوانا برای گرفتن حضانت فرزندش نشان می‌دهد که تماشاگر با او همراه شود. شاید تصمیماتش مورد پسند تماشاگر نباشد اما نمی‌تواند او را بابت ترک خانه تماما مقصر بداند.

۴ از سوی دیگر رابرت بنتون نسبت به تد هم رویکرد مشابهی دارد. هرچند در ابتدا این تد است که با غرق شدن در کارش و وقت نگذاشتن برای خانه، مقصر اصلی این فاصله بنظر می‌آید، تماشاگر به‌مرور متوجه می‌شود که او هر کاری کرده برای خانواده بوده و هرگز نفهمیده چطور دارد روز به روز از همسرش دور می‌شود. در دوران اوج‌گیری فمینیسم، در میان همه جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنانه که مردان را مقصر اصلی عدم پیشرفت زنان می‌دانند و آن‌ها را شماتت می‌کنند، در دورانی که تصویر عمومی که ناخودآگاه جمعی جامعه آمریکا از مردان ساخته، سیه‌تر و بی‌رحمانه‌تر از هر وقت دیگری است، «کریمر علیه کریمر» در نیمه دوم خود نقطه بر عواطف پنهان مردانه تاکید می‌کند و این برگ برنده فیلم است.

۵ در جهان «کریمر علیه کریمر» فقط زنان نیستند که عاطفه مادرانه دارند، همان‌طور که فقط مردان نیستند که به‌دنبال پیشرفت‌های اجتماعی بزرگ هستند. خانه‌داری و بزرگ کردن فرزند برای جوانا کافی نیست و به همین دلیل می‌رود تا خود و زندگی واقعی‌اش را پیدا کند. تد بعد از رفتن او می‌فهمد که تمام این مدت چطور بر احساسات پدرانه خود سرپوش گذاشته و هم خودش و هم فرزندش را از آن محروم کرده است. نکته مهم «کریمر علیه کریمر» این است که جانب هیچ‌کدام از کارکترهایش را نمی‌گیرد و جایی در میان آن‌ها سعی دارد، فقدان‌های عاطفی هر کدام را بازنمایی کند.

۶ نتیجه چنین برخوردی با کارکترها در نهایت، در میان همه دادگاه‌بازی‌ها و دشمنی‌ها، رسیدن به یک نقطه نظر انسانی و فهم مشترک است. از آن لحظه پرتنش اولین ملاقات در رستوران بعد از بازگشت جوانا، شخصیت‌ها در دادگاه، در میان دعوای وکلای خود برای پیروز شدن در پرونده به هم دلداری می‌دهند (صحنه‌ای را به یاد بیاورید که وکیل تد از جوانا می‌پرسد آیا در زندگی مشترک‌تان شکست خورده و تد به او اشاره می‌کند که این طور نیست و آن‌ها با نگاه و میمیک صورت باهم درباره شکست عاطفی‌شان، لحظه‌ای خلوت می‌کنند). و در انتها این فهم مشترک است که بر دادگاه و قانون پیروز می‌شود.

۷ «کریمر علیه کریمر» در مقایسه با فیلم‌هایی که متاثر از آن ساخته شدند، هنوز هم یک سروگردن بالاتر است. «داستان ازدواج» یکی از آخرین نمونه فیلم‌ها درباره طلاق است که شدیدا از «کریمر علیه کریمر» ملهم شده. چه در سویه‌های فمینیستی (زوجی که در کار طراحی هنری هستند حالا بدل به کارگردان و بازیگر شده‌اند و زن بعد از ازدواج و مادر شدن کارش را تا اندازه زیادی محدود کرده و به امور خانه مشغول شده و حالا احساس پوچی می‌کند) و چه در ایستادن در کنار مرد و همراهی با او تا بتواند نشان دهد که هر دو طرف محق هستند(در «داستان ازدواج» هم کار مرد به‌خاطر بدست آوردن فرزندش، دستخوش تغییرات اساسی می‌شود). و در تنه اصلی فیلم هم دادگاه‌بازی‌ها و جدال‌های وکیلان بر سر گرفتن حق حضانت، یاد اور فیلم رابرت بنتون است. اما در فیلم نوا بامیک کارکترها نمی‌توانند خود و زندگی‌شان را از منجلاب قانون‌های خدانسانی بکشند بیرون، در حالی که جوانا در پایان «کریمر علیه کریمر» با پاگذاشتن روی میل شدید مادرانه خود در راستای رفتار و منش انسانی، دست به عملی شورشی‌تر از هر شورشی در فیلم‌های افسارگسیخته دهه هفتادی می‌زند.

اهمیت حساسیت واژه‌ها

درباره حامیم که پدیده سال‌های اخیر موسیقی پاپ ایران است

این که چند سال است وارد مارکت موسیقی شده و چند آهنگ خوانده، مهم نیست. حالا دیگر خیلی‌ها، نامش را می‌دانند و اگر هم ندانند، حتما چند آهنگش را شنیده‌اند. حامیم از پدیده‌های ساکت موسیقی ایران است که به‌خصوص در این روزها، نظرش کم پیدا می‌شود.

مارکت این روزهای موسیقی ایران به سمت‌وسویی رفته که عمده خواننده‌های آن با شاخصه‌های اغراق‌شده در صدا و کارا کترشان سعی در به‌دست آوردن شهرت و محبوبیت می‌کنند. یکی روی استیج با لباس‌های عجیب‌وغریب ظاهر می‌شود.

دیگری سعی می‌کند صدایش را خشک و بم نشان دهد تا از این طریق بتواند نامش را در ذهن مخاطب تک کند. حامیم اما کاملا سیاستی متضاد با سیاست‌های بازار موسیقی را در پیش گرفته. خواننده‌ای که صداسازی نمی‌کند، با بالا و پایین کردن صدایش هم توجه مخاطب را به خود معطوف نمی‌کند. صدای او کاملا در اختیار داستان آهنگ‌هایش است. ظریف می‌خواند و حساسیت واژه‌ها را می‌توان از لحن و بیانش فهمید. تحریرهای وی، ظرافت‌های خاص خود را دارد و به جزئیات آوازش اهمیت می‌دهد. او بر خلاف اکثر خواننده‌های این روزها در مرحله میکس صدایش را بیش از حد جلوتر از دیگر اجزای موزیکش قرار نمی‌دهد و به مخاطب اجازه می‌دهد همه اجزا و جزئیات اثر را بشنود.

اکثر آثار حامیم، احساسی است و احساس در آن‌ها حرف اول را می‌زند. بیشترین حسی که از ترانه شناسی‌اش دریافت می‌کنید، حس حسرت است که نخ تسبیح بیشتر آهنگ‌هایش است. در ترانه‌هایش معمولا اصل داستان مشخص نمی‌شود و از نقطه A به نقطه B نمی‌رود. مخاطب هم در این شرایط می‌تواند با ترانه حامیم قطعات بعد از چند هفته متوالی که دیرنی یا «درون و بیرون ۲» و «دیدول و لوورین» صدر جدول فروش را در اختیار داشتند، وارنر با «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» باکس آفیس را فتح کرد و به استقبال پاییز رفت. بعد از تقریبا یازده سال که تیم برتون از دوران اوج خود فاصله گرفته بود و عموما فیلم‌هایش در جلب رضایت تماشاگران و منتقدان ناکام می‌ماند، با دنباله «بیتل‌جوس» هم امتیازات بالایی را دریافت کرده و هم ظرف سه روز اول اکران ۱۴۵ میلیون دلار در سراسر دنیا فروخته که در مقایسه با بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری فیلم، می‌توان سود اوری آن را قطعی دانست. نکته جالب توجه در بررسی آمار فروش فیلم این است که هفتاد و پنج درصد از مجموع فروش «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» به سینماهای خارج از آمریکای شمالی تعلق دارد. بخش مهمی از موفقیت «بیتل‌جوس» جدید را باید مدیون آلفرد گاف و مایلز میلار دانست که بعد از احیای برتون با سریال «نوزدی»، حالا دنباله‌ای جذاب را نوشته‌اند برای فیلمی که این کارگردان خلاق را در ده هشتاد به هالیوود شناسانده بود. ضمنا نباید از محبوبیت جدا ارتگا هم غافل شد که نسل جدیدی از مخاطبان را با دنیای عجیب و غریب برتون آشنا کرده است.

در حالی که فعلا سالن‌های سینما به تسخیر این روح خبیث و چغندی در آمده، توجه همه به جشنواره فیلم تورنتو و تلویراید جلب شده و فیلم‌های جدیدی که در ادامه سال بیشتر از آن‌ها خواهیم شنید. از جمله می‌توان به «سگ شب» ساخته ماریل هلر و با نقش آفرینی ایمی آدامز اشاره کرد که شاید این بازیگر را به اولین جایزه اسکارش برساند، «آخرین شوگرل» ساخته جیا کوپولا (نوه بزرگ خاندان کوپولا) که با نقش آفرینی پاملا اندرسون و دیو باتیستا می‌تواند یکی از پدیده‌های امسال باشد، «شنبه شب» جیسون رایتمن که داستان شکل‌گیری شوی کمدی SNL را روایت می‌کند، «ما در زمان زندگی می‌کنیم» که عاشقانه‌ای است نامتعارف با نقش آفرینی اندرو گارفیلد و فلورنس پیو و فیلم جدید رن هاوارد که هنوز به نمایش درنیامده است. هفته آینده با پایان یافتن جشنواره تورنتو و معرفی برگزیدگان، نقشه راه فصل جوایز شفاف‌تر خواهد شد.

خبر مهم تنقیلکس در هفته گذشته، بازگشت دیوید فینچر به عرصه فیلمسازی با یک پروژه تازه بود. فینچر علاوه بر سریال پیش‌درآمد «محله چینی‌ها» که توسط رابرت تاون نوشته شده، نسخه آمریکایی «بازی مرکب» و بازسازی یا اقتباس دوباره از «بیگانگان در قطار» که از سال‌ها قبل مشغول کار روی آن است و همین‌طور دو سریال «کارچی ذهن» و «عشق، مرگ و ربات‌ها» که فعلا اطلاعی از وضعیتشان در دسترس نیست، تصمیم گرفته که بیروت (Bitterroot) را جلوی دوربین ببرد؛ یک وسترن جنایی با حال‌وهوایی نزدیک به «نایت‌خزنده» اثر کلینت ایستوود که می‌تواند تجربه‌ای متفاوت در کارنامه فینچر باشد. داستان درباره یک گله‌دار پیر تورنتو و معرفی برگزیدگان، نقشه راه فصل جوایز شفاف‌تر خواهد شد.

کیوان حسینیان | جشنواره ونیز به پایان رسید و پدرو آلمودوار با اولین فیلم بلند انگلیسی‌زبان خود برنده شیر طلایی شد. اما همچنان رسانه‌های سینمایی در گرید رویداد مهم در آمریکای شمالی یعنی جشنواره تلیوراید و تورنتو هستند و اکتشاف پدیده‌های مهم و مدعیان فصل جوایز ادامه دارد. در سمت دیگر، «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» دومین افتتاحیه بزرگ تاریخ در ماه سپتامبر را رقم زد و این خبر خوش را به طرفداران تیم برتون داد که فیلمساز محبوب و خلاقشان هنوز زنده است و با بازشستگی فاصله زیادی دارد. اتفاقا چند فیلمساز هم‌نسل برتون هم با رونمایی از پروژه‌های جدید خود در هفته گذشته خبرساز شدند.

تیم برتون باز می‌گردد

در گوشه و کنار دنیای سینما چه می‌گذرد؟

دیگر پروژه‌های تنقیلکس خواهد بود. البته با توجه با سابقه و سخت‌گیری‌های او از حقایقی باخبر می‌شود که اصلا انتظارش را ندارد. همین باعث شده که اکثر گمانه‌زنی‌ها به سمت ایده «محقق جدید» برود که در فیلم اول هم تاثیرات و نشانه‌هایی از آن دیده می‌شد. این محقق زیرزمینی که تقریبا از ده، پانزده سال پیش به خط داستانی کامیک‌های بتمن اضافه شده، به سازوکاری شبیه فراماسونری اشاره می‌کند که مربوط به اعداد گوگله‌کنده شهر که در همه چیز دست دارد. جالب اینجاست که خاندان وین هم به این محفل در گذشته نزدیک بوده‌اند. ریوز همچنین توضیح داده که «پنگوئن» همان فضای «بتمن» را دنبال می‌کند، فقط به واسطه کارآکتر پنگوئن به کف خیابان‌های بتمن برای مقابله با سیاهی و فساد در شهر به جاهای تازه‌ای سرک می‌کشد و از حقایقی باخبر می‌شود که اصلا انتظارش را ندارد. همین باعث شده که اکثر گمانه‌زنی‌ها به سمت ایده «محقق جدید» برود که در فیلم اول هم تاثیرات و نشانه‌هایی از آن دیده می‌شد. این محقق زیرزمینی که تقریبا از ده، پانزده سال پیش به خط داستانی کامیک‌های بتمن اضافه شده، به سازوکاری شبیه فراماسونری اشاره می‌کند که مربوط به اعداد گوگله‌کنده شهر که در همه چیز دست دارد. جالب اینجاست که خاندان وین هم به این محفل در گذشته نزدیک بوده‌اند. ریوز همچنین توضیح داده که «پنگوئن» همان فضای «بتمن» را دنبال می‌کند، فقط به واسطه کارآکتر پنگوئن به کف خیابان‌های گاتام می‌رویم و شاهد جنگ قدرت پس از قتل کارمن فالکون هستیم. پخش «پنگوئن» از هفته آینده بر روی اچ‌بی‌او آغاز خواهد شد.

همان‌طور که هفته گذشته شاهد بودید، بخش زیادی از حواشی جشنواره ونیز مربوط می‌شد به شیطنت‌های جرج کلونی و برد پیت روی فرش قرمز و در جریان نشست خبری و فوتوکال فیلم «گرگ‌ها». ظاهرا همکاری مجدد چنان برای این دو ستاره لذت‌بخش بوده که تصمیم گرفته‌اند تا «چهاره» یا «اوشن-۱» را هرچه زودتر روی ریل بیندازند و دوباره رفقای سابق را برای یک ماجراجویی دیگر در هم جمع کنند. جرج کلونی قبلا اشاره کرده بود که از سال ۲۰۱۷ روی چند ایده برای ادامه مجموعه فیلم‌های «اوشن-۱» کار کارگردان جدید می‌گردند و فعلا به دست چشمان ادوارد برگر را گرفته که با مینی‌سریال «پاتریک ملرز» و نسخه جدید «در جبهه غرب خبری نیست» به یکی از فیلمسازان تراز اول تبدیل شده و خیلی‌ها دنبال کار کردن با او هستند. تا جایی که حتی گفته می‌شود برگر یکی از گزینه‌های اصلی برای کارگردانی جیمز باند بعدی است. حال باید دید که برگر به همکاری رضایت می‌دهد یا نه اما مسئله بعدی اضافه شدن نفرات جدید به جمع یاران اوشن است که در سال‌های گذشته تعدادی از آن‌ها به دیار باقی شتافته‌اند و جایشان خالی شده.

در دنیای تلویزیون هم فعلا «حلقه‌های قدرت» سوژه جدید کاربران شبکه‌های اجتماعی است و طرفداران تالکین هفته به هفته نسبت به این اقتباس و بازآفرینی از دنیای «ارباب حلقه‌ها» واکنش نشان می‌دهد. مراسم مربوط به جوایز فنی و آثار روزانه (دی‌تایم) امی هم این هفته برگزار شد تا مقدمه‌ای باشد بر مراسم اصلی و رقابت میان آثاری چون «خرس»، «شوگان»، «رپیلی» و «بچه گوزن».

شیرها هم پرواز می‌کنند!

مروری بر فیلم‌ها و پدیده‌های جشنواره ونیز ۲۰۲۴

اشکان جاویدی | شاید بوسه پدرو آلمودوار بر شیر طلایی خیلی‌ها را غافلگیر کرده باشد اما این تنها سور پرایز مهم ونیزی‌ها برای اهالی سینما در روزهای آخر تابستان نبود. هشتادویکمین جشنواره فیلم ونیز در روزهای گذشته به کار خود پایان داد و طبق روال چند سال اخیر شاهد نمایش تعداد زیادی از فیلم‌های جذاب و کنجکاوی برانگیز بودیم که احتمالا چندمورد از آن‌ها در فصل جوایز دوباره خبرساز خواهند شد. ونیز امسال تلافی جای خالی ستاره‌ها در سال گذشته (به دلیل اعتصاب انجمن بازیگران) را غافلگیر کرده باشد! این تنها سور پرایز مهم ونیزی‌ها برای اهالی سینما در روزهای آخر تابستان نبود. هشتادویکمین جشنواره فیلم ونیز در روزهای گذشته به کار خود پایان داد و طبق روال چند سال اخیر شاهد نمایش تعداد زیادی از فیلم‌های جذاب و کنجکاوی برانگیز بودیم که احتمالا چندمورد از آن‌ها در فصل جوایز دوباره خبرساز خواهند شد. ونیز امسال تلافی جای خالی ستاره‌ها در سال گذشته (به دلیل اعتصاب انجمن بازیگران) را در آورد و با نمایشی شکوهمند و جذاب همه را تحت تاثیر قرار داد و لشکری از ستارگان جوان و کهنه‌کار را روی فرش قرمز قطار کرد. جالب اینجاست که اکثر آثار حاضر در جشنواره امسال هم با استقبال منتقدان مواجه شد. به غیر از فیلم‌های آمریکایی، محصولات آلترناتیو اروپایی و آسیایی هم فرصت درخشش داشتند؛ هرچند در سال‌های اخیر، جشنواره ونیز بارها متهم شده به اینکه برای دیده‌شدن هرچه بیشتر، به ویژه در رقابت با کن، به فیلم‌های جریان اصلی باج می‌دهد. به همین بهانه بد نیست که نگاهی داشته باشیم به فیلم‌های مهم و بحث‌برانگیز در جشنواره امسال که مورد توجه منتقدان و رسانه‌ها قرار گرفته‌اند. پیش از یک دهه است که ونیز حکم سکوی پرتابی را برای موفقیت فیلم‌ها در فصل جوایز پیدا کرده و با مرور اتفاقات جشنواره امسال، تا حدودی از اوضاع و احوال سینما در ماه‌های پایانی سال باخبر خواهیم شد.

اتاق مجاور
The Room Next Door

پدرو آلمودوار به‌عنوان مهم‌ترین سینماگر اسپانیایی زنده همیشه می‌تواند تمام توجهات را به خودش جلب کند، چرا که جنس سینمای او برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان خوشایند و دلپذیر است، حتی تماشاگرانی که به فیلم‌های مرسوم جریان اصلی عادت کرده‌اند. آلمودوار بعد از چند دهه فیلمسازی به زبان اسپانیایی، بالاخره اولین فیلم بلند بین‌المللی‌اش را جلوی دوربین برد و حاصل آن کسب اولین شیر طلایی برای سینمای اسپانیا بود. «اتاق مجاور» بر اساس رمانی از سیگرید نونز ساخته شده و جولین مور و تیلدا سوینتون در نقش‌های اصلی درخشیده‌اند؛ اتفاقی که دور از ذهن نبود چون همه آلمودوار را به خاطر درک عمیقش از روابط و احساسات زنانه می‌شناسند و قطعا همکاری او با دو تا از بهترین بازیگران زن دنیا می‌تواند هیجان‌انگیز باشد. «اتاق مجاور» بعد از اولین نمایش در جشنواره ونیز، بیش از ۱۷ دقیقه توسط حاضران تشویق شد که حتی در مقیاس تعارف و رسومات فیلم‌بینی هم رکورد کم‌نظیری به حساب می‌آید. ایده اصلی فیلم کنار آمدن با مفهوم مرگ و جدایی است و به همین دلیل تعدادی از منتقدان کار آلمودوار را با نوشته‌های جیمز جویس مقایسه کرده‌اند. بعد از ونیز، «اتاق مجاور» در جشنواره‌های تورنتو و نیویورک هم به نمایش درمی‌آید و با توجه به واکنش تماشاگران امریکایی، می‌توان به تخمین دقیق‌تری از وضعیت فیلم در فصل جوایز رسید.

پروتالیست
The Brutalist

یک درام تاریخی با حضور آدرین برودی در نقش بازمانده هولوکاست؛ نه، این هیچ ربطی به «پیانیست» ندارد اما شاید بعد از دو ده‌ه مهم‌ترین تجربه بازیگری برودی و یکی از غیرمنتظرترین فیلم‌های امسال باشد. بردی کوربت که عموما به‌عنوان بازیگر شناخته می‌شود، در ده‌ه گذشته به کارگردانی روی آورد و فیلم‌های بدیع و اصیلی ساخت که به دلیل دور ماندن از رقابت در فصل جوایز چندان دیده نشدند. «کودکی یک پیشوا» و «واکس لاکس» هر دو فیلم‌های رادیکالی بودند اما «پروتالیست» در عین رویکرد خلاقانه و آلترناتیو، به دلیل موضوع و نوع پرداخت این فرصت را دارد که به یکی از مدعیان فصل جوایز تبدیل شود و جایگاهی تازه را برای کوربت رقم بزند. این درام ۲۱۵ دقیقه‌ای، داستان یک معمار یهودی مجارستانی را روایت می‌کند که بعد از جنگ جهانی دوم به آمریکا پناه می‌برد و زندگی‌اش را از نو می‌سازد اما همیشه پیوندهایی با گذشته وجود دارد که قابل انکار نیستند. در سالی که ایده‌های ضدجنگ و صلح‌طلبانه حسابی مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد، «پروتالیست» تصویری بی‌واسطه و تاثیرگذار از پیامدهای جنگ ترسیم می‌کند و شبیه به یک فیلم اروپایی پیش می‌رود. با توجه به اینکه A۲۴ و فوکوس پخش‌کننده‌های فیلم هستند، باید به شانس بالای «پروتالیست» در فصل جوایز و احتمال نامزدی اسکار از این چند رشته اشاره کرد.

دختر
Babygirl

زنی میانسال در محیط کار با پسری جوان وارد رابطه می‌شود و این ارتباط برخاسته از نیازهای عاطفی و تنانه، روی تمام زندگی شخصی و حرفه‌ای‌اش سایه می‌اندازد. این خلاصه داستان یکی از فیلم‌های پرسروصدای ونیز امسال است که جایزه بهترین بازیگر زن را به دست آورد. نیکول کیدمن از همان زمانی که به‌عنوان یک بازیگر بااستعداد از استرالیا به هالیوود آمد، نشان داد که هیچ ترس و ابایی از حضور مقابل دوربین ندارد و بارها سراغ نقش‌هایی رفته که لازمه اجرای آن‌ها بی‌پروایی و نمایش تناتگی بوده. اما دخترک (بیبی‌گرل) فیلمی است که ستاره‌اش گفته از زمان تولید نگران بازخوردها و واکنش‌ها نیست که آن بوده و منتقدان نیز برای توصیف فیلم از عبارت بی‌پروا ترین تجربه بازیگری نیکول کیدمن استفاده کرده‌اند! فارغ از حواشی و بازی‌های تبلیغاتی پیرامون «دخترک»، با اثر متفاوت و بحث‌برانگیزی مواجهیم که با غیر از یک بازی درخشان، به قدر لگاهی که به مسئله جنسیت از منظر زنانه دارد، حتما در فصل جوایز مورد توجه قرار می‌گیرد و به احتمال زیاد شاهد بحث‌های مفصل میان موافقان و منتقدان فیلم خواهیم بود. هالیتا رین دانماک که بیشتر به‌عنوان بازیگر شناخته می‌شود، در سال قبل فیلم کمدی-ترسناک «بدن‌ها، بدن‌ها، بدن‌ها» را برای A۲۴ ساخت و حالا گام بزرگ‌تری را برداشته و می‌تواند یکی دیگر از اعضای موفق باشگاه استعدادیابی این استودیوی مستقل باشد.

ماریا
Maria

پابلو لارائین با موفقیت درام تاریخی - سیاسی «نه» به‌عنوان یک استعداد شناخته شد و بعد از فیلم زندگی‌نامه‌ای «نرودا» راه خودش را به شهرت بین‌المللی رساند و حالا با محوریت زنان، افسرده و آسیب‌دیده در عرصه سیاست بود؛ ژاکلین کندی و دایانا که زمینه‌ساز درخشش بازیگران اصلی فیلم‌ها یعنی ناتالی پورتمن و کریستین استوارت شد. لارائین دوباره به حوزه قدرت خود بازگشته و این بار نیز راوی سرگذشت یکی از زنان سرشناس قرن بیستم است؛ سال‌های آخر عمر ماریا کالاس خواننده مشهور آپرا. اینکه لارائین بار دیگر با فیلمنامه‌ای از استیون نایت موفقیت فیلم‌های قبلی‌اش را تکرار کند، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد اما آنچه که می‌تواند به تفاوت منجر شود، حضور متفاوت آنجلینا جولی پس از سال‌های غیبت بر پرده سینما و در نقشی است که شاید چالش‌برانگیز تجربه بازیگری‌اش در هزاره جدید باشد. جولی برای نزدیک شدن به نقش، هفت‌ماه تمرینات سنگین و فشرده خواندگی اوپرا را از سر گذرانده و مقابل دوربین نیز انگار راوی ناآرام را به کالبد خود راه داده است. اگر اتفاق خاصی نیفتد، احتمالا خانم ستاره را در میان نامزدهای جایزه اسکار بهترین بازیگر زن خواهیم دید. البته «ماریا» از سایر جنبه‌ها نیز قابل توجه خواهد بود و حضور تنفلیکس به‌عنوان پشتوانه اصلی فیلم را هم نباید فراموش کرد.

کوئیر
Queer

در قرن بیستم، جیمز باند نمادی از جذابیت مردانه عنان‌گسیخته بود و قرار گرفتن در این هیات سطح بالایی از جذبه و برنیگی را می‌طلبید. فرقی در هزاره جدید، نشان مامور ۰۰۷ رسید به دنبل کریگ، همه از تغییر زمانه و بروز خشونت بیشتر در کاراکتر جیمز باند می‌گفتند. اما بعد از بازنشستگی، ظاهرا همه دنبال شکستن این تصور ذهنی عمومی و نمایش تصویر متفاوتی از کریگ خشن و خونسرد هستند. بعد از سری فیلم‌های «چاقوهای آخته» و کاراکتر کارآگاه خصوصی بنوا بلنت، این بار نوبت لوکا گوادانینو رسیده تا با نسخه‌ای متفاوت از دنبل میانسال همه را غافلگیر کند. «کوئیر» براساس رمان کوتاهی از ویلیام اس. باروز و توسط جاستین کورنیتز کس نوشته شده که فیلمنامه «چلنجرز» گوادانینو هم کار او بود. حاصل کار به شکلی بوده که حتی قبل از اولین نمایش فیلم در ونیز، استودیو A۲۴ حق پخش آن در آمریکا را خریده است آورد و کار بر روی کمپین‌های تبلیغاتی را شروع کرد. به احتمال زیاد در فصل جوایز «کوئیر» در چند رشته مدعی و ذیل کریک هم پیش‌قراول نامزدی برای جایزه بهترین بازیگر مرد خواهد بود.

جوکر: جنون مشترک
Joker: Folie a Deux

پنج سال قبل، نمایش جوکر در جشنواره ونیز و اهدای شیر طلایی به تاد فیلیپس به‌شدت در تبدیل‌شدن فیلم به یکی از پدیده‌های ۲۰۱۹ موثر بود و موجی از کنجکاوی را در میان طیف‌های مختلفی از علاقه‌مندان به سینما ایجاد کرد. نتیجه، کسب دو جایزه اسکار و بیش از یک میلیارد دلار فروش بود. بر خلاف فیلم اصلی که با بودجه محدود و در کمال ناباوری استودیوی برادران وارنر ساخته شده بود، «جنون مشترک» از همان اول به‌عنوان پروژه مهم استودیو کلید خورد. دور از ذهن نبود که اولین نمایش فیلم مجددا در جشنواره ونیز باشد. آلبرتو باربرا هم پیش از نمایش رسمی در گفت‌وگویی شگفتی خود نسبت به فیلم را ابراز کرد و پایان‌بندی قسمت دوم جوکر را در سینمای آمریکای چند سال اخیر کم‌نظیر دانست. با این وجود بعد از تماشای فیلم، همه نمیتوانستند ناامید نباشند. در ست مانند قسمت اول، وزن میان موافقان و مخالفان فیلم تقریبا برابر است اما خیلی از کسانی که جوکر را تحسین می‌کردند، از رویکرد جنون مشترک برای ادامه داستان راضی نیستند. بعد از حوادث فیلم اول، آرتور فلیک به تیمارستان روانی آرکام منتقل شده و پخش تلویزیونی محاکمه او به محبوبیتش در جامعه دامن زده است. در این میان با اضافه‌شدن هارلی کوئین (با نقش آفرینی لیدی گاگا) و خواستن متفاوت از این کاراکتر کامیک‌بوکی) به بازی و جلسات موسیقی‌درمانی، مسیر جنون‌آمیز تازه‌ای جلوی پای آرتور قرار می‌گیرد. طبعا قسمت دوم جوکر در اکران عمومی هم موفق خواهد بود ولی برای تکرار دستاوردهای فیلم اول، کار سختی را در پیش دارد.

و...

در بخش خارج از مسابقه هم ونیز نمایش‌های پرسروصدایی داشت. از جمله می‌توان به «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» (فیلم اول باکس آفیس در این هفته) و «گرگ‌ها» با حضور جرج کلونی و برد پیت اشاره کرد که به‌زودی و بعد از اکران محدود، بر روی سرویس استریم اپل منتشر می‌شود. اما نباید «مکب مسئولیت» مینی‌سریال آلفونسو کوارون با نقش آفرینی کیت بلانشت را از قلم انداخت که احتمالا یکی از پدیده‌های پاییز امسال در دنیای تلویزیون خواهد بود و واکنش‌های قابلی و قیاسی را نشان داد که کوارون بی‌دلیل این مدیوم و برای روایت قصه‌ای تازه انتخاب نکرده است.

تمام فیلم‌هایی که در ونیز مورد تحسین و تقدیر قرار گرفتند، به جریان اصلی تعلق نداشتند و قرار نیست که کمپین‌های چند میلیون دلاری برای اکران آن‌ها در فصل جوایز راه بیفتد. «ورمولیو»، درام تاریخی مانورا دلیره که جایزه بزرگ هیات داوران را به دست آورد، اگر به‌عنوان نماینده سینمای ایتالیا به اسکار معرفی شود، حسابی مورد توجه قرار می‌گیرد. فیلمی که منتقدان ایتالیایی از آن استقبال گرمی را به عمل آورده‌اند. یا «من هنوز اینجا هستم» والتر سالس نیز که بعد از سال‌ها غیبت دوباره به فیلمسازی برگشته، مورد توجه داوران و منتقدان قرار گرفت. ساخته جدید این فیلمساز مسنعد دهه ۹۰ که بعد از موفقیت «خاطرات موتور سیکلت» به هالیوود رفت و تجربیات ناموفقی داشت، جایزه بهترین فیلمنامه را گرفت و با توجه به اینکه سوتی حق پخش بین‌المللی فیلم را دست آورده، شانس بالایی دارد تا در فصل جوایز به‌عنوان نماینده سینمای برزیل دیده شود. «اوریل» فیلم جدید دیا کولومبکاشویلی که جایزه ویژه هیات داوران را به دست آورد، برای سینمای گرجستان یک دستاورد تاریخی به حساب می‌آید اما ظاهرا نمونه دیگری است از فیلم‌هایی که روی مسائل اجتماعی بومی تمرکز دارند. داستان درباره مواعنی است که بر سر راه یک زن خواهان سقط جنین سبز می‌شود و او را به مبارزه وامی‌دارد.

داستان‌های عامه‌پسند

کسری ولایی

جایی که تابستان تمام می‌شود

هفته دو بست و هشتادویکم: درباره دو فیلم «انواع مهربانی» و «خارج از فصل»

تسخیر و تمسخر

یک فیلم آنتولوژی با سه روایت به ظاهر بی‌ربط و بازیگران ثابتی که نقش‌های مختلف را ایفا می‌کنند. یورگوس لانتیموس به قول خودش بعد از یک دهه موفقیت با فیلم‌های جدی و سنگین، فرصت ساختن «انواع مهربانی» را غنیمت شمرده تا حسابی دست به بازیگوشی بزند.

در میان سینماگران معاصر کمتر فیلمسازی را پیدا می‌کنید که درک شخصی‌اش از سینما به اندازه لانتیموس برای موافق و مخالف مستعد کژفهمی باشد. شاید با شیفتگی از نگاه معناشناسانه فیلم‌هایش حرف بزنید یا برعکس جهان‌بینی‌اش را مورد نقد قرار دهید و از فقدان عمق در روایت گلایه کنید. در حالی که هر دو رویکرد می‌تواند صرفا برآمده از سوءتفاهم و سوءتعبیر باشد. حتما شناخت بیشتر از جریان سینمایی معروف به «موج عجیب یونان» و ریشه‌های تئاتری کارهای لانتیموس به درک بهتر از فیلم‌هایش کمک می‌کند اما به طور کلی نباید از یاد برد با فیلمسازی طرف هستیم که به دنبال استهزای هر مفهوم جدی و پیچیده، با ترتیب دادن نمایشی نقض‌آمیز حول آن است. رویکردی که در «انواع مهربانی» به اوج خودش می‌رسد. چطور می‌شود فرق گذاشت بین یک کاردستی مبتدیانه و ماقبل قرار دادها و تعاریف هنری با اثری که عامدانه دست به ساختارشکنی می‌زند؟ احتمالا موقعیت جذابی است برای ارتیست‌ها تا از منتقد جماعت انتقام بگیرند و بازی بی‌رحمانه‌ای را ترتیب بدهند برای به چالش کشیدن قدرت تحلیل و استنباط مخاطب. در «انواع مهربانی» لانتیموس رویکرد شیطنت‌آمیزش نسبت به مفهوم درام را تقریبا به چنین سطحی رسانده و موقعیت‌های نمایشی عجیب و در عین حال ساده‌ای را به راه انداخته که تماشاگر را به دام می‌اندازد. عجیب نیست اگر ذهن‌تان در گیر ایده‌هایی شود مثل بقا زیر سلطه مفاهیم و ارزش‌های دیکته‌شده یا پذیرش نقش‌های تحمیلی زندگی. وقتی فیلم به پایان می‌رسد و فلسفه نامگذاری بخش‌ها را

نکته بازی

پشت پرده شعارها؟ توهم نداشته باشید!

فکرش را بکنید! تیم ملی ایران با آن همه ستاره پرمدعا و لژیونرهایی که لیگ‌برتر را در شأن خودشان نمی‌دانند، مقابل تیم رنک ۱۰۲ جهان با سلام و صلوات یک بر صفر برده و دروازه‌بانش هم به عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شده و نامش در تیم منتخب AFC هم قرار گرفته! بعد وقتی هواداران از نتیجه و کیفیت بازی ناراضی هستند و علیه سرمربی تیم ملی و بازیکنان شعار می‌دهند، یکی مثل داریوش خان مصطفوی پیدا می‌شود و می‌گوید: «شک نکنید پشت شعارهایی که در اصفهان سر داده شد، عده‌ای نشسته‌اند. کمیته انضباطی باید بررسی کند که چه کسانی به دنبال آبرو بردن بودند.» ما نمی‌دانیم منظور آقای مصطفوی از آن «عده» چیست اما به نظر ما آن «عده»، شخص سرمربی تیم ملی و بازیکنان هستند که یکی از بدترین و بی‌برنامه‌ترین بازی‌های چند سال اخیر تیم ملی را ارائه دادند. بی‌خودی دنبال آدم‌های پشت پرده نگردیم. یک روز تیمت می‌برد و به تو لقب ژنرال و خان و ... می‌دهند، یک روز هم نتیجه نمی‌گیری و حیا کن و رها کن می‌شنوی! اگر شعارهای بازی با قرقیزستان پشت پرده دارد، قطعا دادن لقب‌های آنچنانی هم پشت پرده دارد! واقعا نمی‌دانیم داریوش خان با آن سن و سال و تجربه، چطور از این حرف‌ها می‌زنند. مگر علی پروین از این شعارها نشنید؟ مگر علیه مرحوم ناصر حجازی هم از این شعارها ندادند؟ آقای مصطفوی! این اتفاق هیچ پشت پرده‌ای ندارد به جز نارضایتی از عملکرد تیم ملی! لطفا توهم توطئه نداشته باشید و ماجرا را به یک شیطنت و اتفاق پشت پرده تقلیل ندهید.

کسی نیست از هواداران عذرخواهی کند؟

یک روز بعد از بازی ایران و قرقیزستان در ورزشگاه فولادشهر اصفهان خبر رسید که شهردار اصفهان از امیر قلعه‌نویی به دلیل شعار حیا کن و رها کن هواداران عذرخواهی کرده و گفته: «کسی که باید حیا کند منم.» ما در همین ستون درباره این عذرخواهی عجیب نوشتیم و این البته فقط واکنش ما نبود و تقریبا همه رسانه‌ها و افکار عمومی هم از این حرکت جناب شهردار انتقاد کردند. یکی دو روز بعد، ویدئوهایی از اتفاقات روی سکوها در این بازی منتشر شد که واقعا ناراحت‌کننده بود. در این ویدئو مشخص بود که چند نفر که لباس‌های متحدالشکلی داشتند و ظاهرا لیدرهای رسمی تیم ملی یا فدراسیون بودند، به هوادارانی که علیه سرمربی و بازیکنان تیم ملی شعار می‌دادند حمله می‌کنند و آنها را به باد کتک می‌گیرند. راستش نمی‌دانیم هنوز کسی مسئولیت این حرکات غیراخلاقی را برعهده گرفته است یا نه! ظاهرا کسی هم نیست که از هواداران حاضر در ورزشگاه به خاطر این اتفاق عذرخواهی کند. خب برای آقایان فقط سرمربی تیم ملی مهم است. لابد هواداران اهمیتی ندارند و هر بلایی سرشان بیاید حق‌شان است. اما آنچه این اتفاق را تاسفبارتر کرد این بود که برای اولین بار در یک بازی تیم ملی این اتفاقات رخ داد. قبلا دیده بودیم که لیدرهای حامی یک مربی باشگاهی یا یک مدیرعامل یک باشگاه، در تمرینات یا بازی‌ها، چقدر وحشیانه به هواداران ناراضی حمله می‌کردند و آنها را کتک می‌زدند. اما این اتفاق در تیم ملی واقعا نوبر بود! دست مسئولان فدراسیون و تیم ملی درد نکند که برگ زرینی را به افتخارات خودشان اضافه کردند.

امید به دوبی‌نشین‌ها و بیرو

در بین بازیکنان تیم امیر قلعه‌نویی، چهره‌هایی هستند که مقابل میزبان، شبی ویژه را پشت سر خواهند گذاشت

تیم ملی فوتبال ایران باید دومین دیدار خود در دور سوم انتخابی جام‌جهانی ۲۰۲۶ را سه‌شنبه‌شب برابر میزبان خود امارات به انجام برساند. هر ۲ تیم در هفته نخست موفق به کسب سه امتیاز شدند و حالا پس از جام ملت‌های آسیا، پائولو بنتو و امیر قلعه‌نویی به پست یکدیگر خوردند.

علیرضا بیرانوند

کسی انتظار نداشت اما علیرضا بیرانوند، در جدال با قرقیزستان به جای اینکه بیکارترین فرد میدان باشد، تبدیل به بهترین بازیکن زمین شد. گلر باتجربه این فصل تراکتور که در لیگ هم ۲ کلین‌شیت به ثبت رسانده، دو سه بار با واکنش‌های خوب مانع از گلزنی حریف شد و حالا باید مهیای آزمونی دشوارتر باشد. امارات، مقابل قطر عملکرد تحسین‌برانگیزی داشت و قهرمان آسیا را در خانه‌اش سه‌گله کرد. فارغ از آن، تیم تحت هدایت پائولو بنتو برای جبران باخت در جام ملت‌ها و همچنین شکست‌های اخیرش برابر ایران به دنبال متوقف کردن بیرانوند و دوستانش خواهد بود. بیرو در مصاف قبلی و در دور گروهی جام ملت‌ها موفق به مهار پنالتی یحیی الغسانی شد و بدون شک ستاره امارات که در همان بازی توانست تک گل پسران زاید را به‌ثمر برساند، می‌خواهد در دوئل با علیرضا دستِ بالا را داشته باشد.

شجاع خلیل‌زاده

حدود سه سال قبل تیم‌های ملی امارات و ایران در چارچوب انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ در ورزشگاه زعبیل به مصاف یکدیگر رفتند که شاگردان دراگان اسکوچیچ با تک گل مهدی طارمی در دقیقه ۷۰ به برتری دست یافتند. در آن مسابقه که آخرین رویارویی ۲ تیم در خاک امارات هم بود، شجاع خلیل‌زاده شب پراسترسی را پشت سر گذاشت. در دقیقه ۵۹ و زمانی که بازی با نتیجه صفر-صفر دنبال می‌شد، علی مبخوت در قلب خط دفاعی ایران صاحب توپ شد و در آستانه ورود به محوطه و تک‌به‌تک شدن با بیرانوند قرار گرفت که شجاع او را از پشت نگه داشت و متوقف کرد. تصمیم داور استرالیایی، اخراج شماره چهار ایران بود اما دقایقی بعد (VAR) به کمک تیم قرمزپوش زمین آمد و اعلام کرد پیش از این اتفاقات، دیگر مهاجم امارات در موقعیت آفساید به توپ رسیده است. این تصمیم باعث شد تا شجاع از زمین خارج نشود و ایران با ۱۱ بازیکن، چند دقیقه بعد به گل برتری دست پیدا کند.

مهدی قایدی

یکی از بهترین بازیکنان فصل قبل لیگ امارات موسوم به «آدنوک»، احتمالا یکی از نفرات اصلی ایران در بازی سه‌شنبه خواهد بود. مهدی قایدی با اتحاد کلبا نمایش شگفت‌انگیزی در فصل پیش و حتی آغاز این فصل داشته و نشان داده حداقل در تیم خودش بهترین بازیکن است. او و خط دفاعی امارات شناخت خوبی از یکدیگر دارند و همین ماجرا تقابل‌شان را جذاب‌تر خواهد کرد. قایدی در جدال با قرقیزستان یکی از کم‌فروغ‌های تیم بود و بازی در جایی که با آن آشنایی دارد، می‌تواند بهترین بهانه برای جبران مافات باشد.

سردار آزمون

مهاجم جدید تیم شباب‌الاهلی شروع فوق‌العاده‌ای در این تیم داشته و موفق شده در ۵ بازی رسمی، ۵ گل به‌ثمر برساند و حسابی پائولو سوسا را شگفت‌زده و در عین حال مسرور کرده است. آزمون حالا با ذهنی آماده‌تر از قبل مهیای مصاف با تیم ملی امارات می‌شود و مدافعان حریف نیز بیش از پیش نسبت به توانایی‌هایش آگاه هستند. شماره ۲۰ تیم ملی با وجود اثرگذاری فراوان، هنوز نتوانسته دروازه تیم ملی امارات را باز کند و برای شکستن این طلسم و همچنین ماندن در رده دوم بهترین گلزنان تیم ملی و عدم اجازه به مهدی طارمی برای سبقت گرفتن از او، نیاز به باز کردن دروازه خالد عیسی خواهد داشت. آزمون روی نیمکت، شهریار مغانلو را هم می‌بینند؛ دیگر مهاجمی که در حال حاضر در فوتبال امارات مشغول به بازی است.

مهدی طارمی

طی سه بازی اخیر ایران و امارات، ملی‌پوشان در ۱۰۰ درصد مسابقات به برتری رسیده‌اند و تمام این گل‌ها به وسیله مهدی طارمی زده شده است. مهاجم کنونی اینتر بهترین گلزن تقابل‌های ۲ تیم در طول تاریخ است و می‌خواهد به روند فوق‌العاده‌اش برابر پسران زاید ادامه دهد. کاپیتان تیم ملی ایران در جدال با قرقیزستان به واسطه صحبت‌هایی که انجام داد، روزهای پرفشاری را پشت سر گذاشته و باید دید با چه فرمی مقابل امارات وارد زمین خواهد شد.

چهره‌های ویژه امارات

بی‌شک مهم‌ترین چهره امارات در بازی امشب پائولو بنتو سرمربی پرتغالی این تیم است که پیش از این روی نیمکت تیم ملی کره جنوبی هم نشسته بود و در ۳ تقابل با ایران یک پیروزی و دو تساوی به دست آورد. همچنین حضور چند بازیکن دو ملیتی هم چهره تیم امارات را تا حدودی تغییر داده است. جونیور اندیایه بازیکن ۱۹ ساله و فرانسوی‌الاصل تیم دوم مون پلیه فرانسه، عدلی محمد؛ گلر بحرینی الاصل تیم زیر ۱۹ ساله‌های ساوتهمپتون، مکنزی هانت؛ مدافع چپ ۲۲ ساله انگلیسی و متولد لیورپول و در نهایت کوامی کویدو مدافع ۲۳ ساله العین که متولد ساحل‌عاج است بازیکنان جدید امارات هستند که باید مراقب آنها بود.

گزارش

تن‌هاگ؛ بهانه‌تراشی که از واقعیت واهمه دارد

پیش از تن‌هاگ، اوله گونار سولسشایر گفته بود افای کاپ و لیگ کاپ آنچه واقعا در باشگاه رخ می‌دهد را پنهان می‌کنند

پیش از تحقیر خانگی مقابل لیورپول، اریک تن‌هاگ مدعی شد که از زمان ورودش به اولدترافورد، پس از منچسترسیتی، تیم تحت هدایت او بهترین عملکرد را در بین تیم‌های انگلیسی داشته است. قهرمانی لیگ کاپ و افای کاپ دلیل صحبت‌های مرد هلندی بود. او سپس روی ادعای خودش تاکید کرد و باور داشت که منچستریونایتد امسال هم یک جام خواهد برد. شاید یک لیگ کاپ دیگر؟

سرمربی منچستریونایتد کاملا - شاید هم عمدا - نکته اصلی ماجرا را نادیده می‌گیرد. در دوران رومن آبراموویچ، سرمربیان چلسی بر اساس عملکردشان در لیگ برتر مورد قضاوت قرار می‌گرفتند، نه جام‌های حذفی انگلیس. باشگاهی مانند منچستریونایتد که شهرت، میراث و منابع کافی دارد، نمی‌تواند به عنوان تیمی شناخته شود که فقط برای لیگ کاپ و افای کاپ بازی می‌کند. آن‌ها نمی‌خواهند چنین تیمی درنظر گرفته شوند. گفته می‌شود سر الکس فرگوسن با قهرمانی در جام حذفی سال ۱۹۹۰ جایگاهش را نجات داد. او از آن قهرمانی به عنوان «سکوی پرتاب» استفاده کرد، نه دستاوردی برای یادآوری پیاپی در آینده. باورنکردنی است اما منچستریونایتد در آن فصل در جایگاه سیزدهم قرار گرفت. آن‌ها سپس به رتبه‌های ششم، سوم و اول رسیدند. یونایتد تحت هدایت فرگوسن ۱۲ بار دیگر هم قهرمان لیگ برتر شد و هرگز رتبه پایین‌تر از سوم را تجربه نکرد. تحت هدایت اریک تن‌هاگ، منچستریونایتد سوم و هشتم شده است. آن‌ها حالا در جایگاه چهاردهم قرار دارند و قطعا به رتبه بهتری می‌رسند، اما آیا این یک پیشرفت است؟ آیا او واقعا می‌خواهد بر اساس موفقیت‌های ناپایدار در مسابقات حذفی قضاوت شود؟ یا به عبارت دیگر، آیا او به دنبال بهانه‌ای برای توجیه ناکامی‌هایش است؟ برخی باور دارند منچستریونایتد در فصل گذشته عملکرد بهتری نسبت به آرسنال داشت. بله، آن‌ها جام بردند و آرسنال در کورس رقابت با منچسترسیتی ناکام ماند و نایب قهرمان لیگ برتر شد. اما ارزیابی منطقی ثابت می‌کند که نه‌تنها آرسنال قوی‌تر است، بلکه طرفدارانش راضی‌تر هستند و مسیر پیشرفت آن‌ها با اعتمادی به نفسی بالا پیگیری می‌شود. طبیعتا در زمان سلطه منچسترسیتی در لیگ برتر، سایر تیم‌ها مجبور هستند به سراغ رقابت‌های حذفی داخلی بروند. با این حال، منچستریونایتد - در کنار لیورپول و آرسنال - تیمی است که باید برای قهرمانی لیگ برتر رقابت کند. نزدیک شدن به صدر جدول و ایجاد یک رقابت با منچسترسیتی، باید هدف اصلی باشد. سوالی که همیشه مطرح می‌شود: اریک تن‌هاگ با صحبت در مورد قهرمانی‌های حذفی چه پیامی را می‌خواهد منتقل کند؟ او اولین سرمربی شیاطین سرخ است که در شش سال گذشت جام برده است. بدون شک چنین چیزی یک دستاورد محسوب می‌شود اما تیم او باید به سرعت به سراغ اهداف بزرگ‌تر برود. چنین روایت‌هایی برای طرفداران منچستریونایتد آزاردهنده است. آن‌ها می‌خواهند تیم‌شان برای قهرمانی در لیگ برتر بجنگد. منچستریونایتد برای اریک تن‌هاگ سرمایه‌گذاری بالایی انجام داده است. اینکه پایه‌های باشگاه در دوران او ضعیف بود و به طور کلی میراثی وجود نداشت، انکارناپذیر است. اما شیاطین سرخ در حال تقویت زیرساخت‌ها هستند تا حمایت کاملی از سرمربی خود داشته باشند. در لیگ برتر، یونایتد طی سه بازی اخیر دو شکست تجربه کرده است. تفاضل گل تیم منفی است و سوالات متعددی پیرامون سبک بازی تیم اریک تن‌هاگ وجود دارد. ۱۱ سال از آخرین قهرمانی یونایتد در لیگ برتر می‌گذرد. مشکلات سیستماتیک در باشگاه باعث شده که سرمربیان زیادی از کار برکنار شوند. همیشه مقصر اصلی سرمربی نیست و تا همین اواخر، تن‌هاگ از حمایت کافی برخوردار نبود، اما اکنون این بهانه‌ها دیگر قابل قبول نیست. او همچنان در شغل خود ماندگار شده و از حمایت باشگاه برخوردار است. سرمربی منچستریونایتد باید صحبت در مورد جام حذفی را رها کند. اعتراضات اریک تن هاگ بیش از حد است. اگر او بردن جام حذفی را یک معیار تلقی کند، حمایت باشگاه دوام نخواهد داشت. چنین چیزی در منچستریونایتد وجود ندارد.

گوشه و کنار مستطیل سبز

وضعیت نگران‌کننده آقای گل جام‌جهانی ۱۹۹۰

خانواده سالواتوره اسکیلاچی اسطوره پیشین تیم ملی فوتبال ایتالیا و برترین گلزن این تیم در جام جهانی ۱۹۹۰، اعلام کردند که این مرد ۵۹ ساله به بیمارستان منتقل شده اما وضعیت او فعلاً پایدار است. سال ۲۰۲۲ بود که اعلام شد مهاجم آتزوری در جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا به سرطان روده بزرگ مبتلا شده و از آن زمان هم وی دو بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است. اکنون به نظر می‌رسد عوارض آن بیماری زندگی اسکیلاچی را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال طبق بیانیه خانواده اسکیلاچی؛ او به صورت مداوم تحت نظر گروهی از پزشکان مجرب قرار دارد و وضعیتش رو به وخامت نیست. اسکیلاچی که سابقه بازی در تیم‌های یوونتوس، اینتر، مسینا و جوبیلو ایواتای ژاپن را دارد، در ۱۶ بازی‌اش برای تیم ملی ایتالیا ۷ گل زد که ۶ تا از آن گل‌ها در جام جهانی ۱۹۹۰ بود. او در آن سال بهترین گلزن و بهترین بازیکن تورنمنت لقب گرفت.

پیولی به زودی مربی رونالدو می‌شود

دوران حرفه‌ای لوئیس کاسترو پرتغالی در سمت سرمربیگری تیم فوتبال النصر ریاض که کریستیانو رونالدوی پرتغالی را در اختیار دارد، پس از تصمیم مدیران این تیم برای اخراجش رو به پایان است. انتقاهادی گسترده هواداران النصر از لوئیس کاسترو پس از باخت این تیم برابر الهلال در سوپرجام عربستان برای چهارمین سال آغاز شد و مقام‌های ارشد این تیم نیز به توافق داخلی برای اخراج سرمربی پرتغالی دست یافتند. بر اساس گزارش روزنامه عکاظ عربستان؛ مدیران النصر به این نتیجه رسیدند که ادامه همکاری با لوئیس کاسترو دیگر امکان‌پذیر نیست و او باید جای خود را به سرمربی جدیدی بدهد. این گزینه استفانو پیولی ایتالیایی است که پس از بازی ال کلاسیکو برابر الاهلی به عنوان جایگزین لوئیس کاسترو کار خود را در النصر شروع خواهد کرد.

یامال، بالاتر از وینیسیوس با ۱۸ بازی کمتر

لامینه یامال در طول چند ماه اخیر به ستاره درخشانی در ترکیب بارسلونا تبدیل شده است و عملکرد خوبش باعث شد که به اردوی تیم ملی اسپانیا برای حضور در رقابت‌های جام ملت‌های اروپای ۲۰۲۴ هم دعوت شود و به این تیم در کسب عنوان قهرمانی کمک کند. این بازیکن در دیدار تیم ملی اسپانیا مقابل سوئیس هم در ترکیب اصلی حضور داشت و موفق شد پاس گل اول تیمش را در دقیقه چهارم برای خوسلو ارسال کند. این پاس گل باعث شد که تعداد پاس گل‌های او با پیراهن تیم ملی اسپانیا به عدد ۹ برسد. او پیش از این سه گل هم برای تیم ملی کشورش به ثمر رسانده بود و حالا مشارکت او روی گل‌های زده شده در تنها ۱۶ دیداری که برای اسپانیا به میدان رفته به عدد ۱۲ رسیده است. این آمار در حالی برای یامال به ثبت رسیده است که وینیسیوس جونیور در ۳۴ دیداری که با پیراهن تیم ملی برزیل به زمین رفته تنها پنج گل به ثمر رسانده و پنج پاس گل هم ارسال کرده تا مجموعا ۱۰ تاثیرگذاری روی گل داشته باشد و آمار یامال حتی از این ستاره درخشان رئال مادرید هم بسیار بهتر باشد.

طولانی‌ترین انتظار تاریخ برای یک پنالتی

تیم خیمناستیک دی تاراگونا (ناستیچ) به لطف یک گل پنالتی در دقیقه ۹۶ که کاپیتان آنها، خوان اوریول در دقیقه ۹۶ به ثمر رساند، یک بر صفر مقابل آموره بیتا در دسته سوم فوتبال اسپانیا پیروز شد. این اولین پنالتی بود که از ۱۹ مارس ۲۰۲۳ برای ناستیچ در رقابت‌های رسمی اعلام می‌شد و پس از ۵۳۹ روز بالاخره این باشگاه کاتالان به یک پنالتی دست یافت. کاپیتان ناستیچ که خودش پنالتی گرفته بود، باورش نمی‌شد که داور سوت زده و گفت: «واقعا؟» پنالتی قبلی که به سود ناستیچ گرفته شده بود در سال ۲۰۲۳ در پیروزی ۳-۲ مقابل کالائورا بود که توسط بونییا به ثمر رسید.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۱۸۸۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۱۸۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض ایوب باقری بشماره شناسنامه ۱۵۰ و کد ملی ۱۵۳۰۴۸۳۶۸۹ فرزند رحمت اله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۴/۰۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۷۸۴ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران محرز شده است لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام نامبرده صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰
۱۲۶۶۸ م الف — کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران - محمد علی ابراهیمی
شناسه آگهی ۱۷۷۳۱۳۶

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی حوزه ثبتی تویسرکان

نظربه اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردراداره ثبت اسنادواملاک تویسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۳۳۶۰۳۲۶۰۰۴۰۰۰۹۱۹ به تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ تصرفات مالکانه خانم بهجت روستایی فرزند قاسمعلی متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۰۴۰۰۰۴۰۰۰۶۰۷ در شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۶۹/۰۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۱۵۸ اصلی واقع در بخش ۱ تویسرکان محرز گردیده است لذا مفاد رای صادره به استنادماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکوردردونوبت به فاصله ۱۵ روزدر این روز نامه آگهی می گردد،درصورتی که شخص یااشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشندازتاریخ انتشاراین آگهی تادوماه اعتراض خودرابه اداره ثبت تویسرکان تسلیم ورسیدعرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند. ضمنامعترض بایدظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم ورسیدآن رابه ثبت محل ارائه نمایند درغیراینصورت متقاضی می تواندگواهی عدم داخواست راازدادگاه دریافت وبه اداره ثبت تسلیم نمایدکه اداره ثبت نیزبدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی رابرابرمقررات ادامه خواهدداد،ضمناصدورسندمالکیت مانع مراجعه متضرربه دادگاه نمی باشد./

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰
محمد علی جلیلوند
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فشم
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۱۰۰۰۶۲۹ مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فشم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمدرضا خانی اوشانی فرزند اسماعیل بشماره شناسنامه ۰۰۱۲۸۳۹۲۱۳ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین مشجر با بنای احداثی به مساحت ۶۹۱/۸۱ متر مربع پلاک ۸۸ فرعی از ۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸ فرعی از ۶ اصلی واقع در اوشان واحد ثبتی فشم خریداری از مالک رسمی آقایان / مرتضی تقی زاده و حسین تقی زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰
۱۲۶۶۹ م الف — رئیس ثبت اسناد و املاک - امیر حسین آذرنیان
شناسه آگهی ۱۷۷۳۱۴۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بهار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۸۶۶ مورخ ۱۴۰۳/۵/۱۷ هیات پنجم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی کاظم جعفری فرزند حشمت اله به ش ش ۸ صادره از درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۱۳۶۷۴،۴۲ مترمربع پلاک ۷ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در بخش چهار حوزه ثبت ملک بهاراراضی کریم آباد و قره زمین خریداری از مالک رسمی یعقوب جعفری، آقامعلی جعفری، خداوردی عزیزی و سایرین محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهار - حسین مرادی
تاریخ انتشار اول ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار دوم ۱۴۰۳/۰۶/۲۰
م الف :۱۷۵

۵۰ بار قسم برای اثبات بی‌گناهی همسر مقتول و یار سابقش

پرونده قتل مرموز مرد میانسال که جسد خونین وی در حاشیه بزرگراه رها شده بود به ایستگاه قسامه رسید و قرار شد همسر مقتول و پسرعمویش سوگند بی‌گناهی یاد کنند

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ با پیدا شدن جسد خونین یک مرد میانسال در حاشیه بزرگراه آزادگان آغاز شد. شواهد نشان می‌داد قربانی که با ضربه‌های متعدد چاقو از پا در آمده در جای دیگری کشته شده و جنازه‌اش به حاشیه بزرگراه منتقل شده است.

کشف گوشی موبایل و مدارک هویتی کنار جسد نشان می‌داد جنازه متعلق به مردی به نام رحیم است.

ماموران در نخستین گام از تحقیقات به بازجویی از همسر قربانی به نام لیلا پرداختند.

زن جوان به ماموران گفت: همسرم دو گوشی موبایل داشت. دیشب زن ناشناسی با موبایل او تماس گرفت و از او خواست تا بیرون برود. من مخالفت کردم اما همسرم گوش نداد و به ملاقات زن ناشناس رفت. همسرم دیشب مشروب خورده و حال طبیعی نداشت که خانه را ترک کرد. من تا صبح منتظر او ماندم اما او به خانه بازنگشت.

اظهارات ضد و نقیض سه فرزند قربانی درباره اینکه پدرشان چطور خانه را ترک کرده شک پلیس را برانگیخت.

شهادت علیه مادر

پسر بزرگ قربانی گفت: دیشب پسرعموی مادرم به خانه ما آمد و بعد از چند ساعت از خانه‌مان رفت. بعد از رفتن او، مادرم به من و برادر و خواهرم پول داد تا از عطاری محله‌مان دارو تهیه کنیم. ما از خانه بیرون رفتیم و حدود یکساعت بعد به خانه برگشتیم .ما وقتی به خانه آمدیم پدرمان در خانه نبود. مادرمان هراسان و دست و لباس‌هایش خونی بود. حتی روی فرش‌ها و در و دیوار هم خون پاشیده شده بود و مادرمان در حالی که اشک می‌ریخت با دستمال خیس، خون‌ها را پاک می‌کرد. من و خواهر و برادرم که از دیدن این صحنه شوکه شده بودیم از مادرمان سوال پرسیدیم. مادرمان گفت مثل همیشه با پدرمان درگیر شده و پدرمان او را کتک زده و خانه را ترک کرده است. اگر چه دست‌های مادرمان زخمی بود اما خون ریخته شده در خانه بیشتر از آن چیزی بود که بخواهد از دستان مادرمان جاری شده باشد.»

با اظهارات عجیب این پسر ماموران به بازجویی از برادر کوچک وی پرداختند.

این پسر گفت: ما وقتی به خانه برگشتیم مادرم ناراحت بود و به شدت گریه می‌کرد. اما کمی بعدتر آرام شد. او ما را تهدید کرد اگر پلیس به سراغمان آمد و از ما چیزی پرسید بگوییم پدرمان در حالی که مست بوده و دو گوشی موبایل در دست داشته خانه را ترک کرده. مادرمان گفت در غیر این صورت پلیس او را دستگیر می‌کند و من و خواهر و برادرم آواره می‌شویم.

دستگیری خواستگار سابق

با اظهارات فرزندان قربانی، ماموران در گام دیگری از تحقیقات به بررسی گوشی موبایل لیلا پرداختند و دریافتند این زن پیامک‌هایی برای پسرعمویش به نام نعیم فرستاده بود. در بررسی‌ها روشن شد سال‌ها پیش نعیم خواستگار لیلا بوده است. همچنین در ردیابی گوشی موبایل نعیم، مشخص شد گوشی او در ساعتی که فرزندان قربانی در خانه نبوده‌اند در همان محدوده آنتن دهی داشته است.در حالی که فرضیه جنایت خانوادگی با همدستی خواستگار سابق قوت گرفته بود نعیم بازداشت شد اما مدعی شد از نحوه کشته شدن شوهر دخترعمویش هیچ اطلاعی ندارد.

با توجه به ادله موجود علیه متهمان، پرونده آنها برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

متهم اظهارات قبلی‌اش را تکرار کرد و در ادامه گفت: آن شب شوهرم شام ماکارونی خورد و یکباره حالش بد شد. سپس خانه را ترک کرد و من از سرنوشت او اطلاعی ندارم.

سپس نعیم روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: من کارگر رحیم بودم و به خانه آنها رفت و آمد داشتم. او چند روز قبل جاروبرقی خانه‌شان را که خراب شده بود به من سپرد تا آن را به تعمیرگاه ببرم. آن شب به خانه آنها رفته بودم تا جاروبرقی را تحویل دهم. او از من خواست تا شام را پیش آنها بمانم. من آنجا شام خوردم و صبح روز بعد به یزد رفتم. به همین خاطر گوشی موبایل من در خانه آنها آنتن دهی داشته است.

پس گرفتن شهادت

در دومین جلسه رسیدگی به پرونده پیچیده، فرزندان قربانی اظهارات تازه‌ای را مطرح کردند.

یکی از آنها گفت: من و خواهر و برادرم به دروغ علیه مادرمان حرف زدیم. آن زمان که مادرمان بازداشت بود ما پیش پدربزرگمان زندگی می‌کردیم. او به ما یاد داده بود این حرف‌ها را علیه مادرمان بزنیم. اما حالا او ما را از خانه‌اش بیرون کرده و سرپناهی نداریم. آمده‌ایم تا حقیقت را بگوییم.

وی ادامه داد: پدرمان بعد از خوردن غذا حالش بد شد و خانه را ترک کرد.

لیلا و نعیم نیز اظهارات قبلی‌شان را تکرار کردند و مدعی شدند از نحوه قتل رحیم اطلاعی ندارند.

ایستگاه قسامه

چون مدرکی علیه آنها به دست نیامد، قضات دادگاه پرونده را لوث تشخیص داده و حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند.اما چون اولیای دم قسامه را نپذیرفتند و حاضر نشدند ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کنند، قسم را به لیلا و نعیم واگذار کردند. قرار شد دو متهم در جلسه دادگاه ۵۰ بار سوگند بی‌گناهی یاد کنند و از اتهام دست داشتن در جنایت تبرئه شوند.

خرده حادثه

کشف جسد آرین کوچولو در خانه همسایه

محمد قدمی مدیرعامل هلال احمر لرستان با اشاره به گم شدن کودک چهارساله‌ای به نام «آرین عبدالهی» از صبح روز یکشنبه «۱۸ شهریور ۱۴۰۳»، اظهار داشت: «پیکر بی‌جان این پسربچه کوهدشتی در خانه همسایه پیدا شد. پس از ساعت‌ها عملیات جستجو توسط عوامل امدادی هلال‌احمر در روستای «شورابه کوهنانی» شهرستان کوهدشت، متاسفانه پیکر بی‌جان این کودک چهارساله در منزل همسایه این کودک پیدا شد و تحویل مراجع قضایی داده شد.» افشین خسروی، دادستان عمومی و انقلاب کوهدشت گفت: «این کودک از صبح روز «یکشنبه»، در روستای «شورابه کوهنانی» مفقود شد.» او اضافه کرد: «جست‌وجوها برای یافتن پسر چهارساله در روستای شورابه تا شامگاه یکشنبه ادامه داشت و ابعاد جدیدی از این پرونده مشخص شد.» دادستان عمومی و انقلاب کوهدشت با اعلام یافتن پیکر بی‌جان کودک چهارساله تاکید کرد: «پرونده قضایی برای یافتن علت فوت این کودک تشکیل شد.» بررسی‌های خبرنگار ما حکایت از این دارد که آرین به احتمال زیاد به علت خفگی جان باخته و پدرش هنگام حادثه برای کاری تهران بوده.همچنین پلیس آگاهی بعد از بازجویی از همسایه‌ای که جسد در خانه‌اش کشف شده بود احتمال بی‌گناهی آنها را داده و بنا بر ادله‌ای به تعدادی از بستگان نزدیک آرین مظنون شده است.

دادگاه کیفری

بازداشت مرد افغان در پرونده قتل همسرش

شنبه هفدهم شهریورماه، وقوع یک جنایت هولناک در یکی از محله‌های شهرری به مرکز فوریت‌های ۱۱۰، گزارش شد. تیم جنایی راهی محل حادثه شده و در یک خانه مسکونی با جسد زن جوان افغان روبه‌رو شدند که هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود اما آثار دفاعی روی بدنش وجود نداشت. همسر مقتول که موضوع جنایت را گزارش داده هدف تحقیق قرار گرفت و در اظهارات ضد و نقیض گفت: معمولاً شب‌ها در حیاط خانه می‌خوابم اما همسر و ۳ فرزند خردسالم کنار یکدیگر در سالن پذیرایی می‌خوابند! صبح که بیدار شدم برای خوردن صبحانه به داخل خانه رفتم اما جسد همسرم را مشاهده کردم که غرق در خون بود. ناخودآگاه فریاد کشیدم و از همسایه‌ها کمک خواستم. اقدامات مخابراتی و اطلاعاتی نیز نشان می‌داد که مرد جوان از گذشته با همسرش اختلافات گسترده‌ای داشته و مدام صدای مشاجره آنجا به گوش همسایه‌ها رسیده است؛ از سوی دیگر نیز یکی از کودکان خردسال در جریان تحقیقات مدعی شد شب گذشته پدر خانواده را با چاقو بالای سر مادرش دیده اما هنگامی که در این‌باره سوال کرده او با عصبانیت به فرزندش گفته که بخوابد و مشکلی نیست! به این ترتیب بازپرس جنایی دستور بازداشت همسر مقتوله را به اتهام مباشرت در قتل عمدی صادر کرد.در حالی که تحقیقات از متهم ادامه دارد او تاکنون لب به اعتراف نگشوده است.

شلاق و تبعید جایگزین اعدام مربی فوتبال

با شکسته شدن حکم اعدام مربی‌نمای فوتبال که ۸ پسر نوجوان را به دام شیطانی انداخته و آزار داده بود؛ او به شلاق، تبعید و محرومیت از فعالیت ورزشی و مربی‌گری محکوم شد.

رسیدگی به این پرونده از اواخر سال ۱۴۰۰ به دنبال شکایت پسری نوجوان از مربی فوتبال با موضوع آزار و اذیت جنسی آغاز شد . مربی فوتبال به دادسرا احضار شد. اما او در دادسراها حاضر نشد. تلاش پلیس برای ردیابی متهم ادامه داشت تا اینکه سرانجام ماموران رد او را در شهرستان ساری یافتند و او را بازداشت کردند. این در حالی بود که شمار شکایت‌های مشابه به ۸ فقره رسیده بود. شواهد نشان می‌داد متهم ۸ پسر ۱۲ تا ۱۳ ساله را به بهانه‌های مختلف و برای آموزش فوتبال به خانه‌اش کشانده و آنها را آزار داده است. همچنین روشن شد متهم بعضی از قربانی‌ها را مجبور به برقراری رابطه سیاه با یکدیگر کرده و از آنها فیلم سیاه گرفته بود تا آنها مجبور به سکوت باشند . با به دست آمدن فیلم‌های سیاه برای متهم کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در دادگاه متهم شیطان صفت که متاهل است سعی داشت خودش را بی‌گناه نشان دهد ولی در مواجهه حضوری با قربانی‌های نوجوان و بازبینی فیلم‌های سیاه جرم‌هایش را گردن گرفت اما ادعا کرد قصد آزار پسران نوجوان را نداشته است. وقتی متهم روبه‌روی قضات ایستاد اتهامش را نپذیرفت. او گفت: من پسران نوجوان را آزار نداده‌ام. اما برای آموزش فوتبال به آنها نزدیک می‌شدم و می‌خواستم روی پایم بنشینند.

اما شاکی‌ها اظهارات وی را رد کردند و گفتند این مرد آنها را آزار داده است. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده مربی نمای فوتبال را به اعدام محکوم کردند. وکیل متهم به این حکم اعتراض کرد و مدعی شد اتهام موکلش در حد لواط نبوده است. از این رو پرونده بار دیگر در پزشکی قانونی تحت رسیدگی قرار گرفت. وقتی کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند عمل متهم در حد تفخیذ بوده،او این بار در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پشت درهای بسته و غیرعلنی از خود دفاع کرد و اتهام آزار و اذیت پسران نوجوان را نپذیرفت. در پایان جلسه قضات دادگاه با توجه به اظهار نظر کارشناسان پزشکی قانونی، متهم را به ۹۹ضربه شلاق، دوسال تبعید به منطقه‌ای بد آب و هوا در جنوب شرقی کشور و همچنین دو سال محرومیت از فعالیت ورزشی و مربی‌گری محکوم کردند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.

ردیف -۱ برابر رأی شماره ۷۸۱۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ هیأت اول مالکیت آقای اسداله خلیلیان به شناسنامه شماره ۴۰ کدملی ۱۲۹۰۱۸۴۴۳۷ فرزند احمد نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان تجاری و مسکونی به استثنا بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۲۱۰،۵۹ متر مربع پلاک شماره ۳۰۹ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

ردیف -۲ برابر رأی شماره ۷۸۱۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ هیأت اول مالکیت آقای رسول خلیلیان به شناسنامه شماره ۱۰۱۹ کد ملی ۱۲۸۴۷۰۷۷۷۶ فرزند احمد نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان تجاری و مسکونی به استثنا بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۲۱۰،۵۹ متر مربع پلاک شماره ۳۰۹ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

ردیف -۳ برابر رأی شماره ۷۸۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ هیأت اول مالکیت آقای منصور خلیلیان به شناسنامه شماره ۳۳ کد ملی ۱۲۹۰۳۴۸۵۵۳ فرزند احمد نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان تجاری و مسکونی به استثنا بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۲۱۰،۵۹ متر مربع پلاک شماره ۳۰۹ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

شهریاری - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.

ردیف -۱ برابر رأی شماره ۹۱۵۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ هیأت اول مالکیت آقای رضا عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۹۷۱ کد ملی ۱۲۸۳۵۰۶۶۶۱ فرزند غلامعباس نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۶۰،۹۰ متر مربع پلاک شماره ۷۴ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان با قید به اینکه مقدار یک دانگ و نیم مشاع ان مع الواسطه از بدر الشریعه اقا قزوینی فرزند کمال الدین و حاج عبدانبی نجفی و و مقدار یک دانگ و نیم مشاع آن مجهول که طبق ماده ۱۳ بایستی از طریق اداره ثبت پذیرش ثبت گردد و نامه ۲۸۸۴۷/۱۴۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۲/۲۳ جهاد کشاورزی اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

ردیف ۲- برابر رأی شماره ۹۱۷۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ هیأت اول مالکیت خانم عصمت عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۱۲ کدملی ۱۲۹۰۱۸۵۹۵۶ فرزند قدمعلی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۶۰،۹۰ متر مربع پلاک شماره ۷۴ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان با قید به اینکه مقدار یک دانگ و نیم مشاع ان مع الواسطه از..... و مقدار یک دانگ و نیم مشاع آن مجهول که طبق ماده ۱۳ بایستی از طریق اداره ثبت پذیرش ثبت گردد و نامه ۲۸۸۴۷/۱۴۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۲/۲۳ جهاد کشاورزی اصفهان تأئید و محرز گردیده است .

شهریاری - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.

ردیف -۱ برابر رأی شماره ۸۴۷۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ هیأت سوم مالکیت خانم عصمت عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۳۳ کدملی ۱۲۹۰۱۸۶۱۶۲ فرزند رجبعلی نسبت به سه مشاع از ششدانگ قطعه زمین محصور و مستحدثات احداثی به مساحت ۴۳۳،۱۹ متر مربع پلاک شماره ۴۳۴ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان مع الواسطه از زهرا ال رسول فرزند حاج شیخ جمال الدین تقسیم نامه ۱۸۳۰۳ مورخ ۳۹/۳/۱۳ دفترخانه ۶۵ اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

ردیف ۲- برابر رأی شماره ۸۴۸۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ هیأت سوم مالکیت خانم الهام عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۱۴۴ کد ملی ۱۲۹۳۲۱۹۸۲۷ فرزند اصغر نسبت به یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ قطعه زمین محصور و مستحدثات احداثی به مساحت ۴۳۳،۱۹ متر مربع پلاک شماره ۴۳۴ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان مع الواسطه از زهرا ال رسول فرزند حاج شیخ جمال الدین تقسیم نامه ۱۸۳۰۳ مورخ ۳۹/۳/۱۳ دفترخانه ۶۵ اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

ردیف -۳ برابر رأی شماره ۸۴۷۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ هیأت سوم مالکیت آقای اسداله ویلانی به شناسنامه شماره ۱۵ کدملی ۱۲۹۰۰۹۵۰۹۴ فرزند قدیر علی نسبت به یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ قطعه زمین محصور و مستحدثات احداثی به مساحت ۴۳۳،۱۹ متر مربع پلاک شماره ۴۳۴ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان مع الواسطه از زهرا ال رسول فرزند حاج شیخ جمال الدین تقسیم نامه ۱۸۳۰۳ مورخ ۳۹/۳/۱۳ دفترخانه ۶۵اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

ردیف ۴- برابر رأی شماره ۸۴۷۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ هیات سوم مالکیت آقای مسعود جعفر پور به شناسنامه شماره ۲۱۲۶ کد ملی ۱۱۵۹۲۵۷۱۳۲ فرزند عباس در ششدانگ یکباب ساختمان به استثنابهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۱۱۲،۹۳ متر مربع پلاک شماره ۲۸۵ فرعی از ۲۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان قولنامه از حاج سید محمد احدی از ورثه سید عباس ولد حاج سید علی اکبر برزانی طبق اظهار نامه ثبتی تأئید و محرز گردیده است.

شهریاری - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.

ردیف -۱ برابر رأی شماره ۸۸۶۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ هیأت سوم مالکیت آقای محسن رضائی آدریانی به شناسنامه شماره ۱۲۷۵۵۰۹۹۰۸ کدملی ۱۲۷۵۵۰۹۹۰۸ فرزند حمید در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۲،۲۴ متر مربع پلاک شماره ۱۴۸ فرعی از ۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک اصفهان تأئید و محرز گردیده است.

شهریاری - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

شناسه آگهی: ۱۷۷۳۳۷۱
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.

ردیف -۱ برابر رأی شماره ۳۹۴۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۳ هیأت دوم مالکیت خانم مرضیه تقی یار رنانی به شناسنامه شماره ۴۶۵ کد ملی ۱۲۹۰۴۴۰۶۹۷ فرزند احمد در ششدانگ یکباب انبار و مغازه متصله به استثنا بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۱۱۹،۱۶ متر مربع پلاک شماره ۳۳۹۹ فرعی از ۱۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک تأئید و محرز گردیده است.

شهریاری
رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

شناسه آگهی: ۱۷۷۵۴۴۸
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۲۰۲۶۰۲۰۹۹۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان

تصرفات مالکانه مصطفی پهلوانی نژاد به شناسنامه شماره ۳۰۶۰ کدملی ۱۲۸۷۳۷۱۹۴۹ صادره فرزند نصر اله ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۹۷/۳۸ متر مربع پلاک شماره فرعی از ۱۵۱۷۳ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان با توجه به تقاضانامه ارائه شده و مستندات ضمیمه شامل (مالک رسمی آقای نعمت اله خان برومند به موجب سند ۱۳۷۸۱ مورخ ۱۳۳۶/۹/۱۷ دفتر ۶۵ اصفهان بوده که مورد در خواست مع الواسطه قولنامه به متقاضی واگذار شده و تعدادی از شهود آن را تایید نموده اند و اقرار نامه ۶۸۲۰۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۹ دفتر نیز تنظیم و ارائه شده است) و ملاحظه نقشه ملک و گزارش کارشناس منتخب و پاسخ وضعیت ثبتی که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حسین زمانی علویجه - رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۷۷۵۵۰۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و بر حسب ماده ۳ قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تایید انتقال عادی و یا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارایه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

۱- رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۶۳۴۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۸ باقر رجائی هرندی فرزند ابوالقاسم بشماره شناسنامه ۲۶ صادره از اصفهان بشماره ملی ۵۶۵۹۶۷۹۱۹۶ در ششدانگ یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۳۰۵ فرعی از اصلی ۱۵۱۹۰ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۲۰۰ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

مهدی صادقی وصفی
رییس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

شناسه آگهی: ۱۷۷۵۵۸۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و بر حسب ماده ۳ قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تایید انتقال عادی و یا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارایه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

۱- رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۵۹۰۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۶ مریم اشرفیان فرزند جمشید بشماره شناسنامه ۹۷۲ صادره از اصفهان بشماره ملی ۱۲۸۷۲۹۲۵۱۸ در ششدانگ یکباب خانه احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۳۹ واقع در بخش ۱۸ ثبت اصفهان به مساحت ۴۸/۶۵ متر مربع خریداری مع الواسطه بصورت عادی از مالک رسمی آقای حسین محمدی ارزنانی فرزند علی .

مهدی صادقی وصفی
رییس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

شناسه آگهی: ۱۷۷۵۴۸۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۴۸ مورخ ۱۴۰۲/۵/۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی، مالکیت آقای محمد علی سخنی دستجردی به شناسنامه شماره ۴۶ کدملی ۱۲۸۸۷۲۸۵۱۴ صادره اصفهان فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۲/۰۷ متر مربع بدون درج اعیانی با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۵۵۱ فرعی از ۴۳۴۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان که مقداری از مالکیت متقاضی به موجب استاد مالکیت مشاعی بنام خود متقاضی میباشد و مقداری هم از سهم الارث نامبرده از مادرش (مرحومه معصومه رمضانی دستجردی) میباشد لازم به ذکر است دو نفر از ورثهی مرحومه معصومه رمضانی دستجردی (به نام های مرتضی و مهدی سختی دستجردی) در جلسه هیات حاضر و به موجب مشروحه مورخ ۱۴۰۳/۴/۴ اعلام نموده اند : ملک مورد تقاضای متقاضی جهت اخذ سند مالکیت ششدانگ به مساحت ۵۳۲/۰۷ متر مربع مورد تأیید اینجانبان بوده و اینجانبان با کسر سهام از سند مالکیت مادرمان (مرحومه معصومه رمضانی دستجردی) به شماره تقسیم نامه ۸

برق شمشیر شوگان و غرش خرس

نگاهی به جوایز هنرهای خلاقه امی ۲۰۲۴

سریال تاریخی شوگان که از شبکه اف‌ایکس پخش شده بود، روند موفقیت خود را در شب دوم مراسم «هنرهای خلاقه امی» هم ادامه داد و در کنار سریال «خرس»، اکثر جوایز را تصاحب کرد. به گزارش ویجیاتو، این سریال در این رویداد دو روزه مراسم امی موفق شد تا ۱۴ جایزه کسب کند و موفق‌ترین محصول این دو شب باشد. گفتنی است مراسم هنرهای خلاقه امی یک رویداد دو روزه است که یک هفته پیش از مراسم جوایز امی برگزار می‌شود؛ در شب اول این رویداد، مجموعه انیمیشنی ساموراییِ چشم آبی که محصول کشور ژاپن است، به عنوان بهترین سریال انیمیشن سال برگزیده شد تا در هر دو شب، برق شمشیر ساموراییِ‌های ژاپنی بر رقبا چیره شود و برندگان هر دو شب از این جوایز، داستان سریال خود را از میان قصه‌های خفته در خاک ژاپن برداشته باشند. در ادامه نیز یک فیلم مستند ورزشی توانست برنده جایزه فیلم‌های مستند باشد. این مجموعه مستند که «یکهام» نام دارد، با جزئیات فراوان و روایت قصه‌هایی ناشنیده به سراغ زندگی ستاره سابق فوتبال بریتانیا و جهان، دیوید بکهام رفته است.

در شب دوم، سریال شوگان موفق شد تا در رشته‌هایی از جمله، جوایز مربوط به بهترین بازیگر مهمان، بهترین طراحی لباس، بهترین طراحی مو، بهترین بدلکاری، بهترین طراحی تولید و... را تصاحب کند. پیش‌تر، مینی سریال جان آدامز محصول سال ۲۰۰۸ با دریافت ۱۳ جایزه این رکورد را در اختیار داشت. دیگر سریال شبکه اف‌ایکس هم موفق شد تا با دست پر مراسم را ترک کند. سریال خرس که یکی از پدیده‌های این سال‌های تلویزیون بوده است، موفق شد تا در رشته‌هایی مثل انتخاب بازیگر، تدوین و طراحی صدا جوایزی را کسب کند. سریال خرس موفق شد تا در مجموع ۷ جایزه در مراسم امی کسب کند تا در نهایت شبکه اف‌ایکس با ۲۷ جایزه، موفق‌ترین شبکه حاضر در این رویداد باشد. تنفلیکس و اپل‌تی‌وی هر کدام به ترتیب با ۱۸ و ۱۵ جایزه، پشت سر اف‌ایکس قرار گرفتند.

از سریال شوگان تاکنون فقط یک فصل و از سریال خرس سه فصل تولید و پخش شده و قرار است تا از هر دو سریال، فصل‌های بیشتری تولید شود. شوگان یک مجموعه تلویزیونی درام تاریخی است که توسط راشل کوندو و جاستین مارکس ساخته شده است. این فیلم بر اساس رمانی نوشته جیمز کلاول در سال ۱۹۷۵ ساخته شده است که پیش‌تر در یک مینی‌سریال ژاپنی در سال ۱۹۸۰ اقتباس شده بود. گفتنی است، شوگان اولین سریال ژاپنی زبان بود که نامزد جایزه امی شده است. پیش‌تر این اتفاق در مورد سریال‌های کره‌ای زبان برای سریال بازی مرکب رخ داده بود. خرس نیز یک مجموعه تلویزیونی کمدی-درام راشل‌ساختی آمریکایی است که توسط کریستوفر استور ساخته شده است. جرمی الن وایت در نقش کارمی برزاتو، سرآشپز برنده جایزه‌ای که به زادگاهش شیکاگو بازمی‌گردد تا آشپزخانه آشفته ساندویچ‌فروشی برادر متوفی خود را مدیریت کند، بازی می‌کند. این سریال بسیار مورد تحسین منتقدان قرار گرفته است، به ویژه در بخش‌های نویسندگی، کارگردانی، بازیگری و ارزش‌های تولید. گفتنی است، مراسم امی‌ای امی که هر ساله و برای تقدیر از بهترین برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی برگزار می‌شود، امسال در تاریخ ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریور) به شکل زنده از شبکه ای‌بی‌سی آمریکا پخش خواهد شد.

شاخص

آزار و اذیت دو سوم زنان گیمر هنگام بازی

طبق گزارش خبرگزاری اسکای‌نیوز، بیش از ۶۰ درصد زنان در محیط‌های آنلایـن گیمینگ، به خصوص در دیسکورد و بازی‌های رقابتی، مورد آزار و اذیت سایبری قرار می‌گیرند. در تحقیقات اولیه این گزارش، میکی کاروِل، روزنامه‌نگار فناوری، خبر داده بود که او در دیسکورد مورد آزار و اذیت قرار گرفته و به او توهین شده است، فقط به این دلیل که «تصویر نمایه‌اش نشان می‌داد که او یک زن است». این تحقیق که به سرپرستی جنی مک‌بین از برایتر انجام شد، نشان داد که این آزار به طور معمول با نظرات جنسیتی شروع و اغلب به چیزی تهدیدکننده‌تر تبدیل می‌شود. در واقع، به لطف شایع شدن داکسینگ (فاش‌سازی محل زندگی و هویت فرد با استفاده از روش‌های مختلف)، برخی از این تهدیدات زندگی واقعی فرد را نیز تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. از حدود هزار گیمر زن شرکت‌کننده در این نظرسنجی در سراسر بریتانیا و ایالات متحده، ۷۲ درصد مواجهه با این فضای سمی آنلاین را در سال ۲۰۲۲ گزارش کردند، اما این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۶۵ درصد کاهش یافت. علی‌رغم کاهش آزار و اذیت، ۲۰ درصد از گیمرهای زن که به این نظرسنجی پاسخ دادند، گفتند که به دلیل آزار و اذیت احتمالی، ترجیح می‌دهند دیگر سمت بازی‌های آنلاین نروند. دیسکورد نیز در پاسخ به این گزارش به اسکای‌نیوز اعلام کرد همیشه پس از هر گزارش آزار و اذیت «اقدام فوری» انجام می‌دهد و اصرار دارد که «ایمنی در هر جنبه‌ای از خدماتش ادغام شده است». از جمله «استفاده از ترکیبی از ابزارهای فعال و واکنشی». (گیم‌فا)

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

حادثه روز

شمار قربانیان ابرطوفان «یاگی» در ویتنام به حدود ۶۰ نفر رسید

وبسایت خبری وی‌ان اکسپرس، روز دوشنبه به نقل از وزارت کشاورزی ویتنام گزارش داد که شمار قربانیان ابرطوفان یاگی در شمال ویتنام اکنون به ۵۹ نفر رسیده است. ۴۴ نفر از آنان در پی جاری شدن سیل و رانش زمین جان خود را از دست داده‌اند. این طوفان همچنین سبب فرو ریختن پلی بزرگ شد. نیروهای پلیس و ارتش مشغول انجام عملیات امدادی هستند. پل ۳۷۵ متری فونگ ـ چائو در استان «فو تو» در پی جاری شدن سیل فرو ریخت و تنها نیمی از آن اکنون برجاست. شماری خودرو در پی این حادثه به رودخانه افتاده و طعمه سیل شدیدی که به راه افتاده بود، شدند. هو دوک فوک، معاون رئیس دولت ویتنام به شبکه خبری وی‌ان اکسپرس گفت ۱۳ نفر در جریان این سانحه مفقود شده‌اند. او افزود، هنگام فرو ریختن پل مزبور، ۱۰ خودرو، یک کامیون و دو موتورسیکلت روی پل در حرکت بوده‌اند. در استان «ین بای» که در همسایگی استان فو تو قرار دارد، ۲۴۰۰ خانوار در پی بروز سیل مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. بخش‌هایی از شهر فو تو که بالین استان همنام است، تا یک متر زیر آب فرو رفته است. اداره مقابله با سوانح طبیعی در ویتنام اعلام کرد ۱۳۰ محله و روستا در این کشور با خطر سیل و رانش زمین روبرو هستند. ابرطوفان یاگی روز شنبه با سرعتی بالغ بر ۱۵۰ کیلومتر در ساعت از فراز ویتنام گذشت و شدیدترین طوفانی بود که این کشور در عرض ۳۰ سال گذشته با آن مواجه شده بود. (دویچه وله)

بازورزش

ستارگان سینما و ورزش و شب درخشش آستون مارتین

آستون مارتین در مراسمی با حضور جمعی از ستارگان مشهور سینما از لوکس‌ترین مدل خود به نام «ونکوییش» رونمایی کرد. این ماشین که موتور ۱۲ سیلندر دارد، نزدیک‌ترین رقیب فراری «دودیچی چیلندره» است که بهار امسال به بازار عرضه شد.

مدل ۱۲ سیلندر آستون مارتین مانند فراری فقط برای دو نفر جا دارد. پشت صندلی‌ها فضایی است که مجموعه‌ای از کیف‌های نفیس چرمی را می‌توان برای آن سفارش داد. بر خلاف فراری که مجموعه‌ای از نمایشگر و دکمه‌های لمسی دارد، ونکوییش از دکمه‌های عادی در اتاق استفاده کرده است. سقف ماشین هم شیشه‌ای است تا اتاق پرنور تر باشد. جورج کلونی، مایکل دالاکاس، کوین کاستنر و بندیکت کامبربچ از هنرمندانی بودند که در مراسم رونمایی ونکوییش شرکت کردند. همچنین آستون مارتین امسال شصتمین سال حضورش در فیلم‌های جیمز باند را جشن گرفت. دنیل کریگ، هنر پیشه نقش جیمز باند هم از مهمان‌های ویژه مراسم رونمایی مدل ونکوییش بود. ماشین توسط فرناندو آلونسو و لنس استرول، دو راننده تیم فرمول یک آستون مارتین رونمایی شد. (بی‌بی‌سی)

گالری

روز سیصد و سی و هفتم جنگ غزه؛ تلاش اسرائیل برای تهدید آفریقای جنوبی و تشکیلات خودگردان

اکسیوس به نقل از تلگراف وزارت خارجه اسرائیل اعلام کرد این رژیم فشارهایی را بر کنگره آمریکا وارد کرده تا آن را متقاعد کند آفریقای جنوبی را از شکایت خود از این رژیم در دیوان دادگستری بین‌المللی منصرف کند. اکسیوس به نقل از مسئولان اسرائیلی تاکید کرد که «ما از اعضای کنگره آمریکا می‌خواهیم که به آفریقای جنوبی ابلاغ کنند ادامه پیگیری این قضیه عواقب و پیامدهایی برای آن‌ها خواهد داشت.» منبع مذکور اشاره کرد که وزارت خارجه رژیم صهیونیستی اقداماتی دیپلماتیک را برای فشار بر آفریقای جنوبی جهت پس گرفتن شکایت خود در دیوان دادگستری بین‌المللی آغاز کرده است. اسرائیل از دیپلمات‌های خود در واشنگتن خواسته از اعضای کنگره درخواست کنند اقدامات آفریقای جنوبی علیه این رژیم را محکوم کنند. در سمتی دیگر، فلسطین به رهبری محمود عباس طرحی را به مجمع عمومی ارائه کرده که خواهان خروج اسرائیل از کرانه غربی و تحریم مقامات ارشد اسرائیل است. در واکنش به این تحرکات سیاسی را مالله، بیسرائل کاتس روز یک‌شنبه، ۱۸ شهریور گفت اگر تشکیلات خودگردان به رویکرد «تهاجمی» علیه اسرائیل در سازمان ملل ادامه دهد، اسرائیل اقدام به فروپاشی و انحلال آن خواهد کرد. تشکیلات خودگردان اجرای احکام دادگاه بین‌المللی دادگستری لاهه را که وابسته به سازمان ملل است، اساس درخواست خود در ارائه پیش‌نویس قطعنامه علیه اسرائیل قرار داده است. دادگاه بین‌المللی دادگستری لاهه دو ماه پیش اعلام کرد سیاست شهرک‌سازی اسرائیلی در کرانه باختری «ناقض» قوانین بین‌المللی است و اسرائیل عملا بخش‌های وسیعی از کرانه باختری را همواره با بخش شرقی اورشلیم به خاک خود ملحق کرده است. رسانه دولتی سوریه (سانا) در گزارشی اعلام کرد اسرائیل اواخر وقت یکشنبه هشتم سپتامبر (۱۸ شهریور) به چندین منطقه در مرکز سوریه حمله کرد که آتش‌سوزی گسترده‌ای به همراه داشت و به کشته شدن دست‌کم پنج نفر و زخمی شدن ۱۹ نفر منجر شد. خبرگزاری دولتی سانا افزود که پدافند هوایی سوریه با تهاجمی مواجه شد که چندین نقطه در منطقه مرکزی را هدف قرار داد، به یک بزرگراه آسیب رساند و آتشی را شعله‌ور کرد که تیم‌های آتش‌نشانی تا بامداد دوشنبه همچنان در تلاش برای مهار آن هستند. این رسانه به نقل از رئیس بیمارستانی در مصیاف سوریه اعلام کرد حال برخی از ۱۹ زخمی ناشی از این حملات وخیم است اما در مورد هویت آن‌ها توضیحی نداد. این خبرگزاری حملات انجام گرفته را به اسرائیل نسبت داد اما تل آویو هنوز در این زمینه اظهارنظر نکرده است. اسرائیل به‌ندرت اجرای عملیات در سوریه را تایید می‌کند. مکانی که در حمله شامگاه یکشنبه هدف قرار گرفت، مرکز مطالعات و تحقیقات علمی موسوم به سی‌نی‌آر آس (CERS) یا اس‌اس‌آر سی (SSRC) بود که اسرائیل ادعا می‌کند نیروهای تحت نفوذ ایران از آنجا برای ساخت موشک‌های دقیق زمین‌به‌زمین استفاده می‌کنند. (آسوشیتدپرس)

پاپ فرانسیس در ادامه سفرهای آسیایی خود وارد تیمور شرقی شد و مورد استقبال خبرنگاران و مردم این کشور قرار گرفت. (رویترز)

مرد هندی با به کارگیری اینکار خود، خانه‌ای یک نفره با بطری‌های پلاستیکی برای خود ساخت تا از شر آفتاب سوزان تابستان در امان باشد. (ای‌اف‌پی)

مسابقات ماشین‌های پدالی در انگلیس در حال برگزاری است که مورد توجه تماشاگران و رسانه‌ها قرار گرفت. (رویترز)

۱۸ شهریور ۱۴۰۳ مصادف با بیست‌وسومین سالگرد ترور احمدشاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان به دست دو مهاجم انتحاری در پوشش خبرنگار در شهرستان خواجه بهاءالدین استان تخار است. حامد کرزی، رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان، به این مناسبت در حسابش در ایکس، احمدشاه مسعود را «یک افغان وطن‌دوست» توصیف کرده است. او نوشت: «هژدهم سنبله/ شهریور سالروز شهادت احمد شاه مسعود، فرزند مجاهد و قهرمان افغانستان، است. او یک افغان وطن‌دوست بود و پیوسته برای آزادی وطن مبارزه می‌کرد. شیوه مبارزه، حضور همیشگی در میان مردم و هنر بسیج آنها مسعود را چهره شاخص جهاد افغانستان کرد.» عبدالله عبدالله، رئیس پیشین شورای عالی مصالحه افغانستان، هم در ایکس نوشت که احمد شاه مسعود از تنوع قومی و مذهبی «درک عمیقی» داشت و همواره در راستای گردآوری مردم افغانستان حول محور منافع ملی تلاش می‌کرد. (ای‌اف‌پی)

افسر پلیس پاکستانی در حال نگهبانی از جان کودکان و کارمند بهداشتی است که در حال انجام برنامه واکسن فلج اطفال خانه به خانه در پیشاور هستند. این برنامه به دنبال کشف یک مورد ویروس فلج اطفال پس از ۱۶ سال در اسلام‌آباد به راه افتاد. برخی از شهروندان پاکستان که اعتقادات عجیب، غیرعلمی و افراطی دارند، با انواع واکسیناسیون مخالفند و آن را را عامل زدودن ایمان از قلوب می‌دانند. از این رو بیم آن می‌رود که با کارکنان بهداشت و کودکانی که در این طرح واکسن دریافت می‌کنند، برخورد کنند. (ای‌پی‌ای)

مصطفی حمید، مدیر واحد رسانه‌ای اداره امور ملی وزارت محیط زیست عراق اعلام کرد حدود ۲ هزار کیلومتر مربع از اراضی کشور همچنان آلوده به مین است. (میدل ایست نیوز)

2

تعداد مسافران شرکت هواپیمایی ترکیش ایرلاینز در دوره ژانویه تا اوت ۲۰۲۴ نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۲/۵ درصد افزایش یافته و به پیش از ۵۷ میلیون نفر رسید. (آناتولی)

57

کیوسک

گاردین آمریکا، عکس و تیتر یک خود را به اظهارات لیز چنی اختصاص داد که همصدا با پدرش، دیک چنی، دونالد ترامپ را یک فاجعه خواند و از جمهوری‌خواهان خواسته که به هریس رای بدهند.

زوددویچه زایتونگ آلمان، عکس و تیتر یک خود را به اولین مناظره انتخاباتی هریس و ترامپ و حساسیت‌های آن اختصاص داد. پیروزی ترامپ در این رقابت، کابوس آلمانی‌هاست.

سایت نگار جهان

وزیر خارجه عراق می‌گوید نیروهای آمریکایی تا دو سال دیگر به‌طور کامل از این کشور خارج می‌شوند

وزیر خارجه عراق در یک مصاحبه تلویزیونی گفت این کشور با آمریکا برسر خروج تدریجی نیروهای ائتلاف ضدداعش به توافق رسیده و توافقنامه «ظرف چند روز آینده» به امضا می‌رسد. ثابت عباسی، وزیر دفاع عراق روز یکشنبه اعلام کرد خروج نیروهای ائتلاف ضد داعش در دو مرحله انجام خواهد شد. وزیر خارجه عراق گفت در مرحله نخست، نیروهای آمریکایی و دیگر اعضای ائتلاف، تا پایان سپتامبر سال ۲۰۲۵ از پایگاه‌هایش در بغداد و دیگر نقاط آغاز می‌شود. به علاوه، نیروهای ائتلاف در مرحله دوم پایگاه‌های خود در اقلیم کردستان عراق را هم تا سپتامبر ۲۰۲۶ تخلیه خواهند کرد. وزیر خارجه عراق تاکید کرد این توافق در روزهای آینده به امضا می‌رسد. گفتگوهای میان دولت عراق و آمریکا برای خروج نیروهای ائتلاف ماه‌ها به طول انجامید.

در حال حاضر در مجموع حدود ۲۵۰۰ سرباز آمریکایی در قالب ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در عراق مستقر هستند. ۹۰۰ نیروی دیگر آمریکا نیز هم‌اکنون در سوریه حضور دارند. به گفته وزیر خارجه عراق لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا در جلسه‌ای گفته بود که جدول زمانی دو ساله برای خروج نیروهایش «کافی نیست.» اما آقای عباسی می‌گوید عراق پیشنهاد آقای آستین را در مورد جدول زمانی خروج سه ساله رد کرده است.

داعش بخش‌هایی از عراق و سوریه را در سال ۲۰۱۴ تصرف کرد اما ظرف سه سال از عراق در عقب‌نشینی کرد. داعش در سال ۲۰۱۹ در سوریه هم آخرین تصرفاتش را از دست داد و شکست خورد. با این حال این گروه به عملیات خود در مناطق صحرایی و دور افتاده ادامه می‌دهد. در حال حاضر نیروهای امنیتی عراق می‌گویند که می‌توانند بدون کمک یا بقایای داعش مقابله کنند، زیرا این گروه تهدید قابل توجهی ندارد. (بی‌بی‌سی)

رزمایش مشترک چین و روسیه در دریا و هوا؛ هدف دو کشور «دوست» از این مانور چیست؟

وزارت دفاع چین روز دوشنبه ۹ سپتامبر (۱۹ شهریور) با تأکید بر نزدیکی ارتش این کشور با ارتش روسیه در شرایطی که مسکو شدیدا در گیر جنگ با اوکراین است، از برگزاری یک رزمایش دریایی و هوایی مشترک با روسیه خبر داد که قرار است در ماه جاری میلادی آغاز شود. این وزارتخانه اعلام کرد رزمایش موسوم به «منحد شمالی-۲۰۲۴» در دریای ژاپن و دریای اُخُتسک در شمال این کشور برگزار خواهد شد. وزارت دفاع چین می‌گوید این مانورهای دریایی و هوایی با هدف بهبود همکاری راهبردی بین دو کشور و «تقویت توانایی آنها برای مقابله مشترک با تهدیدات امنیتی» انجام می‌شود. در اطلاعیه دولتی چین در این زمینه همچنین آمده است که ناوگان دریایی دو کشور برای پنجمین بار با هم در اقیانوس آرام سفر کرده و مشترکا در رزمایش «اقیانوس بزرگ-۲۴» روسیه شرکت خواهند کرد. جزئیات دیگری در این زمینه منتشر نشده است. چین از انتقاد به تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین که اکنون سومین سال آن در جریان است، خودداری کرده و ایالات متحده و ناتو را در تحریک پوتین به جنگ، مقصر دانسته است. چین به طور مستقیم به روسیه تسلیحات «تداو» است، اما به عنوان یکی از مشتریان اصلی نفت و گاز روسیه و همچنین تأمین‌کننده لوازم الکترونیکی و سایر اقلام با مصارف غیرنظامی و نظامی به یک راه نجات اقتصادی حیاتی مسکو تبدیل شده است. روسیه و چین، همراه با دیگر منتقدان ایالات متحده مانند ایران، سیاست‌های خارجی خود را برای به چالش کشیدن و به طور بالقوه واژگون کردن نظم لیبرال دموکراتیک به رهبری غرب، هماهنگ می‌کنند. روسیه با رزمایش‌های مشترک برای دستیابی به هدف دیرینه خود برای تبدیل شدن به قدرت اول در اقیانوس آرام از چین درخواست کمک کرده و همزمان از ادعاهای ارضی فزاینده چین در دریای چین جنوبی و جاهای دیگر حمایت می‌کند. این ادعاها شامل تنگه تایوان با عرض ۱۸۰ کیلومتر می‌شود که سرزمین اصلی چین را از تایوان جدا کرده است. تایوان کشوری جزیره‌ای خودگردان و دموکراتیک است که پکن آن را جزو قلمرو خود می‌داند و آن را تهدید به حمله می‌کند. بر اساس ادعای چین، تنگه تایوان چینی است. مائو تینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در نشست خبری روز جمعه گفت کشورش اگرچه مخالف دریانوردی دیگران در این منطقه، یعنی یکی از پرترافیک‌ترین مسیرهای دریایی جهان نیست، اما با تحرکات کشورهایی که حاکمیت و امنیت چین را تحت عنوان آزادی دریانوردی به خطر می‌اندازند، به شدت مخالف است. مائو این سخن را در پاسخ به پرسشی درباره اینکه دو کشتی نیروی دریایی آلمان قرار است در این ماه برای اولین بار در بیش از دو دهه از تنگه عبور کنند، اظهار کرد. ایالات متحده و به طور تقریبی تمام کشورهای جهان، مانند تایوان، آبهای تنگه تایوان را بین‌المللی می‌شناسند. (یورونیوز)

اخراج پناهجویان از آلمان؛ شرط پنج کشور برای قبول اتباع خود

مذاکرات بین دولت فدرال، ایوزیسیون و ایالت‌های آلمان پیرامون گسترش تدابیر برای اخراج پناهجویان بدون حق اقامت ادامه دارد. برخی از کشورهایی که شهروندان آن که قرار است از آلمان اخراج شوند، شروطی برای این امر تعیین کرده‌اند. پس از حمله تروریستی در شهر زولینگ، دولت آلمان به دنبال اتخاذ تدابیر گسترده‌تری در زمینه مقابله با مهاجرت بی‌رویه به این کشور است. از دیدگاه سران حزب مسیحی دموکرات آلمان (CDU) که بزرگ‌ترین فراکسیون اپوزیسیونی در پارلمان آلمان است، اعمال فشار بر برخی از کشورهای مبدأ در این مورد ضروری است. به گفته وزارت داخلی ایالت نیدرزاکسن، برخی از کشورها از شهروندان خود که قرار است از آلمان اخراج شوند، می‌خواهند که خودشان نیز با بازگشت به کشورشان موافقت کنند. گفته شده است اتیوپی، سومالی، ایران، اردن و چین، از جمله کشورهایی محسوب می‌شوند که برای بازگشت شهروندان‌شان از آنها می‌خواهند که اعلام داوطلبانه خود را در این‌باره امضا کنند. وزارت داخلی ایالت نیدرزاکسن همچنین توضیح داده است که بر اساس قوانین بین‌المللی، کشورها این تعهد را دارند که اتباع خود را دوباره بپذیرند. گفته شده است با این حال، کشورها می‌توانند الزاماتی را برای این اقدام تعیین کنند. دتلف زایف، سیاستمدار امور داخلی حزب مسیحی دموکرات آلمان در این مورد به روزنامه ولت ام زونتاگ گفت: «کشورهایی که بازگشت شهروندان خود را به کشور مستلزم اعلام داوطلبانه می‌دانند، مشکلات خود را به دوش کشورهای اروپایی می‌گشانند. آلمان باید و همچنین می‌تواند فشار بیشتری بر این کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی، اعمال کند.» حزب دموکرات مسیحی آلمان همچنین خواهان اخراج از دسته از پناهجویانی است که پیش در یکی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا منطقه شنگن پذیرفته شده‌اند یا درخواست پناهندگی داده‌اند. (دویچه وله)

افزایش شمار خارجی‌های سوئیس؛ مردم کدام کشورها بیشتر به «بهشت اروپا» مهاجرت کردند؟

ساکنان غیرسوئیسی در حال حاضر ۲۷ درصد از جمعیت ۸/۹ میلیون نفری «بهشت اروپا» را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر، حدود ۴/۲ میلیون شهروند خارجی در سوئیس زندگی می‌کنند که حدود یک پنجم آنها در این کشور متولد شده‌اند. خالص مهاجرت به سوئیس در سال گذشته میلادی ۱۱/۷ درصد در مقایسه با سال ۲۰۲۲ میلادی افزایش یافت. نسبت خارجی‌هایی که در سوئیس زندگی می‌کنند بسیار بیشتر از قرن پیش است که این گروه ۱۰ درصد از کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌داد. کارگران اتحادیه اروپا هر ساله بزرگترین گروه مهاجران را تشکیل می‌دهند. به طوری که ۷۲ درصد از کل مهاجران جدید در سال ۲۰۲۳ شامل این گروه می‌شود. ایتالیایی‌ها با ۱۴ درصد بیشترین نسبت ساکنان خارجی در سوئیس را تشکیل می‌دهند. پس از آنها آلمانی‌ها (۱۳/۴ درصد)، پرتغالی‌ها (۱۰/۶ درصد) و فرانسوی‌ها (۸/۶ درصد) قرار دارند. جای تعجب نیست که اکثر مهاجران خارجی از کشورهای همجوار با سوئیس می‌آیند و از زبان و فرهنگ مشترک استفاده می‌کنند تا فرصت‌های شغلی بهتری را نسبت به کشور محل تولد خودشان تصاحب کنند. کوزوی‌ها (۴/۸ درصد)، اسپانیایی‌ها (۳/۹ درصد) و ترک‌ها (۳/۱ درصد) در رده‌های بعدی قرار دارند. (یورونیوز)

کمیک

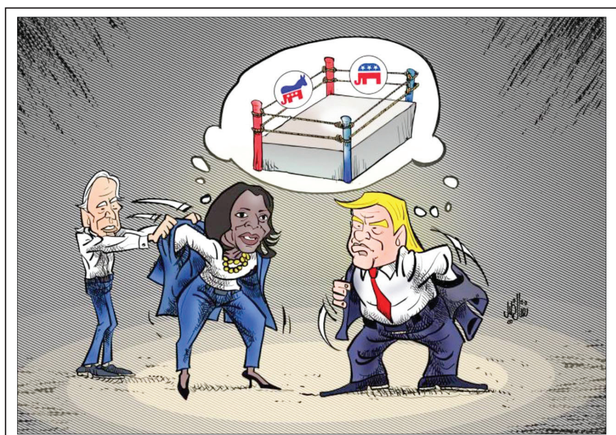

اولین مناظره انتخاباتی بین دونالد ترامپ و کامالا هریس، بامداد چهارشنبه انجام خواهد گرفت. تا کنون هریس خود را دنباله‌روی سیاست‌های بایدن معرفی کرده و حرف تازه‌ای نزده است. با این حساب رینگ مبارزه همان رینگ است. کت‌ها همان کت و تنها حریف ترامپ است که تغییر کرده. کارتونی از کارتون موومنت

تا انتخابات آمریکا

شکست عشقی؛ واکنش ترامپ به حمایت پوتین از کامالا هریس چه بود؟

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا که در حال رقابت با کامالا هریس برای بازگشت به کاخ سفید است، روز یکشنبه در جریان یک تجمع انتخاباتی در ایالت ویسکانسین آمریکا گفت حمایت ولادیمیر پوتین از رقیبش به او «برخورده است». ترامپ در جریان این سخنرانی، پوتین را به یک شطرنج‌باز تشبیه کرد و با اشاره به لبخندش هنگام حمایت از کامالا هریس، به‌طور تلویحی گفت شاید حمایت پوتین از کامالا هریس نوعی شوخی و کنایه بوده است. چند روز پیش ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در جریان یک مجمع اقتصادی در پاسخ به سوالی گفت دونالد ترامپ بیشترین تحریم‌ها را علیه روسیه وضع کرده است و اظهار امیدواری کرد که کامالا هریس در صورت موفقیت در انتخابات این شیوه را تکرار نکند. پوتین که در یک جلسه پرسش و پاسخ با خبرنگاران در مجمع اقتصادی ولادی‌وستوک در شرق روسیه صحبت می‌کرد، با اشاره به توصیه خود باید به طرفدارانش برای حمایت از کامالا هریس، با لبخند گفت: «ما هم اینجا، همین کار را خواهیم کرد و از او حمایت می‌کنیم.»

رئیس‌جمهوری روسیه گفت: «خنده‌های او آکاملا هریس! انچنان مسری است که نشان می‌دهد با هیچ چیز مشکلی ندارد.» آقای پوتین افزود: «ترامپ به اندازه بقیه رئیس‌جمهورهای آمریکا علیه روسیه تحریم وضع کرده است، اگر اوضاع هریس خوب است، شاید از اعمال چنین تحریم‌هایی خودداری کند.» از ابتدا مشخص بود که این اظهار امیدواری‌های پوتین درباره پیروزی هریس و دقت او در رفتار شخصی نامزد دموکرات‌ها، مانند تیمر زهراگین عمل خواهد کرد که در دست به قلب ترامپ اصابت می‌کند. با توجه به اظهارات، اعتراف‌ها، افشاگری‌ها و کتاب‌های خاطرات اطرافیان و نزدیکان ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا شیفته دیکتاتورهاست. او در این بین جایگاه ویژه‌ای برای پوتین در نظر گرفته و او را از سایر رهبران دیکتاتور و قدرت‌طلب جهان جدا کرده است. از این رو ترامپ همیشه سعی داشت رابطه خود با پوتین را خوب و صمیمانه و دوستانه نشان دهد و بگوید او بهترین رئیس‌جمهور آمریکا برای نزدیک کردن روسیه و کشورش است؛ حالا با این اظهارات پوتین، باید بگوییم چیزی که ترامپ تجربه کرده شبیه تجربه یک شکست عشقی تمام‌عیار بوده است.

بنگه دنیا

دولت بعدی آمریکا و مسئله تغییر نگرش درباره اسرائیل

دونالد ترامپ در یکی از همایش‌های انتخاباتی خود، به موضوع موجودیت اسرائیل در دولت او و مقایسه با دولت هریس اشاره کرد و گفت «اگر من برنده این انتخابات نشم، با وجود رفیق کمونیستی مثل کامالا هریس، اسرائیل به قنامیره، اسرائیل بدبخت میشه، این حرف خیلی جدی است. اسرائیل از بین میره، یک سال، در نهایت دو سال دیگه اسرائیلی وجود نخواهد داشت. بهتره من برنده انتخابات بشم و گرنه با مشکلاتی روبرو میشید که هرگز نداشتید... شاید این آخرین انتخابات ما باشه!» فارغ از اینکه کارنامه ترامپ نشان‌دهنده و نمایانگر حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل و ضدیت با فلسطین است، آیا رویکرد هریس درباره اسرائیل همان است که ترامپ می‌گوید؟

نشریه نیسایید واشینگتن در این باره با هالی سوپفر صحبت کرده است که در دو سال اول دوره سناتوری هریس به‌عنوان مشاور امنیت ملی او کار می‌کرد. سوپفر که اکنون مدیر اجرایی شورای دموکراتیک یهودیان آمریکا است، به اینندپندنت گفت هریس نشان داده است که از تهدیدهای امنیتی منحصربه‌فردی که اسرائیل با آنها مواجه است درک عمیقی دارد. سوپفر افزود: «وقتی در نوامبر ۲۰۱۷ به اسرائیل سفر کردیم، این موضوع را از نزدیک دیدم. او آن زمان توجهش به آنشبارهای گنبد آهنین بود. سوپفر در ادامه افزود هریس تهدیدی را که اسرائیل با آن مواجه است، نه تنها از جانب حماس بلکه از سوی حزب‌الله که هر دو نیروهای نیابتی ایران محسوب می‌شوند، درک می‌کند.»

سوپفر در ادامه افزود: «من در مجمع حضور داشتم و فکر می‌کنم رای دهندگان غیرمتعهد یا نمایندگان غیرمتعهد و همینطور معترضان در بیرون، بسیار کمتر از انچه امیدوار بودند تاثیر گذاشتند و دلیلش این است که دموکرات‌ها، و همین‌طور نامزدهای ما، با آنها هم‌نظر نیستند.» در مصاحبه هفته گذشته هریس با سی‌ان‌ان، معاون رئیس‌جمهوری بار دیگر بر حمایتش از اسرائیل تاکید کرد و از بیان شرط و شروط در مورد کمک به اسرائیل خودداری کرد. سوپفر متذکر شد که هریس در دوره سناتوری همواره به کمک نظامی به اسرائیل رای می‌داد و از کمک بیشتر به اسرائیل که در یک بسته امنیت ملی شامل کمک به اوکراین و تایوان تصویب شد، حمایت کرد. در واقع، هریس در سخنرانی‌اش در مجمع گفت او و جو بایدن، رئیس‌جمهوری، به‌صورت «شبانه‌روزی» تلاش می‌کنند به جنگ پایان دهند، «زیرا اکنون زمان آن رسیده است تا توافقی برای آزادی گروگان‌ها و برقراری آتش‌بس صورت گیرد». او همچنین اضافه کرد «آنچه در ۱۰ ماه گذشته در غزه رخ داده و برائگر است»، اما مدافعان حامی فلسطینیان گفته‌اند که این ارسال پیام کافی نیست، بیشتر به این دلیل که در واقع تعهدی به تغییر سیاست نیست و آنطور که پیداست هریس برخلاف اظهارات ترامپ قصد و انگیزه‌ای برای تغییر سیاست‌های حمایتی آمریکا از اسرائیل ندارد.

به افغان‌ها کمک کنیم به دامن روس‌ها و چینی‌ها نیفتند

برگی از تاریخ؛ یادداشت‌های اسدالله علم ۱۶ بهمن ۱۳۴۸

◀ صبح سمیعی رئیس سازمان برنامه پیش من آمد که پاره‌ای از اوامر شاهنشـــاه را به او ابلاغ کنم. راجع به گزارش لوله نفت می‌گفت، در این گزارش از لحاظ توجیه اقتصادی موضوع به اندازه کافی بحث نشده است.

◀ بعد به وزارت خارجه رفتم، وزیر خارجه از من و نخست‌وزیر و یکی دو نفر از وزرا دعوت کرده بود که برویم در خصوص سیاستی که باید ایران در قبال افغانستان اتخاذ کند، گفتگو کنیم. بحث مفصلی بود که خلاصه‌اش این شد؛ این قرارداد که افغان‌ها می‌خواهند ما با آنها ببندیم، به نفع ما نیست و اگر هم قراری نبندیم چیزی گم نمی‌کنیم (یعنی ۲۲ مترمکعب) که چهار متر هم قرار شده است پادشاه افغانستان اضافه کند می‌شود ۲۶ متر (این ۲۶ متر را در ظرف سال به طرق مختلف می‌دهند یعنی در هر ماه یک مقدار مثلاً در شهریور فقط ۲ متر!). مگر آنکه قرارداد تجارتی معامله آب را هم ببندند که گمان می‌کنم شرح آن را ســابق داده باشم. یعنی در هر پنج سال ما مقداری آب از آنها بخریم که احتیاجات فعلی ما را تأمین کند (حالا عملاً خیلی بیش از مقدار پیشنهادی آب می‌گیریم). اما باید به افغان‌ها همه جور کمک کنیم که در دامـــن روس‌ها و چینی‌ها نیفتند. یعنی راه بندرعباس به زابل را به آنها بدهیم و کمک‌های دیگر از قبیل فروش نفت و مال‌التجاره و غیره بکنیم.

◀ بعد به مسجد سپهسالار برای فاتحه مقتولین راه هراز رفتم. جمعیت واقعا کم آمده بود. جای تأسف شد که موضوعات شخصی که در بین نباشد، هیچ کس دیگر اهمیتی به اجتماع نمی‌دهد.

◀ ظهر سفیر آمریکا دیدنم آمد. از همه در سخن گفتیم. مطلب مهم ما بحـــث در امور مالی و خرید اسلحه از آمریکا بود. او می‌گفت: قرض شما بالا رفته است. به طوری که بازپرداخت شما ۲۰ درصد کل بدهی شده و این زیاد اســـت. درست هم می‌گوید. در خصوص مصر و شـــوروی می‌گفت، شـــوروی حسن‌نیت ندارد. نه میل دارد در خاورمیانه جنگ عمومی بشود که پای خودش در بین بیاید و نه اینکه میل دارد کشمکش‌ها خاتمه یابد. زیرا به این صورت به تدریج بین اعراب نفوذ و اعتبار پیدا می‌کند. من گفتم نظر ما هم همین است.

◀ بعدازظهر به دیدن والاحضرت عبدالرضا رفتم. شب در اداره و منزل کار کردم. با تلفن از علیاحضرت شـــهبانو و علیاحضرت ملکه پهلـــوی خداحافظی کردم.

◀ سر شـــب با سرلشکر حســـین فردوست قائم مقام سازمان امنیت که دوســـت مدرسه و خیلی قدیمی شاهنشاه است، در خصوص مطلب مهمی صحبت کردم و آن اینکه داخل کاخ غفلتا یک نفر آدم ناشناس با اتومبیل پیدا شده است. از کجا این شـــخص رفته و چطور رفته و کی بود؟ خیلی جای وحشت من شد. گفت: گزارش را به شاهنشاه داده‌ام. چون مربوط به مسئولیت گارد بود، چیزی نفرمودند. من قصد دارم جدا با شاهنشـــاه صحبت کنم یا مرا مرخّص کنند، یا همه مسئولیت‌ها را به من بدهند. اینکه درست نیست خدای‌نکرده باز اگر اتفاقی بیفتد چه خاکی به سر خواهم ریخت؟

وضعیت تجارت در دوره نادرشاه و نقش استعمارگران

◀ اســـتعمارگران در دوره صفویـــه توانســـتند بر بخش‌هایی از کشـــور کنترل و تســـلط یابند. پشـــم کرمان نمونه‌ای از این بخش‌ها است که تا سالیان سال تحت نفوذ اســـتعمارگران باقی ماند. کمپانی‌های غربی توانستند این امتیاز را در دوره نادرشاه نیز همچنان حفظ کنند و منافع سرشاری از آن به دست آورند.

◀ در ســـال ۱۷۳۵ اهالی کرمان در معرض یک خراج فوق‌العاده به مبلغ ۷۰۰۰ تومان از جانب نادر قرار گرفتند. از آنجا که پول نقد کم بود روستاییان برای دستیابی به پول نقد، قیمت پشم را ۲۵ تنزل دادند (۱۲/۵ محمودی) در همین حال هلندی‌ها و انگلیســـی‌ها به طور شـــفاهی توافق کردند که پشم‌هایی که به گونه خرده‌فروشی عرضه می‌شود به قیمت ۱۱ محمودی بخرنـــد. قدرت انحصاری کمپانی‌ها آنچنان زیاد شده بود که هنگامی که دو بازرگان (یکی علی محمد، خواهرزاده مســـتوفی بیک و دیگری حاج علی قلی که اولی فرســـتاده ابراهیم خان برادر نادر بـــود) با ۱۵۰۰ تومان نقره برای خرید پشم قرمز و ارســـال آن به گیلان، به کرمان آمده بودند. کمپانی‌ها توانستند با تهدید به اینکه اگر بازرگانان به دیگری پشم بفروشند آنان از خرید پشـــم خودداری خواهند کرد به راحتی رقیبان را از میدان بیرون کنند. قدرت انحصاری آنان به حدی بود که بازرگانان وابسته به نادرشاه نیز توان رقابت با آنان را نداشـــتند. به این ترتیب تجارت که عامل عمده‌ای در رشـــد و گســـترش صنایع مانوفاکتوری در آغاز ســـرمایه‌داری است در دست کمپانی‌های ســـوداگر قرار می‌گرفت و آن انباشت اولیه‌ای که از طریق تجارت در جهت رشد و گسترش صنعت صورت می‌گیرد در دست کمپانی‌های هند شرقی قرار داشت.

منبع: علیرضا ثقفی خراسانی / سیر تحولات استعمار در ایران (کافه تاریخ)

قاب

مرتضی کلیلی

۸ قاب نوستالژی ۱
نوع پوشش و وضعیت ظاهری یکی از جوانان تهرانی - سال ۱۳۸۶ (گتی ایمیجز)

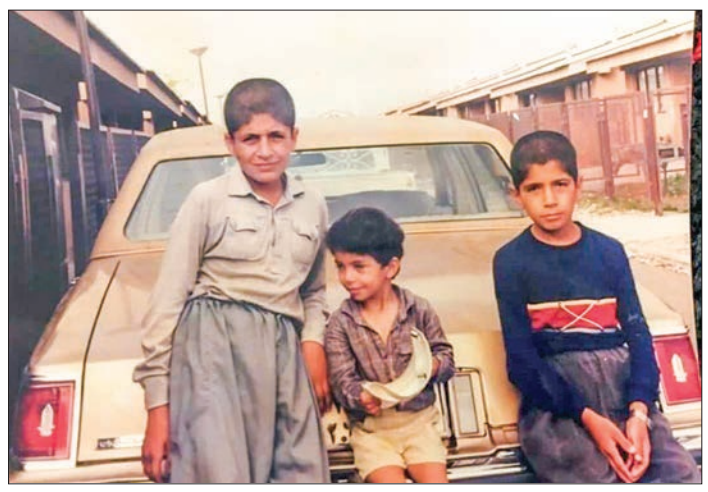

۸ قاب نوستالژی ۲
عکس یادگاری با کادیلاک ایران طلایی سال ۱۳۶۱ در ایلام. اولین بار کادیلاک جنرال موتورز محصول گرانقیمت این شرکت در سال ۱۳۵۶ توسط شرکت جنرال موتورز ایران مونتاژ شد. (عکس: کلاسیک کار)

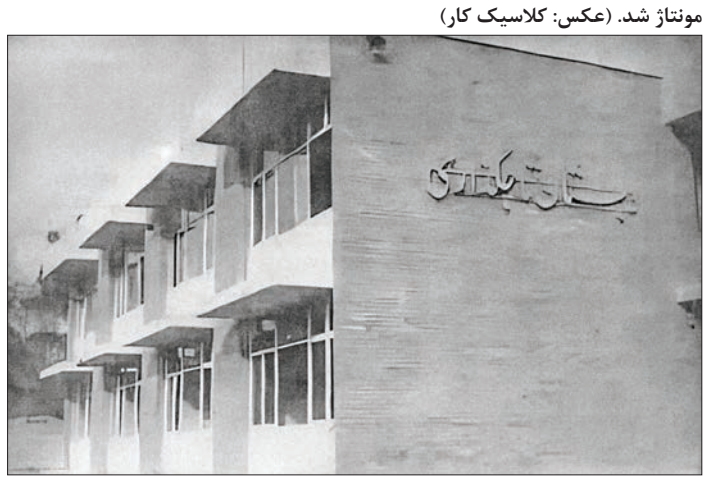

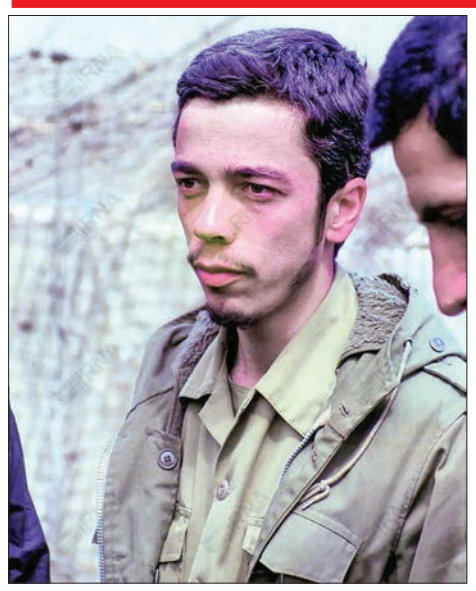

۸ قاب مشاهیر
محمد باقری (افشردی) معاونت اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم الانبیا در سال‌های جنگ و فرماندهی فعلی ستاد کل نیروهای مسلح را می‌بینید. زمان عکس: اواسط دهه ۶۰ / ایرنا

۸ قاب تاریخ ۱
دبستان دخترانه تاجگذاری در زمینی با مساحت ۲۰۰۰ مترمربع و سرمایه شرکت‌های تاسیساتی در جنوب شرقی تهران محله بی‌سیم در سال ۱۳۴۸ افتتاح شد. عکس: امیر بانی‌مسعود

۸ قاب تاریخ ۲
سوزن‌دوزی در ایرندگان سیستان و بلوچستان - سال ۱۳۶۸. عکس: ساسان مویدی.

سلامت

تشخیص ۱۱ بیماری از روی چهره انسان

به گزارش ســـلامت‌نیوز ، حتما برای شما پیش آمده است فردی مسن و با تجربه با نگاه کردن به صورت شما بگوید «چرا رنگ و رو ندارید؟» یا «رنگ صورت‌تان پریده است» یا « صورت تان زرد به نظر می رسد» و این ها گواه این اســـت که شما گویا حال مزاجی خوبی ندارید. بله درست است، صورت شما راز وضعیت داخلی بدن و بیماری های داخلی را برملا می سازد.

۱ چهره افراد دیابتی تغییر می‌کند؟ این بیماری می‌تواند باعث بروز علائم پوستی و تغییراتی در چهره شود. خشکی پوست، خارش و کاهش قدرت التیـــام زخم‌ها از جمله مشـــکلات رایج پوستی در افراد مبتلا به دیابت اســـت. همچنین دیابت می‌تواند باعث ایجاد لکه‌های تیره روی پوســـت، به‌ویژه در نواحی گردن و صورت شود.

۲ زردی صورت و چشم‌ها: اگـــر متوجه رنگ زرد خفیفی در صورت و به ویژه سفیدی چشم‌های‌تان شده‌اید، ممکن است دچار زردی باشید. زردی به علت تجمع بیلی روبین در خون و بافت‌های بدن ایجاد می‌شود.

۳ علائم کبد چرب در چهره: پزشـــکان هشدار می‌دهند که زردی پوست و چشم‌ها (یرقان)، تورم صورت و سیاهی دور چشم‌ها از جمله نشانه‌های این بیماری هســـتند که روی ظاهر فرد تأثیر می‌گذارند.

۴ رویش موی زائد در صورت: رویـــش موهای زائدی که در امتداد خط فک، چانه و لب بالای خانم‌ها اتفاق می‌افتد، به عنوان هیرسوتیسم یا پرمویی شناخته می‌شود و می‌تواند نشانه سندرم تخمدان پلی کیستیک باشد.

۵ رنگ پریدگی پوســـت: یکی از علل اصلی رنگ پریدگی پوست، کم‌خونی فقر آهن است.

۶ خشکی و پوسته پوسته شدن لب: این مشکل رایج‌ترین نشانه از کمبود آب در بدن است.

۷ رنگ غیرطبیعی پوست: زنانی که دارای سندرم تخمدان پلی کیستیک هستند ممکن است متوجه تکه‌های ضخیم مشکی یا قهوه‌ای روی پیشـــانی، گردن، ناف، زیر بغل و سینه خود شده باشند.

۸ چین و چروک عمیـــق زودرس: چین وچـــروک رابطه اجتناب‌ناپذیری با سن دارد اما چین و چروک زودرس در اطراف دهان یا پیشانی می‌تواند در اثر قرار گرفتن بیش از حد در معرض دود سیگار ایجاد شود.

۹ ترک گوشه‌های دهان: معمولا با کمبود ویتامین ب ۲، آهن و روی در بدن مرتبط است. کمبود ویتامین ب در بدن می‌تواند به التهاب غشای دهان، پوست، چشم‌ها و دستگاه گوارش منجر شود.

۱۰ لکه زرد اطراف چشم‌ها: بیماری‌های قلبی می‌توانند یکی از دلایل به وجود آمدن این لکه‌ها باشـــند. این لکه‌های زردرنگ که اغلب در نزدیکی گوشـــه داخلی پلک به وجود می‌آیند، نرم، کوچک و بدون درد هستند و مشکلی در بینایی ایجاد نمی‌کنند. این مشکل اغلب با تصلب شرایین، دیس لیپیدمی و بیماری عروق کرونر در ارتباط است.

۱۱ چشمان پف کرده: پـــف و حلقه‌های تیره زیر چشم ممکن است به دلیل دیر خوابیدن، کمبود خواب یا گریه بیش از حد به وجود بیایند. در صورت داشـــتن خواب کافی اما ممکن است این علائم نشانه بیماری چشمی تیروئید باشد که منجر به تورم بافت‌ها و ماهیچه‌های اطراف چشـــم می‌شـــود. همچنین ممکن است مشکلی در غده تیروئید یا کلیه‌ها وجود داشته باشد.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

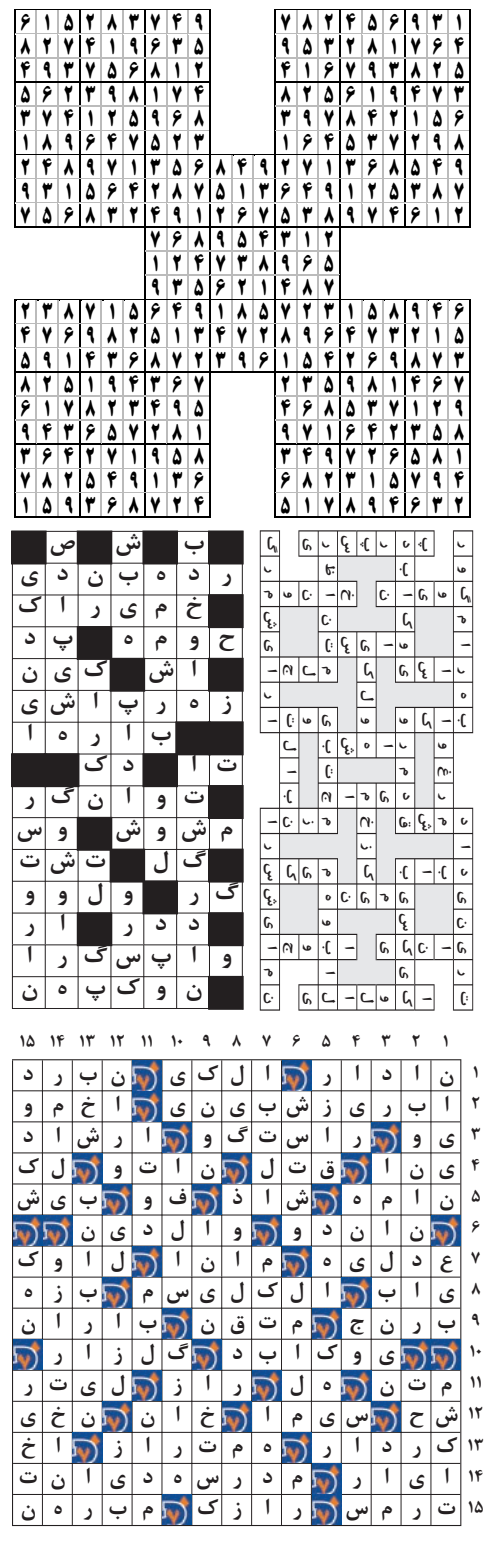

لغت‌یابی

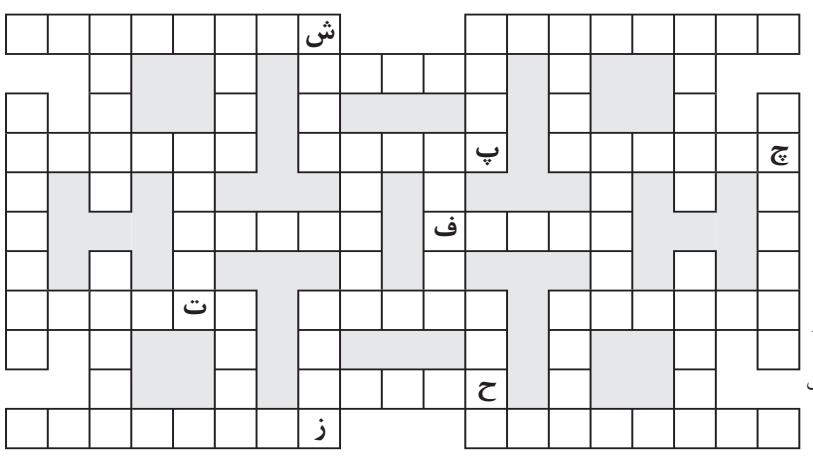

توضیح
کلماتی که بر اســـاس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: اپیک، اروج، انحا، دوحه، رامپ، رنگو، شیلا، هیلز
۵ حرفی: انفال، آلاشت، آمرلی، برناک، پاستا، تورفل، حبایل، دلیله، رشیدا
قارون، موالف، وارلا، یامسک، یولاف
۶ حرفی: اتیوپی، آلاسکا، چساپیک، وایونت
۷ حرفی: آتروپین، گچساران
۸ حرفی: حسب الامر، زوج یا فرد، شهر بلقیس، صداق نامه

جدول شرح در متن

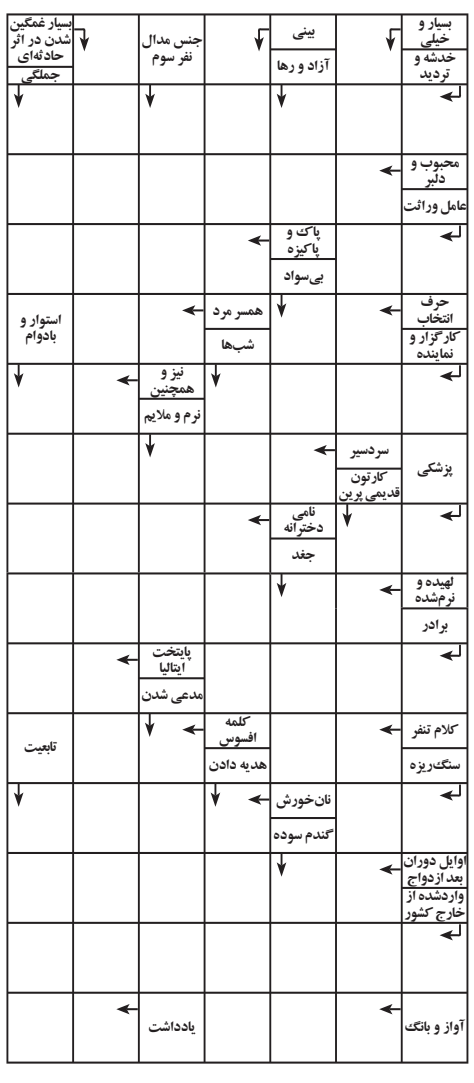

سودوکو

◀ سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

◀ در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

◀ هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

◀ برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

◀ قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

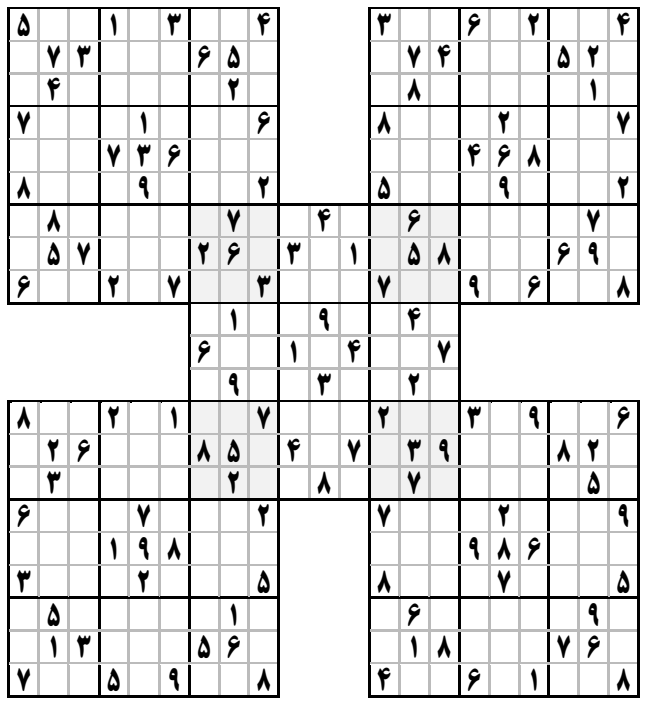

جدول کلمات متقاطع

افقی
۱- خوش فطرت- ناجور
۲- شبانه روزی- کوهی در ایلام
۳- ســـیم متصل بـــه زمین- نـــام دیگر سیاره بهرام- نو به زبان آذری- گفتگوی اینترنتی
۴- جامه بلند قدیمی- پارچه روپوشی- از فرشتگان شب اول قبر
۵- ناراست- خبر و آگهی- قدیمی
۶- آجر خام- موســـسه امـــداد جهانی- جانور بیابانی
۷- زیر پا مانده- سازگاری- پسوند صفت ساز- کشوری در غرب آفریقا
۸- پیوندگاهی- آموزش
۹- گریختن- سرپرست و قیم- از حروف الفبای فارسی- نام ترکی
۱۰- ماه چهارم ســـال خورشیدی- زمان اوج یا شدت گرفتن امری- آداب و رسوم
۱۱- چراگاه ایلات- جنگ و پیکار- پسوند حاصل مصدر
۱۲- رودی در اســـتان خوزستان- نتیجه دهنده- دیرینگی
۱۳- ضمیر فرانســـوی- پرهیـــزکاری- بزرگی و شکوه- روشنایی
۱۴- معادل فارسی پاراف- زن بابا
۱۵- نام اصلی نادرشـــاه افشار- رودی در استان کرمان

عمودی
۱- کشور اورست- جانشـــینی و نیابت- کالابرگ
۲- ای خدا- از توابع استان تهران- خواب شیرین
۳- نزاع و دعوا- سرگذشت پیشینیان- از افعال ربطی
۴- گرداگرد لب و دهان- چسبناک- پشم شتر- اسب تندرو
۵- هیزم- خوشی- نام قدیم یزد- نیرو
۶- زادگاه حضـــرت ابراهیـــم (ع)- اثـــر تاریخی شهر خوی- گرفتاری و مشکل
۷- مربوط به این‌جهان- ضرب شمشیر- حرف ندا
۸- ویرانی- پیدا کرده
۹- منقار کوتاه- شهری در استان فارس- جای نگاهداشتن چیزهای گرانبها
۱۰- از شهرهای استان قزوین- ارمغان و سوغات- اندام پرواز پرنده
۱۱- بمب کاشتنی- کاشف میکروب سل- تله- از انواع انرژی
۱۲- مقابل مادینه- امر به گفتن- سوغات اصفهان- خاندان و قوم
۱۳- آسیب- معاصر- قطعه‌ای در خودرو
۱۴- از بنادر روســـیه- سرگشـــته- واحد پولی در اروپا
۱۵- نیکوتر- گوش دادن- نان آبگوشتی